

لزوم دین

ضرورت تجدید و استمرار ادیان

حامد
انتشارات نقطه نظر

لزوم دین

ضرورت تجدید و استمرار ادیان

حامد

انتشارات نقطه نظر

چاپ و توزیع توسط انتشارات نقطه نظر

این کتاب را می توان در www.AeeneBahai20.info ملاحظه و دانلود نمود. اگر
نتوانستید به این سایت دسترسی پیدا کنید با آدرس Info@AeeneBahai.org ارتباط
برقرار کنید و فهرستی از سایت ها و منابع اینترنتی مرتبط را دریافت کنید.

«دوست یکتا می فرماید: عالم، خلق شد و اُمَم از عرصهٔ عدم به وجود آمد که شاید سبب و علت هستی و خلق خود را بیابند و بدانند. عهد ها گذشت و قرن ها تمام شد، هنوز ادراکِ ننموده اند که از کجا آمده اند و به کجا می روند و برای چه آمده اند! سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ! سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ! هر صاحبِ درایتی متحیر و هر صاحبِ ذکاوتی متفکر... اعمالِ خودِ عبادِ ایشان را از مالکِ ایجاد منع نمود و الا فیضِ فیاض، مُهِمِن و مُحِیْط بوده و خواهد بود؛ فضلِ عمیْمش عالم را گرفته و کَرَمِ مُحِیْطش جمیع را احاطه نموده...»

— بهاء الله —

فهرست مندرجات

فهرست مندرجات	۵
مقدمه	۱
لزوم دین و ضرورت تجدید و استمرار ادیان	۳
تاریخچه مختصر دیانت بابی و بهائی	۲۳
نمونه هایی از رشد و توسعه دین جدید از آغاز تا امروز	۳۷
ضمیمه ۱: مراحل ده گانه رشد درخت ظهور الهی از عهد آدم تا وحدت عالم	۴۹
مآخذ و یادداشت ها	۵۰

مقدمه

حضرت بهاء الله شارع دیانت بهائی می فرماید: «دوست یکتا می فرماید: عالم، خلق شد و اُمم از عرصهٔ عدم به وجود آمد که شاید سبب و علت هستی و خلق خود را بیابند و بدانند. عهد ها گذشت و قرن ها تمام شد، هنوز ادراک ننموده اند که از کجا آمده اند و به کجا می روند و برای چه آمده اند! سبحان الله رب العرش العظيم! سبحان الله رب الكرسی الرفيع! هر صاحب درایتی متحیر و هر صاحب ذکاوتی متفکر... اعمال خود عباد ایشان را از مالک ایجاد منع نمودند و الا فیض فیاض، مُهیمس و مُحیط بوده و خواهد بود؛ فضل عمیمش عالم را گرفته و کرم محیطش جمیع را احاطه نموده...»^۲

بشریت در آغاز هزارهٔ سوم با مشکلات و چالش های زیادی روبرو است که ریشهٔ همهٔ آنها رami توان در فقدان ارتباط و هماهنگی و تعامل ضروری ارادهٔ او با اراده و مشیت خداوند دانست. خداوند چنان قدرتی به مخلوق عزیز خود عنایت فرموده که هم می تواند ارادهٔ خود را در مسیر ارادهٔ محبوب حقیقی خود قرار دهد، و هم می تواند خلاف خواستهٔ حق عمل نماید. تاریخ بشر از جهتی چیزی جز همین تعامل نبوده و نیست.

اکنون بالنسبه به ادوار کودکی بشریت، در نقطه ای از تاریخ قرار داریم که باید بادی نو و پخته تر از ایام طفولیت به این تعامل و مکانیزم عملکرد آن بنگریم و هدف آن را که چیزی جز ترک اختلافات زبان بار و وصول به وحدت عالم انسانی نیست، تشخیص دهیم. حضرت بهاء الله مربی جدید آسمانی از سوی خداوند مهربان راجع به این تعامل و مکانیزم و هدف، حقایق جدیدی را برای بشریت تشریح فرموده اند که نه تنها دید ما را نسبت به تاریخ گذشته باز می کند، بلکه راه آینده را نیز روشن می سازد.

در این جزوهٔ مختصر که در رتبهٔ اولی به هموطنان عزیز ایرانی تقدیم شده است، سعی گردیده راجع به ضرورت ارتباط همیشگی بشر با خدا از طریق ادیان حقیقی و استمرار چنین ارتباطی در دوران معاصر و نیز در آیندهٔ زندگی بشر در این کرهٔ خاکی، مطالبی پیشکش خوانندگان عزیز گردد. از آنجا که این جزوه با الهام و استمداد از معارف

دیانت بهائی تهیه شده، تاریخچه مختصری نیز از آن و موقعیت فعلی اش در جهان امروز ارائه گردیده است.

همچنین ضمن مطالب اصلی، سعی شده در خود متن و یادداشت های آن توضیحات بیشتری نیز که بعضاً جنبه رفع بعضی شبهات و نیز ارائه بعضی اطلاعات و آمار و دلایل مربوط به حقانیت آئین مزبور را دارد، تقدیم گردد تا آغازی باشد برای تحقیقات بیشتر خوانندگان عزیز در مورد آن.

حامد/ پائیز ۱۳۸۵

لزوم دین و ضرورت تجدید و استمرار ادیان

بسیاری بر اساس مفاهیم ظاهری کتاب های آسمانی همچون تورات و قرآن، عمر جهان و انسان را حدود شش هزار سال می دانند، اما طبق آثار و حیانی حضرت باب و حضرت بهاء الله که مطابق کشفیات علمی است، آن چه در کتب آسمانی قبل درباره آفرینش آمده، دارای مفاهیمی معنوی و نمادین است.^۳ بر این اساس نه می توان آغازی را برای کاشتن دانه درخت ابدی آفرینش جهان و انسان تصور کرد، و نه می توان مراحل آغازین رشد و نمو آن را تعیین نمود.^۴ اما آثار و حیانی مزبور شهادت می دهند که زندگی انسان در کره خاکی از جنبه تقسیمات دینی و تکامل معنوی دارای مراحل و دوره های کلی و جزئی بوده و هست. طبق این تقسیمات دوره های چند هزار ساله و دارای اهداف کلی را «کور» می نامند. هر کور نیز شامل مقاطع زمانی چند صد ساله ای است که به هریک از آن ها «دور» می گویند. در هر دور دین یا ادیبانی از جانب خدا برای تربیت و رشد معنوی بشر آشکار می شوند. این ادیان بسته به زمان و مکان ظهورشان با اهداف و آموزه هایی عام و خاص در جهت هدف کلی کور مزبور مردم را راهنمایی می کنند. در این میان، ما از کور شش هزار ساله «آدم» آگاهیم؛ کوری که هدف کلی اش تعلیم «یگانگی خدا» و تا حدی «یگانگی ادیان و پیامبران» است، با حضرت آدم آغاز می شود، با ادوار حضرت نوح و هود و صالح و ابراهیم و موسی و زرتشت و بودا و مسیح و... ادامه می یابد و با دور اسلام پایان می پذیرد. ولی به علت دگرگونی های احوال دنیا و حوادث طبیعی و نیز اختراع نشدن خط، از ادوار و انسان های پیش از آدم که دارای عقاید و ادیان و اهداف خاص خود نیز بوده اند و در تورات و قرآن مجید از آنان یاد شده است، بی خبریم.^۵

همانطور که برای آفرینش آغازی متصور نیست، پایانی هم نمی توان برای آن تصور کرد. بنابراین با پایان کور شش هزار ساله آدم در سال ۱۸۴۴ میلادی یا ۱۲۶۰ ه ق

که «آخر الزمان» ادیان این کور محسوب می شود،^۶ نه تنها زندگی انسان پایان نیافته، بلکه کوری به مراتب عظیم تر و طولانی تر که مدت آن بالغ بر پانصد هزار سال است شروع شده که هدف کلی آن، علاوه بر تحکیم و تکمیل اهداف کور آدم، تعلیم اصل «وحدت عالم انسانی» و وارد نمودن جامعه بشری به مراحل «بلوغ» و «یگانگی» و سیر آن در مراحل و مراتب «کمال» می باشد. مژده آمدن این این کور جدید در کتاب های آسمانی «کور آدم» از خود حضرت آدم تا حضرت خاتم نازل شده است. اولین دور از ادوار بی شمار آن «دور بهایی» است که در آن دوآیین نزدیک و پیاپی «بابی» و «بهایی» ظاهر شده اند. این دورا باید هدف و موعود و مقصود و منظور و ثمره و نتیجه و پایان بخش ادوار ادیان آسمانی^۷ «کور آدم» و نیز حلقه ارتباط دو کور مزبور به حساب آورد. در حقیقت جامعه بشری در «کور آدم» که مراحل تشکیل خانواده و قبیله و شهر و نهایتاً تشکیل کشور و ملیت را تجربه و دوران «طفولیت» خود را همراه با جنگ ها و اختلافات بسیار سپری کرده، اینک در اولین دور خود از کور جدید، وارد دوره «بلوغ» و یگانگی و «عصر طلایی» موعود خود می شود تا مرحله تشکیل جامعه واحد جهانی را آغاز و تجربه کند و سیر طولانی «وحدت و کمال روحانی» خود را در ادوار آینده کور جدید، تحت هدایت و راهنمایی ادیانی که قطعاً پس از ادیان بابی و بهائی خواهند آمد، ادامه دهد.^۷

حقایق فوق متضمن پرسش های اساسی و ابدی و همیشگی بشر است که «از کجا آمده ایم و به کجا می رویم و برای چه آمده ایم.» پاسخ این سؤالات را باید از خود آفریدگار پرسید^۸ و کلید آن نیز در کیفیت «ارتباط انسان با خدا» است. بهاء الله می فرماید:

مقصود از آفرینش، عرفان (شناخت) حق و لقای (دیدار) او بوده و خواهد بود.^۹

و علت «آفرینش ممکنات، حُب بوده»^{۱۰} و نیز:

مقصود از ارسال رسل و انزال کتب، معرفت الله و الفت و اتحاد عباد بوده.^{۱۱}

اما چون انسان نسبت به آفریدگارش در رتبه ای پایین تر قرار دارد، شناسایی خدا برایش غیر ممکن است^{۱۲}، به این دلیل، آن خالق یکتا، به خاطر همان عشق و محبتی که به انسان دارد، کسانی را از میان مردم برگزیده و شناخت ایشان را عین شناخت خود

مقرر داشته تا انسان در این جهان خاکی، تنها و سرگردان نماند. این واسطه ها همان مریبان و فرستادگان الهی هستند که همیشه از بین خود انسان ها برانگیخته شده و در آینده نیز خواهند شد.^{۱۳} راستی در این جهان تنگ و تاریک و به خصوص در این عصر بحران زده، چه چیز جز ارتباط محبت آمیز بین جامعه بشری با خدا می تواند دل ها را آرامش و اطمینان بخشد؟

اما شاید در این آشفته بازاریأس و اضطراب، از خود پرسیم آیا در عصر حاضر چنین ارتباطی با مریبان آسمانی امکان دارد؟ آیا اصلاً خدایی هست؟ اگر بله، پس چرا در این عصری که بشریت در لبه پرتگاه نیستی است دستمان را نمی گیرد؟ حضرت بهاء الله، فرستاده و واسطه جدید خدا در عصر ما چنین پاسخ می دهند:

ای عاشقان روی جانان! غم فراق را به سرور وصال تبدیل نمائید و سم هجران را به شهد لقا بیامیزید. اگر چه تا حال عاشقان، از پی معشوق دوان بودند و حبیان از پی محبوب روان؛ در این ایام، فضل سبحانی چنان احاطه فرموده که معشوق طلب عشاق می نماید و محبوب، جویای احباب گشته.^{۱۴}

و در پاسخی کلی تر که مربوط به کم و کیف ارتباط و شناسایی مزبور در گذشته و حال و آینده است چنین می فرمایند:

إِنَّهُ خَلَقَ عِبَادَهُ وَعَرَفَهُمْ مَنَاهِجَ الْهُدَايَةِ وَسُئِلَ أَمْرَهُ وَخَلَقَ فِيهِمْ قُدْرَةً لَيْسَتْ طِيعَةً
بِهَا أَنْ يَسْلُكُوا سُبُلَ الْحَقِّ. مَنْ سَلَكَ فِيهَا ارَادَ مَوْلَاهُ إِنَّهُ نَجَى وَأَمِنَ وَالَّذِي
أَعْرَضَ إِنَّهُ كَفَرَ بِاللَّهِ الْمُهِمِينَ الْقِيَوْمِ.^{۱۵}

در این دو بیان سه نکته مهم وجود دارد: یکی این که خدا به انسان چنان اراده و اختیاری داده است که هم می تواند خدا را بشناسد و هم در راه او سالک شود، و هم می تواند چنین نکند! از این دیدگاه، یکی از اندیشمندان، «تاریخ انسانی» را عبارت از رابطه و تعامل و فعل و انفعال بین اراده بشر و اراده خدا می داند. نکته دیگر آن که خدا هیچگاه بشر را فراموش نکرده و نمی کند و به او عشق می ورزد و محبت و رحمت و فضلش همیشه بر غضبش پیشی گرفته، ولی نمی خواهد بشر به زور و اکراه به او توجه

کند، بلکه می خواهد خود انسان به اراده خود و به «فطرت اصلیه» خود چنین کند.^{۱۶} و نکته سوم آن که برای این منظور مریبان آسمانی و ادیان الهی را همیشه فرستاده و می فرستد و راه های درست را نشان داده و می دهد.

به این ترتیب به جای این که بپرسیم آیا خدا ما را دوست دارد، باید بپرسیم آیا بشر امروز خدا را دوست دارد و آیا راه او را می جوید و آیا اراده خود را همسویا اراده او نموده است؟ به فرموده حضرت عبدالبهاء اگر چه انسانها «غافلند... ندانند و نشناسند، نجویند و نپویند»، ولی فطرتاً و ذاتاً «به جان در گفتگوی» خدا و نیازمند عشق اویند^{۱۷}، و به فرموده مرکز جهانی بهائی، بیت العدل اعظم، مردم عصر ما، «سرخورده از تئوری های بی نتیجه سیاسی و سیستم ها و نظامات نادرست اجتماعی، همگی از روی آگاهی یا ناخود آگاه در آرزوی حصول عشق الهی و وصول به مقام قرب یزدانی هستند.»^{۱۸}

بلی آن دوست که همه انتظارش را می کشیدند آمده و «... نزدیک تر از من به من است/ وین عجب تر که من از وی دورم.»^{۱۹}

حضرت بهاءالله، آن دوست معنوی، خود در این باره چنین می فرماید:

... دشمن مرا در خانه من راه داده اید و دوست مرا از خود رانده اید؛ چنانچه حُب غیر مرا در دل منزل داده اید. بشنوید بیان دوست را و به رضوانش اقبال نمایید. دوستان ظاهر، نظر به مصلحت خود یکدیگر را دوست داشته و دارند، و لکن دوست معنوی شما را لِأجل (به خاطر) شما دوست داشته و دارد، بلکه مخصوص هدایت شما، بلائی لا تحصی (بی شمار) قبول فرموده. به چنین دوست جفا مکنید و به کویش بشتابید.^{۲۰}

امید و نجات بشر امروز بستگی به این دارد که تفکر کند چرا نه تنها به «کوی دوست معنوی» خود نشتافته و توجه لازم و کافی به دو آئین جدید آسمانی موعودش که بیش از یک قرن و نیم است آشکار شده، ننموده؛ بلکه چرا حتی از هر دین و مذهب نیز زده شده است! طبق بیان حضرت بهاءالله در اول این مقال، علت آن «اعمال ناپسند» خود نفوس^{۲۱} و غرور و نافرمانی و عصیان است:

من به تو مأنوسم و تواز من مأیوس؛ سیف عصیان (شمشیر نافرمانی و سرپیچی و گناه)، شجره امید تو را بریده، و در جمیع حال به تو نزدیکم و تو در جمیع احوال از من دور، و من عزت بی زوال برای تو اختیار نمودم و تو ذلت بی منتهی برای خود پسندیدی. آخرتا وقت باقی مانده، رجوع کن و فرصت را مگذار.^{۲۲}

جمیع آن چه در آسمانها و زمین است برای تو مقرر داشتم مگر قلوب را که محل نزول تجلی جمال و اجلال خود معین فرمودم و تو منزل و محل مرا به غیر من گذاشتی. و «البته غرور و نافرمانی، آن را از قلوب محو نموده.»^{۲۳}

آری در همه کتب آسمانی دیگر نیز مذکور است که غرور و خود خواهی و عصیان باعث شد که بشر اراده خود را بر اراده حق ترجیح دهد و «عمل کند آنچه را که خدا نهی فرموده» و «ترك کند آنچه را که امر فرموده.»^{۲۴} حال آن که همان کتب الهی، حسد، خیانت، دروغ، دزدی، رشوه، خرافات، خیالات بد و فاسد، فسق و زنا و فحشا و شهوت پرستی، ظلم و مکر و ریا و دورویی، و عیب جویی و غیبت و افترا، اسراف و طمع و خباثت، مُسکرات و قمار و قتل، جدال و اختلاف و کفر و امثال آن را نهی کرده اند^{۲۵}، و محبت، عدالت، بخشش، راستی، امانت، نیکوکاری، خلوص نیت و پاکی دل، پرهیزگاری، اخلاق نیکو، انصاف، فروتنی، وارستگی، انقطاع و امثال آن را امر فرموده اند. در ادامه خواهیم دید که از علل استمرار و تجدید ادیان همین ترك اوامر الهی و ارتکاب منهیات توسط مدعیان دین است.

اعمال فوق، بشریت را، چه از جنبه افراد، چه از جنبه جوامع، و چه از جنبه تشکیلات و نظام ها و مؤسسات مذهبی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و غیره، از حقیقت دین و خدا غافل و از سیر کمالی خود منحرف و دور ساخت.^{۲۶} این دوری، عشق و ارتباط انسان به خدا و ادیان الهی را در قرون اخیر سست کرد و باعث شد که نهایتاً بشر در قرن نوزدهم، رسماً «مرگ خدا» را اعلان نماید و سپس در قرن بیستم، ناامید از «انسان گرایی» افراطی مغرورانه رو به رشد خود که از زمان «رنسانس» به بعد گسترش یافته بود، به «مرگ حقیقت انسانی خود» نیز گردن نهد.^{۲۷} دیگر نه خدایی بود و نه

انسانیتی! ولی دردهای بی درمان بشریت همچنان باقی ماند! درد غرور و خود خواهی و فرد پرستی و محرومیت از عشق را چه می شد کرد؟! این بود که به جای حقیقت خود، به لذت های مادی و شهوت پرستی روی آورد، و به جای خدای خود، شروع به پرستش مرام ها و بت های خود ساخته و خدایان دروغینی همچون، نژاد پرستی، ملیت پرستی، کمونیسم، فاشیسم، نازیسم، سرمایه داری یا سرمایه پرستی و امثال آن نمود^{۲۸} و قوانین منحنط و ناقص و مادی این بت ها را اجرا کرد. و خیم تر و بدتر این بود که به علل فوق، مقام والای «علم و فن و هنر» را نیز تا حد مرام ها و بت های مزبور پایین آورد و به جای استفاده از آن برای درمان دردهای بی پایان خود، سلاح های جدید و سایر اسباب زیان آور برای جسم و جان بشر اختراع کرد و نتایج انحرافات اخلاقی و معنوی و زیان های جنگ ها را نسبت به گذشته وحشتناک تر ساخت. حال آن که علم و هنر حقیقی که موهبتی خدایی و بزرگ ترین مایه افتخار بشر است با دین حقیقی مطابق و هماهنگ اند و باید در خدمت اعتلای بشر باشند.

اما طبیب و حکیم الهی عصر ما، در همان قرن نوزدهم، به بشر غافل از دین حقیقی چنین هشدار داد:

دین نوری است مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل عالم... اگر سراج دین مستور ماند، هرج و مرج راه‌آید، نیر عدل و انصاف و آفتاب امن و اطمینان از نور باز ماند... دین الله و مذهب الله محض اتحاد و اتفاق اهل عالم از سماء مشیت مالکِ قَدَم نازل گشته و ظاهر شده آن را علت اختلاف و نفاق مکنید.^{۲۹}

و حضرت عبدالبهاء نیز می فرمایند:

دین الهی روح عالم امکان است... دین سبب ظهور کمالات انسان است... اگر نفسی از فیوضات روح القُدس محروم شد، مَیت است و لو کمالات صوریه داشته باشد و دارای صنایع و علوم باشد.^{۳۰}

و نیز:

اول موهبت الهیه در عالم انسانی دین است.^{۳۱}

و نیز:

آیین الهی درمان هر دردی است، زیرا به مقتضای حقایق اشیاست. علمای قانون در این مسئله خیلی بحث کرده اند؛ مشاهیر آن ها گفته اند که قانون باید از روابط ضروری باشد و آن به مقتضای حقایق اشیاست. لکن مظاهر مقدسه الهیه فرمودند که تشریح چنین قانون از عهده بشر خارج است، زیرا عقل بشری احاطه به حقایق اشیا ندارد و محیط به مقتضیات روابط ضروری نیست؛ لهذا قانون الهی لازم است که محیط به حقایق و نافذ در اشیاست.^{۳۲}

و نیز:

فلاسفه گفتند مرتبی بشوند ولی در تاریخ نظر کنید قادر بر تربیت خود یا معدودی قلیل بودند، لکن تربیت عمومی را از عهده بر نیامدند؛ ولی قوه روح القدس تربیت می نماید... این به قوه فلاسفه نمی شود بلکه به قوه روح القدس می شود.^{۳۳}

و نیز:

فلاسفه یونان اکثری مانند سقراط و فیثاغورث به ارض مقدس شتافتند و از اسرائیل (انبیای بنی اسرائیل و یهودیان) تحصیل علوم و فنون نمودند.^{۳۴}

و نیز:

از جمله اساس مدنیت رحمانیه وحدت عالم انسانی است ... فضائل عالم انسانی است... تحسین اخلاق است ... صلح عمومی است و این اساس عظیم را یک قوه عظیم لازم تا ترویج یابد. این واضح است به واسطه قوای مادیه ترویج نشود؛ به واسطه قوه سیاسی تاسیس نگردد ... به واسطه قوه جنسی و وطنی نیز ترویج نشود ... ممکن نیست مگر به قوه روحانیه... جمیع انبیا به جهت این آمدند.^{۳۵}

و نیز:

الیوم جز قوه کلیه کلمه الله که محیط بر حقایق اشیاست، عقول و افکار و قلوب و ارواح عالم انسانی را در ظل شجره واحده جمع نتواند.^{۳۶}

و نیز:

انسان محتاج به مربی است؛ این مربی بی شک و شبهه باید در جمیع مراتب کامل و ممتاز از جمیع بشر باشد؛ چه که اگر مثل سائر بشر باشد مربی نمی شود؛ علی الخصوص که باید هم مربی جسمانی باشد و هم مربی انسانی و هم مربی روحانی... و این معلوم است که قوه بشریه از عهده چنین امر عظیم بر نیاید و به نتایج فکریه تکمّل چنین مواهب نتواند... این قوه باید قوه الهیه باشد تا از عهده این کار بر آید... مربی در عالم در نهایت لزوم است و آن تربیت باید به قوه قدسیه حاصل گردد و شبهه ای نیست که آن قوه قدسیه وحی است و به این قوه که مافوق قوه بشریه است تربیت خلق لازمست.^{۳۷}

و نیز:

شریعت، روابط ضروریه ای است که مُبَعَث از حقیقت کائنات است و مظاهر کلیه الهیه چون مُطَّلِع به اسرار کائنات اند لهذا واقف به آن روابط ضروریه، و آن را شریعة الله قرار دهند.^{۳۸}

حضرت بهاء الله با آن که خدمات انسانی و اخلاقی و معنوی بسیاری از علما و روحانیون را در طول تاریخ بشر ستایش می فرماید،^{۳۹} اما مُسَبَّب اصلی غفلت از دین و در نتیجه بروز فساد و بحران های وحشتناک امروز- و البته دیروز بشر- را بعضی مؤسسات مذهبی و برخی عالمان خود خواه دینی می دانند که «به ظاهر آراسته و به باطن کاسته اند»^{۴۰} و برای خود خواهی و امیال و ریاست طلبی خود، به انبیاء الهی خیانت کرده، به جای روح حقیقی دین، خرواری از کج فهمی و خرافات و تعصبات و پیش داوری ها و تقلید کهنه و پوسیده و ظواهری مسخ شده را به مُقَلِّدین چشم و گوش بسته خود تحویل می دهند و به خصوص هنگامی که موعود دینشان که سال ها منتظر او بوده اند، می آید و

ظاهر می شود، او را نمی پذیرند و زجر می دهند و به زندان می افکنند و بعضی را نیز به شهادت می رسانند.^{۴۱}

چنان که همین گروه از علمای فاسد مذهبی بودند که از همان آغاز ظهور دو آیین جدید بابی و بهائی، که سال ها برای ظهورش تعجیل می کردند، به جای روی آوردن و ایمان به آن، کفران نعمت کرده، با آن مخالفت کردند و مُقَلِّدین را فریب دادند و پادشاهان و امیران و سیاستمداران را با خود هم دست کردند و خود و بیشتر دولتمردان و مردم را از شناسایی حقانیت آن باز داشتند و هنوز نیز به این خیانت خود ادامه می دهند.^{۴۲} به این جهت حضرت بهاء الله فرمودند: «عزت از دو طایفه اخذ شد، از مُلُوك و علما»^{۴۳} و چون از طرفی این علما و امرای ظالم از بستر ملت ها و مردم بر می خیزند،^{۴۴} و چون از طرفی دیگر نیز از قبل گفته اند: «الْأَسُّ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ» (مردم بر دین ملوک خود هستند)، حضرت بهاء الله دربارهٔ مسئولیت اکثر مردم که به تقلید از آن ها با دو ظهور جدید مخالفت کردند، چنین فرمودند:

اول علمای عصر بر اعراض و اعتراض قیام نمودند؛ اگر چه اعراض امثال این نفوس بر حسب ظاهر سبب اعراض خلق شد، ولیکن در باطن، خلق سبب اعراض این نفوس شده اند. مشاهده کن که اگر ناس خود را مُعَلَّق به ردّ و قبول علما و مشایخ نجف و دونه نمی ساختند و مؤمن بالله می شدند، مجال اعراض از برای این علما نمی ماند، چون خود را بی مرید و تنها ملاحظه می نمودند.^{۴۵}

چه خوش گفته مولانا که:

خلق را تقلید شان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

حضرت بهاء الله نتیجهٔ این کفران نعمت از طرف علما و امرا و مردم را چنین تصویر می فرماید:

عالم از برای عرفان مالکِ قِدَمِ خلق شده و لکن اهلش حجت الهی را انکار کردند و بر کفران نعمت قیام نمودند. عنقریب آثار غضب اسم قهار، زمین را اخذ نماید و مقتدرین را به سقر (جهنم) فرستد.^{۴۶}

و نیز:

چون به نعمت معنویه اقبال نمودند از نعماء ظاهره هم ممنوع گشتند.^{۴۷}

و نیز:

غفلت عباد و اعمال باطله ایشان به صُورِ بلا یای مختلفه ظاهر شده و ارض را احاطه کرده. نظر بِمَا قُدِّرَ مِنَ الْقَلَمِ الْأَعْلَى این جهان را نار حُروب (آتش جنگ ها) و دخان بلا یا اخذ نموده.^{۴۸}

و نیز:

عنقریب صاحبان درایت و عقول مشاهده می نمایند که مَفَرَى نیست مگر به عمل به آن چه در کتاب الهی نازل شده... هر یوم شدت و بلا زیاد شود تا آن که بالاخره به آن چه از لسان عظمت (حضرت بهاء الله) در مراتب صلح نازل شده به آن مُتَمَسِّک شوند و به آن عمل نمایند.^{۴۹}

و حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

عبدالبهاء در کنائس و محافل اروپ و امریک در اکثر مُدُن نعره زنان اعلان امر حضرت بهاء الله نمود... با وجود این هنوز ناس در خواب غفلت گرفتار؛ متمسک به مجاز و از حقیقت بیزار؛ هنوز ناس در شهوات نفسانیه مُنْهَبِک، به درجه ای که صُور اسرافیل بیدار ننماید. البته این غفلت و کفران نعمت و عدم انتباه، سبب حسرت و مشقت و جنگ و جدال و حصول خسران و وبال است، و اگر اهل عالم توجه به اسم اعظم (حضرت بهاء الله) ننمایند خطر عظیم در استقبال.^{۵۰}

و نیز در بیانی شفاهی چنین شرح می دهند:

جميع اينها، زواج(عوامل باز دارنده) است، از جانب خداست تا سبب تذکر و تنبّه ناس شود ولی این مردم مانند اطفال می مانند که در گهواره باشند. هر چند تکان می دهی بیشتر خوابشان می برد. در شرق و غرب، امور جميع ناس پریشان شده؛ تا ببینیم خدا چه مقدر فرموده؛ دعا کنید در حق خلق که يك اسباب آسایشی فراهم آید، خیلی در سختی هستند؛ از جميع جهات در پریشانی و سختی هستند؛ بلکه ان شاء الله این ها متنبه شوند، متذکر گردند، از غفلت رهایی یابند، از ظلم و بیداد گری بگذرند، با همدیگر به عدل و انصاف رفتار کنند. امید ما بر این است از شر نفس وهوی نجات یابند؛ نفس وهوی حاکم بر این ها نشود، توجهی به خدا پیدا کنند، قلوب يك قدری نورانی شود، افکار به يك اندازه اتّسع یابد، از عالم الهی خبر گیرند، حرص و طمع نماند، توکل به خدا کنند و به حقوق خودشان راضی باشند، تعدی نکنند. آن چه سبب این بلايا و رزایا شده ان شاء الله بلکه زائل شود. زیرا این بلايا که امروز وارد و این مشکلات که امروز حاصل، مردم سزاوار آن هستند. باید راحت و امان نماند، باید پریشانی و بی سرو سامانی حاصل شود، مردم مضطرب گردند، استحقاق ناس این است. خداوند وقتی که از هر جهت الطاف و عنایات بی پایان می نماید و در این ها اثری پیدا نمی شود بلکه غفلتشان بیشتر می شود، آن وقت بلايا را بر این ها مسلط می کند که شاید متنبه شوند. این دیگر آخر الدواء است. می گویند علاج آخر، داغ کردن است، بعد از این دوايي نمی ماند، زیرا هر چه رحمت الهی بیشتر، غفلت آن ها بیشتر، هر چه در کشف حمایت الهی محفوظ تر، انکار و استکبارشان بیشتر. باری شماها در حق این خلق دعا کنید بلکه متنبه شوند، متذکر شوند و توجه به خدا نمایند و از شر نفس و طبیعت رهایی یابند.^۱

این تند باد فزاینده عذاب حاصل از ردّ و انکار دوايين جدید الهی در قرون ۱۹، ۲۰ و ۲۱، چندین دهه است که آغاز شده و در ده سال اخير به مراحل اوج شدت خود وارد شده است.^۲ اما آیا تنبّه حاصل شده است؟ اگر چه با سرخوردگی مردم از بعضی

نظام‌ها و بت‌های دروغین که قبلاً ذکر شد و سقوط آن‌ها در دهه‌های آخر قرن بیستم، قدم‌هایی برای رهایی از آن‌ها برداشته شد، اما متاسفانه پرستش بت‌های دروغین دیگری چون «ماده پرستی و سرمایه داری» تعصب آمیز «تمدن غربی» که ریشه در «فرد پرستی و خود خواهی» و «نسبیت گرایی اخلاقی» و «تنازع بقا»، به جای «تعاون بقا» دارد، و نیز پرستش پس مانده‌های بت‌هایی چون «ملیت و نژاد» و امثال آن هنوز ادامه دارد و مردم به اشتباه از آن‌ها امید و انتظار معجزه دارند!^۳

در این میان نیز بعضی از تشکیلات مذهبی و علمای آن‌ها که خود به انحطاط و فساد و خیانت اخلاقی دچارند، فقط به این قانع بوده‌اند که برای بت‌های غیر دینی مزبور جواز شرعی صادر کنند^۴ و یا از روی درماندگی ولی با رُستِ روشنفکری با بت‌های مزبور سازش کنند و بکوشند عقاید مذهبی خود را با نظریه‌های معیوب و ناقص آن‌ها هماهنگ سازند! و بعضی دیگر از این تشکیلات مذهبی نیز به جای آن‌که احیای روح دین حقیقی را در توجه و تحقیق و ایمان به آیین جدید الهی در این عصر بجویند، به تشدید «سنت گرایی» و «بنیاد گرایی» همراه با تعصبات و جهل و خرافات و تقلید پوسیده پرداختند، و ای کاش به این بسنده می‌کردند، حال آن‌که همچون بعضی گروه‌های تندروی سیاسی، و مشابه با کشتارهای فجیع مذهبی که در طول تاریخ و در قرون وسطی و پس از آن و نیز در این یک قرن و نیم دور بهائی به دست هم‌تایانشان صورت گرفت، مجدداً به خشونت و ترور و کشتار روی آوردند، و لذا نه تنها متنبه نشدند و به حل مشکلات بشر کمک نکردند، بلکه آتش خانمان سوزترین نوع تعصبات را که تعصب مذهبی است در میان مُقلدین خود شعله‌ور ساختند.

در این عرصه حتی اقدامات و تلاش‌های صادقانهٔ روشنفکران و اندیشمندان جهان و سازمان‌های سیاسی و غیر آن، همچون سازمان ملل و سازمان‌های غیر دولتی (NGO) نیز در جهت ایجاد تحمل و بردباری و صلح و نزدیکی ملت‌ها و دولت‌ها و جنبه‌های مثبت روند جهانی شدن و هشیاری نسبت به جهان وطنی و اجرای مفاد بیانیه حقوق بشر و منع خشونت و ترور و امثال آن، در دو دههٔ اخیر قرن بیستم، بحران و عذاب مزبور را متوقف نساخت؛ به طوری که حتی دستاوردهای سه کنفرانس بزرگ سران سیاسی و رؤسای ادیان و سازمان‌های غیردولتی (NGO) در نیویورک در سال ۲۰۰۰ و کنفرانس‌های

دیگری در دهه ماقبل آن، در سایه بحران و عذاب موجود کم رنگ و ضعیف می نماید. چنانکه حضرت شوقی ربانی، ولی امریهائی پیش بینی فرموده بودند حتی چنین اقداماتی نیز قادر نیست: «ریشه فساد را که موازنه جامعه کنونی را گستاخانه برهم زده،» از بین ببرد، و نیز می فرمایند: «حتی نفس تشکیل سازمانی برای ایجاد اتحاد سیاسی و اقتصادی جهان... به خودی خود عاجز از این است که نوشداروی سم مهلکی گردد که حیات اجتماعی مردم و نظم ملل را تهدید می کند.»^{۵۵}

نتیجه آن که تنها چاره نجات از بحران و عذاب، قبول اصل و حقیقت استمرار و تجدید ادیان به طور کلی و توجه خاص به آیین جدید الهی در این دور و عمل به موجب تعالیم آن است. در واقع این آیین در بیش از یک قرن و نیم پیش برای همین از جانب آفریدگار مهربان آورده شد تا بهار و تابستان اسلام عزیز را که در دست علما و امرای فاسد و به دلیل تقلید چشم بسته و غفلت مردم^{۵۶} در سده های آخر «دور» آن، خزان و زمستان شده بود، تجدید فرماید و نه تنها حقیقت «اسلام»، بلکه حقیقت و اساس همه ادیان آسمانی کور آدم را که در زیر کوه یخ رسوم و سنن و تقالید پوسیده و جهل و خرافات و ظواهر و اوهام و ظنون ۶۰۰۰ ساله مدفون شده بود، در دو آیین جدید ربانی بابی و بهائی زنده و آشکار کند.^{۵۷}

حضرت عبدالبهاء میفرماید:

عالم از غبار تقالید کهنه و طرق پوسیده تیره گردیده... اساس تعالیم الهی از خاطر رفته و ناس از اصل غافل شده و به پوسته تمسک نموده اند.^{۵۸}

همین تقالید کهنه و پوسیده و دروغین بوده است که همیشه مانع قبول دینی جدید گشته و در این دور جدید نیز به همان گونه عمل شده است. به همین دلیل، حضرت بهاء الله در پیش شرطی بس مهم، اول قدم برای شناسایی آیین جدید و شاه کلید درک صدق و حقانیت آن را چنین توضیح می دهند:

تا بر کذب قبل آگاهی نیابی بر صدق این یوم بدیع گواهی ندهی. باید ناس غافل را آگاه نمود تا مطالع ظنون و اوهام را از قبل و بعد بشناسند و به صراط

مستقیم و جبل محکم متین، تمسک و تشبث جویند. امر بسیار عظیم است و ناس ضعیف.^{۵۹}

از جمله تیره ترین «غبار» های اوهام و تقالید کهنه مزبور که مانعی بزرگ برای درک لزوم تجدید و استمرار ادیان در طول تاریخ بوده است، سطحی نگری و صرفاً ظاهری و مادی و جسمانی انگاشتن حقایق مطروحه در کتب آسمانی است. بیماری مزمن دعاوی خاتمیت و انحصار حقانیت و کامل ترین و بهترین انگاشتن يك دین توسط علما و پیروان آن، از جمله پیامد های چنین سطحی نگری و تقالید است. بر اثر این گمان، علمای یهودی، علمای مسیحی و علمای مسلمان و غیره هر کدام به نوعی با بی توجهی به معنی حقیقی و باطنی کتب مقدسه خود، مدعی خاتمیت و اکملیت دین خود و باطل و کاذب بودن ادیان بعد از خود هستند.^{۶۰} حال آن که چنان که قبلاً هم ذکر شد:

تا خدا بوده است، بوده عباد تا عباد است لازم است ارشاد^{۶۱}

تا انسان بوده و هست، ادیان الهی نیز ظاهر شده و خواهند شد. با این توضیحات روشن شد که کورشش هزارساله آدم که دوران نبوت و مژده رسانی ظهور موعود در «آخرالزمان» بود، با آخرین مژده دهنده آن، یعنی حضرت محمد ص،^{۶۲} منطقیاً و عملاً پایان یافت و با ظهور دو آیین بابی و بهائی، کور تحقق و وقوع آن نبوت و بشارات آغاز گردید.^{۶۳}

دعوی خاتمیت و انحصار حقانیت در ادیان قبل، باعث شده است که پیروان هر یک از ادیان مذکور، حتی مدعیان انتظار موعود، هنگام ظهور او، وی را کاذب و مستوجب زجر و بلا و تبعید و حبس و قتل بدانند. چنان که فی المثل علمای یهودی و مقلدینشان با حضرت مسیح موعودشان چنین کردند، و علمای مسیحی و مقلدینشان اتفاق یهودیان با حضرت محمد(ص) همین کار را کردند، و علمای مسلمان و مقلدینشان به اتفاق یهودیان و مسیحیان، با حضرت باب و حضرت بهاء الله دو موعود آخرالزمان چنین رفتاری کردند و شگفت آن که علل هر سه دسته برای رد موعود دینشان مشابه بوده است. از جمله دلایل ایشان این بوده است که موعود نباید دین و احکام جدیدی بیاورد و باید همان احکام قبلی را تکرار و تحکیم کند. حال آن که اگر چنین باشد چه لزومی به

ظهور موعود باقی می ماند! و دلیل دیگرشان این بوده است که بشارات و شرایط مذکور در کتب آسمانی‌شان در هنگام ظهور موعود به ظاهر ظاهر واقع نشده است و مثلاً مسیح سوار بر ابر از آسمان نیامد و مرده‌ها از قبر بر نخاستند و کوه‌ها متلاشی نشدند و آسمان شکافته نشد، گرگ و میش از یک چشمه آب نخوردند و شهرها به هم نزدیک نشدند و موعود هنگام ظهور خود غلبه و قدرت و سلطنت ظاهر نداشت، بلکه اسیر و زندانی بود و بعضاً هم کشته شد! حال آن که بشارات و اشارات مزبور که تماماً رمزگونه و دارای کنایه و استعاره و تمثیل و تویل است، دارای معانی و مفاهیم باطنی و معنوی نیز هست که بر عکس معنی ظاهری آن، کاملاً معقول و شدنی است و تماماً هنگام ظهور همه انبیاء کور آدم و نیز هنگام ظهور ادیان بابی و بهائی، محقق و واقع شده است.^{۶۴}

از نکات بسیار مهم درباره حقایق فوق آن که طبق بشارات همه کتاب‌های آسمانی کور آدم، یکی از علائم ظهور موعود همه آن‌ها، یعنی دو ظهور بابی و بهائی، نیز همین بوده است که معانی حقیقی و باطنی بشارات و آیات رمزگونه و به اصطلاح «آیات متشابهات» آن کتب را موعود آخرالزمان آشکار خواهد نمود.^{۶۵} اینک مژده باد اهل زمین و هم وطنان عزیز و نازنین را که بیش از یک قرن ونیم است که آن موعود ظاهر شده و در ده‌ها جلد آثار و حیانی‌ش، آن رمزها و اسرار را گشوده است، و به این واسطه نه تنها زندگی و عظمت دوباره به ادیان آسمانی آن‌ها بخشیده است، بلکه با آشکار ساختن آن اسرار، سوء تفاهم و اختلاف و تضاد دروغین بین دین و علم را نیز بر طرف نموده است، و به همین منظور یکی از تعالیم اساسی دین بهائی را «تطابق علم و دین» مقرر فرموده است. چنان که حضرت عبدالبهاء می فرماید:

دین و علم دو دایره است که به مرکز واحد سیر می کنند؛ آن مرکز، حقیقت است.^{۶۶}

و به این وسیله نفوسی را که به خاطر ظاهری انگاشتن معانی عمیق کتب آسمانی، از دین، زده شده اند، به حقیقت والای دین آگاه و متمسک می نماید. از جمله رمزها و متشابهات کتب مقدسه قبل که برای اولین بار معانی حقیقی‌شان از منبع و حیانی و الهام ربانی در دو آئین بابی و بهائی روشن شده است و بینش کاملاً

مُشْعَشَع و بدیعی را نسبت به حقایق کتب آسمانی قبل ایجاد می کند و به این واسطه ارواح و افکار و دلها را شیفته ی خدای یکتا می سازد و اعمال و اخلاق بشر را رحمانی می نماید و موجب اتحاد و وحدت پیروان ادیان می گردد، عبارتند از مفاهیمی چون: قیامت، آسمان، زمین، ماه، ستارگان، شب، روز، آخرالزمان، ساعت، بهشت، جهنم، شیر، عسل، شراب، آب، نان، آتش، بعث، غیبت، حشر، نشر، رجعت، برزخ، معاد، روح، قبر، دنیای بعد، خلقت آدم و حوا، خلقت آسمان و زمین در شش روز، اسم اعظم، ملائکه، جن، شیطان، حساب و کتاب و مجازات و مکافات، زنده شدن مرده ها، دجال، سُفیان، شفای نابینا و ناشنوا و گنگ، زنده کردن مردگان، ید بیضای موسی و مار و آتش، خاتمیت حضرت محمد(ص)، ابدی بودن شریعت حضرت موسی(ص)، از بین رفتن انجیل جلیل و کلام حضرت مسیح(ص)، دو نیمه شدن ماه، برخاستن حضرت مسیح از قبر بعد از سه روز، مفهوم وحی و الهام و جبرئیل و روح القدس و تشبیه آن به کبوتر، عمرهای طولانی همچون نوح، لقاءالله و دیدار خدا، نشستن خدا بر عرش، عالم ذر، نزول مدینه الله و اورشلیم جدید، ملکوت خدا، تین و زیتون، شهرهای جابلقا و جابلسا، خضر، رفتن حضرت یونس در شکم ماهی، قصه اصحاب کهف، هدهد سلیمان، عوالم ملک و ملکوت و جبروت و لاهوت و امثال آن، معنی مدت زمان قیامت که هم به يك چشم به هم زدن تعبیر شده و هم به پانصد هزار سال،... و بسیاری اسرار و رموز و متشابهات دیگر که معانی و مفاهیمی باطنی و حکیمانه دارند.⁶⁷

با توضیحات فوق، علما و پیروان ادیان کور آدم، در سراسر عالم بهتر و بیشتر از حقیقت آیین جدید بهائی آگاه خواهند شد، و آنانی نیز که در چنگ اوهام و اکاذیب خدایان و بت های دروغین، سرگردان و پریشان و ناامیدند، دوباره با خدا و دین او آشتی خواهند کرد، و هر دو گروه درمی یابند که اولاً دین حقیقی خدا عبارت از اوهام و خرافات و تقلیدی نیست که بعضی علمای خود خواه و فاسد مذهبی آن را ساخته اند و به این واسطه احترام و عزت آن را نزد اندیشمندان و عرفا و روشنفکران و امرای سیاسی جهان از بین برده اند؛ بلکه آموزه های جانبخشی است که مریبان آسمانی برای تربیت و رشد کامل جامعه بشری ارائه فرموده اند؛ و ثانیاً درمی یابند که زندگی بشر و استمرار ظهور ادیان جدید در پی ادیان قدیم، پایان نیافته، بلکه فقط دوران کودکی بشر در کور آدم تمام

شده، و اینک در حال عبور از بحران‌ها و سرکشی‌ها و غرور دوران جوانی خود است تا پس از ذوب شدن در کورهٔ بلایا و سختی‌ها و انقلابات این دوران، تطهیر و آماده گردد و در کور جدید پانصد هزار ساله بر اثر استمرار و ادامه و تجدید ادیان الهی به دوران بلوغ خود رسد و راه کمال همه جانبه نامحدود خود را^{۶۸} در پیش گیرد و به آن ادامه دهد. در چنین تصویری، چنان که از پیش ذکر شد، اگر چه چندین دهه است که زندگی بشر امروز در غبار آن غرور و فراموش کردن رب غفور تیره و تار شده و در دههٔ اخیر به «تاریک‌ترین» لحظات خود وارد گشته و آیندهٔ نزدیکش همچنان تیره و تار به نظر می‌رسد، ولی آیندهٔ دورش دارای جلوه و شکوهی است که حال قابل تصور نیست.^{۶۹}

حضرت عبدالبهاء دربارهٔ لزوم دین حقیقی و فرق آن با تقلیدی که مخالف حقیقت ادیان است، از جمله چنین می‌فرماید:

اعظم روابط و وسیله به جهت اتحاد بین بشر قوهٔ روحانیه است؛ چون که محدود به حدودی نیست. دین است که سبب اتحاد عالم می‌شود... لکن مقصد از دین نه این تقلیدی است که در دست ناس است. این‌ها عداوت است، سبب نفرت است، سبب جنگ و جدال است... مقصد از دین، انوار شمس حقیقت است و اساس ادیان الهی یکی است، یک حقیقت است، یک روح است، یک نور است، تعدد ندارد.^{۷۰}

و نیز:

دین الله فی الحقیقه عبارت از اعمال است، عبارت از الفاظ نیست... علاج است.^{۷۱}

و نیز:

مقصد از دین روابط ضروریهٔ وحدت عالم انسانی است و این اساس دین الهی... هزار افسوس که این اساس متین، متروک و محجوبِ جمیع ادیان، ولی تقلیدی ایجاد کرده اند که هیچ ربطی به اساس دین الهی ندارد و چون این تقلید مختلف است، از اختلاف، جدال حاصل و جدال منتهی به قتال گردد...

دین که سبب حیات ابدی است سبب ممات گشته... پس باید این تقالید کهنه پوسیده را که معمولاً به ادیان است به تمامها ریخت و تحری اساس ادیان الهی کرد و چون اساس ادیان الهی یکی است حقیقت است و حقیقت تعدد و تجزی قبول ننماید، لهذا الفت و اتحاد تام بین جمیع ادیان حاصل شود، دین الهی در نهایت کمال و جمال در انجمن عالم انسانی جلوه نماید.^{۷۲}

و نیز:

چون نظر به تاریخ کنیم ملاحظه می نمایم که از اول عالم الی یومنا هذا بین بشر جنگ و جدال بوده؛^{۷۳} یا جنگ بین ادیان بوده یا حرب بین اجناس بوده یا نزاع و جدال بین دُول بوده یا بین دو اقلیم و جمیع این ها از جهل بین بشر ناشی و از سوء تفاهم و عدم تربیت منبعث و از اعظم نزاع و قتال بین ادیان بوده و حال آن که انبیای الهی به جهت اتحاد و الفت بین بشر آمدند؛ زیرا آنان شبان الهی بودند نه گرگان... ادیان الهی سبب الفت و محبت بود. دین الله سبب نزاع و جدال نیست. اگر دین سبب جدال گردد عدم آن بهتر است... این نزاع ها منبعث از تقالیدی است که بعد پیدا شد... اگر چنان چه جمیع ادیان عالم ترك تقالید کنند و اصل اساس دین را اتباع، جمیع متفق شوند.^{۷۴}

و نیز:

سبب اختلاف و نزاع و جدال آن ها علمای ملت بوده اند.^{۷۵}

و نیز:

امروز اعظم علاج عاجل و تریاق فاروقی که حکیم الهی تجویز فرموده وحدت عالم انسانی و صلح عمومی است و توضیح و تبیین اصول ادیان الهیه و دفع تقالید و رسوماتی که منافی علم و عقل است... لهذا حضرت بهاء الله فرمودند هر مسئله ای که مخالف علم و عقل صحیح است و منافی اساس اصلی ادیان الهی، آن مانع ترقی است و سبب اجتناب و دوری نفوس از آئین یزدانی.^{۷۶}

حضرت بهاء الله درباره لزوم تجدید و استمرار ادیان می فرمایند:

رگ جهان در دست پزشك داناست؛ درد را می بیند و به دانایی درمان می کند. هر روز را رازی است و هر سر را آوازی. درد امروز را درمانی و فردا را درمان دیگر. امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید. دیده می شود گیتی را دردهای بیکران فرا گرفته و او را بر بستر ناکامی انداخته. مردمانی که از باده خود بینی سرمست شده اند پزشك دانا را از او باز داشته اند؛ این است که خود و همه را گرفتار نموده اند. نه درد می دانند، نه درمان می شناسند؛ راست را کژ انگاشته اند و دوست را دشمن شمرده اند. بشنوید آواز این زندانی (حضرت بهاء الله) را؛ بایستید و بگویید. شاید آنان که خوابند بیدار شوند.^{۷۷}

و حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

شریعت الله بر دو قسم منقسم: يك قسم اصل اساس است؛ روحانیت است ... ابداً منسوخ نمی شود... این فضائل عالم انسانی در هر دوری از ادوار تجدید گردد؛ زیرا در اواخر هر دوره شریعت الله روحانیه یعنی فضائل انسانی از میان می رود و صورتش باقی می ماند... [بنابراین] در دوره هر پیغمبری تجدید می گردد... قسم ثانی از شریعت الله که تعلق به عالم جسمانی دارد مثل صوم و صلوات و عبادت و نکاح و عتاق و محاکمات و معاملات و مجازات و قصاص بر قتل و ضرب و سرقت و جروحات،... در هر دوری از ادوار انبیاء، تبدیل و تغییر یابد و منسوخ گردد؛ زیرا در سیاسات و معاملات و مجازات و سائر احکام، به اقتضای زمان، لابد از تغییر و تبدیل است.^{۷۸}

و نیز:

دین الهی یکی است ولی تجدد لازم... درختی را چون بنشانی... بعد از مدت مدید کهن گردد؛ از ثمر باز ماند؛ لهذا باغبان حقیقت، دانه همان شجر را گرفته در زمین پاک می کارد، دوباره شجر اول ظاهر می شود. دقت نمائید در عالم وجود هر چیز را تجدد لازم. نظر به عالم جسمانی نمایید که حال چنان

تجدد یافته، مشروعات و اکتشافات تجدّد یافته، ادراکات تجدّد یافته؛ پس چگونه می شود که امر عظیم دین که کافل ترقیات فوق العاده عالم انسانی است و سبب حیات ابدی و مُرُوج فضائل نامتناهی و نورانیت دوج جهانی بی تجدّد ماند؟ این مخالف فضل و موهبت حضرت یزدانی است.^{۷۹}

و نیز:

حیات اجتماعی عالم انسان نیز مراحل و مراتبی دارد، در وقتی در مرحله ی طفولیت بوده و در وقت دیگر در عنفوان شباب. اما حال به مرحله بلوغ موعود رسیده؛ آثارش از جمیع جهات نمودار است... آن چه در مراحل بدوی و محدود گذشته بشر، نیازمندی های نوع انسانی را بر طرف می ساخت از عهده حوائج دوره تجدّد و بلوغ بر نیاید؛ زیرا انسان دیگر از آن مراحل بدوی محدود گذشته است و باید امروز به فضائل و قوایی جدید فائز گردد و قوانینی جدید و استعدادی جدید یابد.^{۸۰}

و حضرت شوقی ربانی می فرمایند:

ظهورات الهیه استمرار داشته و ربه ترقی، و تمام ادیان عظیمه دنیا اساس و پایه ملکوتی دارد و تعالیم اساسی آن ها کاملاً هم آهنگ و متوافق است و نوایا و مقاصد آن ها متحد و یکسان بوده، اوامر و احکام آن ها وجوه مختلفه يك حقیقت بیش نیست و اعمال آن ها مُکمل یکدیگر است و بالجمله ادیان تنها از جهت احکام فرعی تفاوت دارند و به طور کلی در رسالت های خود به منزله مراحل متتابعه تکامل روحانی جامعه انسانی به شمار می آیند.^{۸۱}

تاریخچه مختصر دیانت بابی و بهائی

همانطور که در قسمت قبل اشاره شد همه ادیان «کور آدم» به دورانی بشارت و مژده دادند که «آخر الزمان» کور مزبور و آغاز کور تحقق و وقوع آن بشارت، محسوب است. فرستادگان خدا و پیروان آن ها در ادوار حضرت آدم، نوح، هود، صالح، ابراهیم، موسی، زرتشت، بودا، مسیح، محمد، با فداکاری و تحمل انواع بلا و حبس و تبعید و شکنجه و شهادت، جامعه بشری نوپا را تربیت کردند تا تعاون و اتحاد مادی و انسانی و معنوی خانوادگی و قبیله ای و شهری و وطنی را یکی بعد از دیگری تجربه نماید و تحقق بخشد و برای ورود به مرحله بلوغ خود که اتحاد جهانی است آماده شود. اما نابالغی و جهل و خودخواهی و غلبه جنبه مادی و طبیعی و شهوانی بشر، و در نتیجه بی توجهی رهبران نادان و مستبد مذهبی و سیاسی آن دوران به اصل و حقیقت ادیان و توجه افراطیشان به ظواهر و فروع آن، تعاون بقا و مراتب اتحاد مزبور را تبدیل به تنازع بقا و اختلاف و تعصبات خانوادگی و قبیله ای و نژادی و وطنی و مذهبی بی نمود که هنوز بشریت در آتش ۶۰۰۰ ساله آن می سوزد.^{۸۲} چنان چه حضرت بهاء الله می فرماید:

عالم را به مثابه هیكل انسانی ملاحظه کن و این هیكل بنفسه صحیح و کامل خلق شده و لکن به اسباب متغایره مریض گشته و لازال مرض او رفع نشده؛ چه که به دست اطباء غیر حاذقه افتاده و اگر در عصری از اعصار عضوی از اعضای او به واسطه طبیعی حاذق صحت یافت، عضوهای دیگرش به امراض مختلفه مبتلا بوده و حال در دست نفوسی افتاده که از خمر غرور تربیت یافته اند و اگر هم بعضی از این نفوس فی الجمله در صحت آن سعی نمایند مقصود نفعی است اسماً و یا رسماً به ایشان راجع شود.^{۸۳}

با چنین زمینه ای بود که طبق مژده ها و بشارت کتب مقدسه،^{۸۴} در اواسط قرن ۱۹ میلادی، دو آیین پی در پی بابی و بهائی از جانب خداوند یکتا آشکار شدند تا هیكل بیمار و رنجور بشر را سلامت بخشند و آتش شش هزار ساله تعصبات و اختلافات و جنگ

ها را خاموش کنند و بشریت را به بلوغ و اتحاد و تعاون بقا رسانند.^{۸۵} پی در پی بودن دوآیین مزبور و فاصله کوتاه ۹ ساله بین آن دو، خود حاکی از حساسیت و اهمیت زمان ظهور و عظمت مقام و اهداف آن دو است.^{۸۶} همانطور که قبلاً ذکر شد دو ظهور مزبور، آخرالزمان کورشش هزار ساله آدم و حلقه اتصال و نقطه عطف انتقال جامعه بشری از آن کور به این کور هستند، و به همین جهت است که زمان آغاز ظهور آن دو، یعنی سال ۱۸۴۴ میلادی (۱۲۶۰ ه. ق) در همه کتب آسمانی قبل ذکر شده است،^{۸۷} و تمام ادیان مزبور با اسامی و اصطلاحات خاص دوره خودشان، به دو ظهور موعود آخرالزمان بشارت داده اند. این دو ظهور به اصطلاح زرتشتیان، «هوشیدر» و «سیوشانس» یا ظهور «شاه بهرام»، در نزد یهودیان، «ایلیا» و «رب الجنود»، در نزد مسیحیان «رجعت یحیی» و حضرت «مسیح» (روح الله)، و نزد مسلمانان سنی، آمدن «مهدی» و «نزول عیسی» و نزد شیعیان «قائم» و «رجعت حسینی» یا «نزول مسیح»،^{۸۸} که هر یک از دو دسته عناوین و اسامی فوق برای تسمیه حقیقت واحد هر یک از دو ظهور مزبور ذکر گردیده؛ چنان که در همه کتب آسمانی، شرایط و اهداف یکسان برای دو ظهور مزبور بیان شده و از همین می توان پی برد که منظور از اسامی مختلف هوشیدر و ایلیا و یحیی و مهدی و قائم، حقیقت حضرت باب، و منظور از سیوشانس و شاه بهرام و رب الجنود و مسیح و حسین، حقیقت حضرت بهاء الله می باشد.^{۸۹} پی در پی بودن دو ظهور بایی و بهائی و نقش هر یک در قرآن مجید نیز مذکور است. در سوره زمر آیات ۶۸ تا ۷۵ روند آشکار شدن دو ظهور مزبور را می فرماید و سپس توضیح می دهد که چگونه حساب امت های انبیاء کور آدم رسیدگی می شود و مؤمن از کافر مشخص می گردد و مکافات و جزا می بینند. دو آیه اول آن چنین است: «وَأُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَصَعَقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ. وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...» با توجه به معنی قیامت که در یادداشت شماره ۶۲ آمده و حضرت صادق صریحاً آن را تاویل به ظهور قائم فرموده اند، مفهوم حقیقی آیه مبارکه فوق چنین است که در مرتبه اول (قیامت صغری و ظهور قائم) فرستاده الهی در صورتی دمد [اشاره به ظهور اول که ظهور قائم موعود (حضرت باب) است] و همه به علت این که قائم موعود بت های ذهنی و تقلید و اوهام هزاران ساله آن هارا می شکند، بیهوش می شوند؛ جز بعضی

مؤمنین حقیقی و عامل به تعالیم الهی که ظهور موعود را با اطمینان می پذیرند و سپس برای بار دوم (قیامت کبری) در صور دمیده می شود (اشاره به ظهور حضرت بهاءالله) و دست لطف الهی همه را برپا می دارد تا تعالیم ظهور جدید را بر ایشان عرضه دارد. نتیجه این دو نفعه، روشن شدن زمین و قلوب ساکنان آن به نور تعالیم جدید خداست. آنان که در ادیان قبلی خود مقبول درگاه خدا بوده اند^{۹۰} به این دو ظهور جدید مؤمن می شوند و آنان که مردود بوده اند،^{۹۱} کافر می گردند و هر دو گروه به حسابشان رسیدگی می شود. در سوره نازعات آیات ۶ و ۷ نیز به دو ظهور پی در پی مزبور اشاره می فرماید که: «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِرِ فَتَتَّبَعُهُمُ الرَّادِفَةُ» (روزی که بلرزد زمین لرزیدنی (صراول)، از پی در آید آن را از پی آینده (صور دوم)).^{۹۲} به این جهات، اگر چه دو ظهور مزبور از یک دیدگاه جدا و مستقل از هم هستند، ولی از جهتی نیز به خاطر اهداف اصلی مشترکشان یکی محسوب می شوند.

اولین نفس مقدس از دو موعود کل ادیان و اسلام، سید علی محمد از خاندان پاک سادات محمدی و حسینی بودند که در اول محرم ۱۲۳۵ ه. ق (۱۸۲۰) در شهر شیراز متولد شدند. در ۲۵ سالگی در سال ۱۲۶۰ ه. ق (۱۸۴۴ م)^{۹۳} در همان شهر، ادعا و اظهار امر تدریجی و مرحله ای خود را آغاز فرمودند. در مرحله اول ادعای بابیت فرمودند. سپس در همان اوایل در مکه و بعد ها در مجلس علما در حضور ناصرالدین میرزا، ولیعهد محمد شاه قاجار در تبریز علناً قائمیت خود را اعلان فرمودند و در کتاب بیان فارسی که در دوران حبس در قلعه ماکو نازل شد آشکارا رسالت و مظهریت دین و تعالیم مستقل خود را فاش ساختند و معلوم نمودند که در باطن منظورشان از بابیت مزبور، بابیت قائم موعود نبوده، بلکه بابیت و مقدمه ظهور بعدشان بوده که دومین موعود همه ادیان، یعنی حضرت بهاءالله می باشند و در سال نهم از ظهور حضرت باب ظاهر می شوند.^{۹۴} خودشان درباره علل ادعای تدریجی شان چنین توضیح فرموده اند:

نظر کن در فضل حضرت منتظر که چقدر رحمت خود را در حق مسلمین واسع فرموده تا آن که آن ها را نجات دهد. مقامی که اول خلق است و مظهر ظهور آیه انی انا الله چگونه خود را به رسم بابیت قائم آل محمد ظاهر فرمود.^{۹۵}

و نیز:

چون حد این خلق را می دانستم، از این جهت امر به کتمان اسم نموده بودم. این همان خلقتند که در حق رسول الله (ص) که لا مثل بوده و هست گفتند «إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ»؛ «و اگر می گویند ما آن ها نیستیم، عمل آن ها دلیل بر کذب قول آن هاست.»^{۹۶}

اما حتی آن «فضل» دائم و «کتمان» موقت مانع از این نشد که بعضی علمای جاهل و امرای ظالم و مردم غافل، به آن حضرت و پیروانشان ظلم نکنند؛ بلکه چنان چه در احادیث پیش بینی شده بود انواع ظلم ها را روا داشتند.^{۹۷} طبق همان احادیث حضرتشان شش سال پیاپی دور از خانواده، تحت نظر و دچار آزار و تبعید و ضرب و جرح و نیز محبوس در دو قلعهٔ ماکوو چهریق بودند و نهایتاً در ۲۸ شعبان ۱۲۶۶ ه ق در ۳۱ سالگی به شکلی حماسی و پر جلال و شکوه، حضرت باب به همراه یکی از دلدادگان ایشان که به خواهش خود، او را چنان به حضرتشان بسته بودند که سرش بر روی سینه ایشان بود، در حضور هزاران بیننده در میدان سرپاخانهٔ تبریز با شلیک صدها گلوله، شهید شدند. و باز طبق همان احادیث هزاران دلدادۀ دیگر نیز بودند که در آن ۶ سال و نیز پس از شهادت حضرتشان انواع شکنجه های جانکاه را تحمل فرمودند و در راهش شهید گشتند. از جمله در بحار الانوار جلد ۱۳ کافی، در حدیث جابر در لوح فاطمه، می فرماید: «سَيَذَلُّ أَوْلِيَاءَهُ فَي زَمَانِهِ... الخ» (هرآینه اولیاء آن حضرت در زمان ظهورش خوار می گردند و سرهایشان را چون سراسرء ترک و دیلم هدیه می فرستند و بعد از کشتن، اجسادشان را آتش می زنند و لازال وحشت زده و ترسناک خواهند بود. زمین از خونشان رنگین و ناله و فغان از زنانشان بلند می گردد. خدای تعالی می فرماید ایشان به راستی دوستان منند و به برکت وجود ایشان دفع می کنم هر فتنه تیره و مشکلی را و رفع می نمایم از قلوب عباد تزلزل را و بر می دارم تکالیف شاقه و احکام مشکله را. بر آن ها باد صلوات و رحمت پروردگار و ایشانند هدایت یافتگان) و نیز می فرماید: «وقتی پرچم حق ظاهر می شود اهل شرق و غرب آن را لعنت می کنند.» در میان این شهدا که از طبقات مختلف مردم بودند، چند صد تن از علما و فضلا و فقهای متقی درست کردار نیز مشاهده می شوند که ایمان و شهادت آن ها نیز از دلایل خاص حقانیت ظهور بابی به حساب می

آید، چه که علمای فاسد مذهبی همیشه در طول تاریخ به این فرستادگان خدا ایراد می گرفتند که جز افراد پست و بی سواد به آن ها ایمان نمی آورند.^{۹۸} کافی است از میان ایشان عالم بزرگ جناب آقا سید یحیی دارابی فرزند عظیم الشان آقا سید جعفر کشفی معروف را ذکر کنیم که آشکارا مقامش از نظر تقوی و علم به قدری جلیل و مورد احترام و اعتماد بود که محمد شاه، سلطان آن زمان ایران، وی را به عنوان نماینده خود برای تحقیق امر حضرت باب به شیراز فرستاد (وی بر حقایق قرآن و علم و فلسفه احاطه ای عمیق داشت و سی هزار حدیث از بر بوده است). اما او که رفته بود به اصطلاح فتنه باب را به قوت علمش خاموش سازد، خود در آتش عشق ملکوتی آن حضرت مشتعل گردید و ترک ملک کرد و عاقبت در ۱۸ شعبان ۱۲۶۶، ۱۰ روز قبل از شهادت مولایش، در نیریز شهید گردید.

اما استقامت و تحمل بلايا و شهادت حضرت باب و پیروانشان نیز ایمان و شهادت صدها عالم جانپاك، تنها دلایل حقانیتشان نیست. حضرتشان دلیل اصلی ادعای خود را آثار و آیات و حیاتی نازله از قلم سریع و معجز آسایشان^{۹۹} به دوزبان فارسی و عربی و نیز نفوذ و غلبه معنویشان می دانند که زلزله بر ارکان شرایع و آداب و احوال و اخلاق و رسوم و تقالید پوسیده گذشته انداخت.^{۱۰۰}

نزول این آیات از جمله به عربی و نفوذ معنوی آن در حالی بود که ایشان جوانی بودند ایرانی و فارسی زبان و عاری از علوم ظاهره و تحصیلات اکتسابی معمول علماء، و محاط به انواع حبس و زندان و بلا! و با همین آیات بود که علمای زمان را عاجز فرمودند و آن ها نتوانستند به ده ها نامه ای که برای يك يك مشاهیر آن ها جداگانه ارسال فرمودند پاسخ دهند^{۱۰۱} و در عوض بر دشمنی قیام کردند. عین چنین نامه هایی را نیز بارها با لحنی مهیمن و استدلالی و بعضاً قهرآمیز برای شاه و وزیر او ارسال فرمودند که نتیجه آن ها نیز همچون نتیجه نامه ها به علماء بود.^{۱۰۲} و آن چه بر همه این دلایل باید افزود آن که تمام شئون جزئی و کلی و کئی و کیفی حیات حضرت باب و دین و کتاب و آیات و تعالیم و حالات پیروان و اصحاب و حتی دشمنانشان، در کتب ادیان قبل، به خصوص در قرآن مجید و احادیث منقول از شیعه و سنی، مذکور و مسطور و پیش گویی شده بود.^{۱۰۳}

اما مقصود از ظهور عظیم آن حضرت و مقصود از انزال چند صد هزار آیات و مقصود از آن همه بلايا و شهادت خود و اصحابشان این بود که تقالید پوسیده و خرافات و پیرایه ها و آکاذیب و سنن و تعصباتی را که علما و امرا و مردم غافل بر ادیان آسمانی کور آدم بسته بودند از میان بردارند. تا افکار و قلب های انسان ها از آن اوهام و گمان ها پاک شود و آماده قبول ظهور موعود دومی گردد که مقام ظهورش به مراتب عظیم تر از ظهور بابی و ادیان قبل از آن بوده، و جهان را عملاً به بلوغ و صلح و وحدت خواهد رساند.^{۱۰۴} آن حضرت در تمام آثارشان از سال ۱۲۶۰ه ق تا شهادتشان در سال ۱۲۶۶ه ق، جز به ذکر آن موعود که وی را در اوایل بقیة الله، و بعداً مَنْ يَطْهَرُهُ اللهُ و بهاء الله می خواندند، به چیزی دیگر مشغول نشدند.

چنان که حضرت بهاء الله می فرماید:

در هیچ عصر و عهدی، ظهور قبل به این تفصیل و تصریح، ظهور بعد را ذکر ننموده.^{۱۰۵}

ایشان حتی برای جلوگیری از تفرقه در دینشان و نیز جلوگیری از تکرار داستان اعراض و انکار ناس حین ظهور پیامبران، صریحاً اعلان فرمودند که چون ظهور موعودشان در سال نهم از ظهورشان خواهد بود، ذکرى از جانشینی و وصایت نخواهند فرمود^{۱۰۶} و همچون اهالی هند که به طوطی سخن گفتن می آموزند،^{۱۰۷} به اصحاب و پیروانشان آموختند که چنان آماده و مؤمن و خالص گردند که به محض ظهور حضرت بهاء الله فوراً بدون چون و چرا و بدون این که غمگینشان سازند - تا چه رسد به این که زجر و عذابشان دهند- به ایشان ایمان آورند و کمر همت بر بندند تا در ظلّ هدایات و تعالیمش ملکوت خدا در زمین تاسیس یابد و جهان به «عصر طلایی» «وحدت عالم انسانی» و «مدنیت الهی» خود وارد شود.

درباره این حقایق، حضرت باب در کتاب بیان فارسی باب ۱۳ از واحد ۳ می فرماید:

قسم به ذات مقدس الهی عَزَّ و جَلَّ که اگر اولوالحکم و العلم (صاحبان حکم و علم؛ رؤسا و امرای سیاسی و علمای مذهبی) زمان من یَطْهَرُهُ اللهُ در ایمان به او

متفق گردند، راضی نیست که احدی از اهل بیان (بابی ها) را بر روی ارض باقی گذارد، چگونه غیر او را. همت ورزیده و نصرت حق مطلق نموده تا آن که هیچ شیئی نماند الا آن که داخل در جنت (در اصطلاح بابی ایمان به ظهور فرستاده خداست) شود. این است فضل اعظم و فوز اکبر در هر ظهوری که کل ما علی الارض (همه آن چه در زمین است) در ظل آن ظهور، مدین به دین او شوند و مفری نیست که خواهد شد زیرا که خداوند، مقتدر بر هر شیء بوده و هست و در هر کور به هر قسم مصلحت کل خلق است اسباب را جاری خواهد فرمود و آخر، کل ما علی الارض را قطعه ای از رضوان (بهشت) اعظم خواهد فرمود. انه کان علاماً مقتدرأً قدیراً.

و نیز:

بدانکه در بیان هیچ حرفی نازل نشده مگر آن که قصد شده که اطاعت کنند من یظهره الله را که او بوده منزل بیان، قبل از ظهور خود.^{۱۰۸}

و نیز:

طوبی لِمَنْ یَنْظُرْ اِلَی نَظْمٍ بِهَاءِ اللّٰهِ وَ یَشْكُرْ رِبَّهٗ.^{۱۰۹}

اما دومین نفس مقدس از دو موعود کل ادیان و اسلام و - نیز دین بابی - که پس از موعود اول، یعنی حضرت باب، ظاهر شدند حضرت بهاء الله، شاعر و مؤسس دیانت بهایی هستند. نام ایشان میرزا حسین علی است و در دوم محرم ۱۲۳۳ ه ق (۱۸۱۷ م) در شهر طهران دو سال قبل از ولادت حضرت باب، متولد شدند. نسبت ایشان از يك طرف به حضرت ابراهیم از همسر آن حضرت به نام قطوره^{۱۱۰} و از طرف دیگر به حضرت زردشت و یزدگرد، آخرین شهریار سلسله ساسانی می رسد، به علاوه حضرتشان از دودمان یسی^{۱۱۱} و از طرف پدرشان جناب آقا میرزا عباس معروف به میرزا بزرگ نوری که از رجال دولت بود و در دربار فتحعلی شاه مقام وزارت داشت، به یکی از مهم ترین خاندان های قدیم و مشهور مازندران منتسب می باشند.^{۱۱۲} حضرتشان در سن ۲۷ سالگی همانند حضرت مسیح که قبل از اظهار امر خود، به حضرت یحیی بن ذکریا (یوحنا موعودانی)

مؤمن گردید،^{۱۱۳} به حضرت باب گرویدند و در ۹ سال دورهٔ دیانت بابی، فداکارانه و آشکارا به تبلیغ آن و یاری آن و اصحاب و مومنین پرداختند و در این راه هم تبعید و هم محبوس و هم مورد ضرب و جرح واقع شدند و حتی برای يك ساعت هم خود را پنهان نفرمودند. در این ۹ سال با آن که کسی مقام حقیقی ایشان را نمی دانست، عملاً در غیاب حضرت باب که دائماً در تبعید و حبس بودند، حامی و حافظ مؤمنان و وحدت بخش امور دین و پیروان حضرت یزدان بودند.

در اواخر هشتمین سال از ظهور بابی، شوال ۱۲۶۸ هـ ق (اوت ۱۸۵۲ م)، به علت سوء قصد نابخردانهٔ چند بابی به جان ناصرالدین شاه برای گرفتن انتقام بلایا و شهادت حضرت باب و پیروانشان، بابی کشی عجیبی، بسیار شدیدتر از قبل، شروع شد و حضرت بهاءالله نیز به حبس چهار ماههٔ سیاه چال طهران دچار شدند.^{۱۱۴} در همین سیاه چال بود که در سال ۱۲۶۹ هـ ق یعنی در سال نهم از ظهور بابی، مطابق بشارات و پیش بینی های حضرت باب^{۱۱۵} آیات و وحی الهی که اصلی ترین دلیل حقانیت حضرتشان است بر قلب مطهرشان نازل و از جانب خدا مبعوث بر امر عظیمی شدند که عاقبت، وحدت عالم انسانی را بر کرهٔ زمین مستقر خواهد ساخت. اما حضرتشان حقیقت مزبور را مخفی داشتند تا به تدریج بابی ها آمادهٔ درک ظهور موعودشان، حضرت مَن یظهره اللهُ (بهاءالله) گردند. با اثبات بی گناهی، ایشان از سیاه چال آزاد ولی به عراق تبعید شدند و تا سال ۱۲۷۹ (یعنی ۱۹ سال پس از آغاز امر بابی) مدتی از تبعیدشان را در آن جا گذراندند. در فاصلهٔ سال های ۱۲۶۹ تا ۱۲۷۹ (سنهٔ ۹ و ۱۹ از ظهور بابی) ایشان به تدریج جامعهٔ بابی را که مظلوم و پریشان و سرگردان و بعضاً از تعالیم حضرت باب غافل شده بودند، تربیت مجدد فرمودند تا این که خون دل خوردن های این موعود ثانیِ جمیع ادیان عالم، نتیجه داد و در سنه ۱۲۷۹ هـ ق زمانی که به تصمیم دو سلطان ایران و عثمانی (ناصرالدین شاه و سلطان عبدالعزیز) به تبعیدگاه بعدیشان، شهر استانبول، نقل مکان می فرمودند، مقام حقیقی مَن یظهره اللهُ خود را مطابق وعده های انبیاء و حضرت باب^{۱۱۶} علنی فرمودند و ورود رسمی جامعهٔ جهانی را به مرحله بلوغ پس از مرحله کودکی کور آدم آشکار ساختند و به تدریج اکثریت قریب به اتفاق بابیان تا پایان حیات ایشان، از امر بابی به امر جدید بهایی گرویدند. به علت بلند شدن آوازهٔ حضرت بهاءالله و جذب نفوس و

علماء و عرفا و دانشمندان و رجال سیاسی از طبقات و ادیان و ملل مختلفه بود که دولت های ایران و عثمانی در طول چهل سال، چهار بار آن حضرت را از طهران به بغداد و از آن جا به اسلامبول و از آن جا به ادرنه و سرانجام به عکا (در فلسطین یا اسرائیل فعلی) تبعید کردند تا از رشد امر بهایی جلوگیری و آن را نابود کنند. اما در همین چهل سال بود که بدون داشتن تحصیلات و علوم اکتسابی و علیرغم تحمل بلایا و تبعید و حبس، آیات و کلمات بی نظیر و نافذ و معجزه آسای آن حضرت سیل آسا خطاب به دول و ملل عالم در مسائل و مطالب متنوع نازل شد که به شهادت خودشان در آخرین اثرشان، لوح شیخ نجفی، آن چه باقی مانده، حدود یک صد جلد می باشد.^{۱۱۷} آن حضرت هدف خود را در وصیت نامه خود چنین می فرمایند:

مقصود این مظلوم از حمل شدائد و بلایا و انزال آیات و اظهار بینات، اخمدار نارضغینه و بغضا بوده که شاید آفاق افتده اهل عالم به نور اتفاق منور گردد و به آسایش حقیقی فائز گردد.^{۱۱۸}

و در بیانی دیگر می فرمایند:

حق جل جلاله از برای ظهور جواهر معانی از معدن انسانی آمده. الیوم دین الله و مذهب الله آن که مذاهب مختلفه و سبیل متعدده را سبب و علت بغضا نمایند. این اصول و قوانین و راه های محکم متین از مطلع واحد ظاهر و از مشرق واحد مشرق و این اختلافات نظر به مصالح وقت و زمان و قرون و اعصار بوده. ای اهل بهاء کمر همت را محکم نمائید که شاید جدال و نزاع مذهبی از بین اهل عالم مرتفع شود و محو گردد حبا لله و لعباده.^{۱۱۹}

و در بیانی دیگر راه نجات دنیا از بحران قرون اخیر را، «اتحاد من علی الارض»، «بر امر واحد و شریعت و آداب واحده» بیان می فرمایند.^{۱۲۰} حضرت شوقی ربانی، ولی امر بهائی، خلاصه آن اهداف را چنین توضیح می دهند:

دیانت بهائی منادی وحدانیت الهیه است، و وحدت پیغمبران را اذعان دارد و اصل وحدت و جامعیت کلیه نوع بشر را تعلیم می دهد و ضرورت و حتمیت

اتحاد نوع انسان را که به تدریج به آن نزدیک می شود، اعلام می دارد و ادعا می کند که هیچ امری جز نفثات روح القدس که به واسطه نمایندگی مبعوث او (حضرت بهاءالله) در این زمان ظاهر شده به تحقق این آمال توفیق نیابد.^{۱۱۱}

و بیت العدل اعظم در مکتوبی مورخ ۸ دسامبر ۱۹۶۷ نحوه صحیح رسیدن به آن اهداف و وحدت های سه گانه متعالیه را چنین می فرماید:

وقتی حضرت بهاءالله در قرن نوزدهم پیام خود را به عالم اعلام فرمودند، کاملاً به وضوح مشخص کردند که اولین قدم ضروری و اساسی برای حصول صلح و ترقی عالم انسانی عبارت از اتحاد است. ایشان می فرمایند: «اصلاح عالم و راحت امم ... ظاهر نشود مگر به اتحاد و اتفاق...» اما تا این زمان شما اکثر مردم را مشاهده می کنید که دارای نقطه نظری متفاوت و متضاد هستند، یعنی آن ها به اتحاد به عنوان هدفی غایی و تقریباً غیر قابل حصول نگاه می کنند و در بدایت امر نظرها بر مداوای سایر امراض نوع بشر متمرکز می سازند. اگر آن ها فقط بر این موضوع واقف بودند، می دانستند که سایر امراض صرفاً علائم مختلف و عوارض جانبی این بیماری عمده و اساسی، یعنی اختلاف و افتراقند.

حضرتشان برای بیان اهداف الهی شان علاوه بر مخاطب قرار دادن مردم جهان، خطابات خاصی نیز به رؤسای ادیان و امرا و سلاطین می فرمایند که آغاز صدور آن ها از زمان تبعید به استانبول و ادرنه بوده و در عکا ادامه یافته است. نزول این آثار را پس از اظهار امر خفی در سیاه چال طهران و اظهار امر علنی در بغداد، باید مرحله اعلان عمومی و سومین مرحله اظهار امرشان دانست. در این آثار معجزه آسای بی همتا در تاریخ ادیان، اختلاف را به عنوان ریشه همه دردهای عالم معرفی و داری حقیقی آن را اتحاد و وحدت عالم انسانی تجویز می فرمایند و اناذار می نمایند که در صورت نپذیرفتن این درمان، وضع جامعه جهانی وخیم تر خواهد شد و درد و عذاب از همه جهات آن را احاطه خواهد کرد^{۱۱۲} تا بالاخره آنان از جهل کودکی و غرور جوانی نجات یابند و به بلوغی برسند که همه ادیان وعده داده اند. مخاطبین مزبور از جمله عبارتند از: ناصرالدین شاه

قاجار؛ سلطان عبدالعزیز عثمانی و فؤاد پاشا و عالی پاشا، وزیرای او و علمای سنی عثمانی؛ الکساندر دوم امپراطور روس؛ ملکه انگلیس ویکتوریا؛ ویلهم اول پادشاه پروس و امپراطور ممالک متحده آلمان؛ ناپلئون سوم فرانسه؛ فرانسوا ژوزف امپراطور اتریش و وارث امپراطوری مقدس روم؛ رؤسای جمهور امریکا؛ پاپ پی نهم رهبر مسیحیان کاتولیک جهان؛ علمای سنی و شیعه؛ علمای زرتشتی؛ یهودیان؛ عموم علمای مذهبی جهان؛ نمایندگان مجالس عالم.....

اما حضرتشان به این بسنده نکردند، بلکه برای تحقق آن اهداف والا، برای اولین بار در تاریخ ادیان آسمانی به قلم و حیانی خود کتباً «نظم اداری» و «نظم بدیع بهائی» را به عنوان وسیله لازم و کافی ایجاد فرمودند. حضرتشان منشوران نظم منصور را که اعظم کتاب دور بهائی، یعنی کتاب مستطاب اقدس می باشد، در زندان عکا در سال ۱۸۷۳ م، از آن قلم معجزآسا صادر فرمودند و تار و پود آن نظم را که احکام مقدسه دیانت بهایی و اصول والای روحانی و اداری است، به بدیع ترین و پرشکوه ترین شکل، تشریح فرمودند و مرکزی جهانی را موسوم به «بیت العدل اعظم»، به عنوان ریاست عالی نظم مزبور پیش بینی و تعیین نمودند. بیت العدل اعظم مرجع تشریح احکام جزئیة تکمیلی کتاب مستطاب اقدس در دور حداقل هزار ساله بهائی و وسیله اجرای اهداف دیانت بهائی و عامل وحدت جامعه جهانی و حفظ آن از اختلاف آراء علما و رؤسای مذهبی و سیاسی است.

برای تحقق این نقشه ملکوتی و استقرار این نظم بدیع و تشکیل «بیت العدل اعظم»، در همان کتاب مستطاب، فرزند ارشد خود، حضرت عبدالبهاء، و ایشان نیز حضرت شوقی ربانی ولی امر بهائی را در وصیت نامه های خود کتباً و رسماً تعیین فرمودند تا ضمن تبیین و تشریح تعالیم حضرتشان در صدها لوح و رساله و کتاب و توفیق، و ضمن حفظ جامعه بهائی از اختلافات و تفرقه های مشابه در کور آدم که پس از وفات پیامبرانشان رخ می داد، اسباب و وسایل تشکیل بیت العدل اعظم و توسعه نظم را که موجب صلح جهانی و حافظ نهایی آن است، ایجاد فرمایند.^{۱۳۳}

و چنین بود که حضرت بهاء الله رسالت چهل ساله خود را^{۱۳۴} تماماً واضحاً انجام دادند و پس از ۴۹ سال تحمل بلا یا از آغاز ظهور حضرت باب تا سال ۱۳۰۹ ه ق

(۱۸۹۲م)، در زندان عکا، از این جهان به عالم بالا صعود فرمودند. پس از ایشان چنان که گفته شد، حضرت عبدالبهاء جانشین منصوص و رسمی ایشان از سال ۱۸۹۲ تا ۱۹۲۱م به مدت ۲۹ سال در عین تحمل حبس و بلایا، جریان رشد بی نظیر دیانت بهائی را هدایت نمودند و نقشهٔ نظم بدیع پدر والا مقامشان، حضرت بهاءالله را مهندسی فرمودند و اجرای آن را کتباً و رسماً به نوهٔ دختری خود حضرت شوقی ربانی که جانشین منصوص و رسمی حضرتشان بود، سپردند و ایشان نیز به مدت سی و شش سال از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۵۷ که از این جهان خاک به عالم پاک پرواز نمودند، کشتی نظم بدیع الهی را به اقیانوس عالم انداختند. در سال های قبل از رفتن از این عالم، طبق وصیت نامهٔ حضرت عبدالبهاء ۲۷ نفس نفیس دست پروردهٔ خود را که «ایادیان امر بهاء» تسمیه شده اند، منصوب و راهنمایی فرمودند تا ۶ سال پس از صعود حضرتشان در ۱۹۵۷م، درصد مین سال اظهار امر علنی حضرت بهاءالله در بغداد (۱۹۶۳م) از طریق اولین انتخاب دموکراتیک جهانی در تاریخ بشر، سُکان آن کشتی عظیم را به دست توانای آن مرکز نهایی و تنها پناه تمدن متزلزل کنونی بشر گرفتار در طوفان بحران و بلایا، بسپارند که آن ها نیز چنین کردند و اکنون بیت العدل اعظم بیش از چهار دهه است که نه تنها جامعهٔ بهائی را با ادامهٔ نقشهٔ کلی حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله، و طراحی نقشه های جزئی اجرایی مستمر، به سوی اهداف آن هدایت می فرماید، بلکه می کوشد به همان روشی که حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله در ایام حیاتشان عمل می فرمودند با مردم و جوامع و رهبران دینی و علمی و سیاسی و سازمان های غیر سیاسی (NGO) دنیا، ارتباط یابد تا تعالیم نجات بخش حضرت بهاءالله را در طبق اخلاص به ایشان ارائه دهد تا ارادهٔ بشری و تلاش های جهانی برای نجات از طوفان بحران، با ارادهٔ الهی همسو شود و دنیای پریشان به ساحل آرامش محتوم خود که در آثار بهائی پیش بینی شده است، واصل گردد.

اما در این میان کسانی بوده و هستند که برای از بین بردن ادیان بایی و بهائی، هر چه را که توانستند، از زجر و حبس و تبعید و شکنجه و قتل، مرتکب شدند و بیش از ۲۰۰۰۰ تن را در ایران به خاک و خون کشیدند که بیش از ۲۰۰ مورد آن در سه دههٔ اخیر واقع شد. اما بزرگ ترین ظلمی که از گذشته تا کنون به شکلی سیستماتیک روا می دارند،

دروغ‌ها و افتراات و تهمت‌هایی است که در کتب و نشریات و اینترنت، بی‌شرمانه و بدون ترس از خدا و انسان‌های حقیقت‌جو، انتشار می‌دهند تا حقیقت‌نورانی تعالیم بهائی را زیر هزاران برگ سیاه رديه هایشان پنهان سازند. اما اگر چه در این يك قرن و نیم موفق شده‌اند بسیاری از ایرانیان عزیز را از شناسایی محبوب باطنیشان حضرت بهاء‌الله محروم سازند و از ورود به کشتی تعالیم نجات بخش ایشان که تنها وسیله سعادت حقیقی ایران و جهان است، باز دارند، ولی نه تنها هرگز قادر به جلوگیری از حرکت آن کشتی عظیم به سوی ساحل مقصود نشده‌اند، بلکه کشتی شکسته غرور و خودخواهی و فساد و تقلید پوسیده و تعصباتشان در شرف غرق شدن است.^{۱۲۵} اما برخلاف منکرین و نفوسی نیز بوده‌اند که اگر چه به دین جدید الهی ایمان نیاورده‌اند، ولی برخلاف رديه نویسان مزبور به خود کتاب‌های بهائی مراجعه و منصفانه برخورد کرده‌اند و در بسیاری از موارد نیز به تحسین و تمجید آن پرداخته‌اند و بعضاً صریحاً آن را تنها راه نجات بشر توصیف نموده‌اند.^{۱۲۶}

به عنوان نمونه، توماس ک.چپین، دکتر در الهیات دانشگاه آکسفورد می‌گوید: «اگر در زمان اخیر پیامبری در دنیا ظهور کرده باشد، همان بهاء‌الله است که باید به سویش روی آوریم.»^{۱۲۷} و آرنولد توین بی می‌گوید: «بهائیت بدون شك يك دین است، دیانتی مستقل مانند اسلام و مسیحیت و سایر ادیان شناخته شده جهان»^{۱۲۸} اروین لازلو متفکر فرانسوی و عضو کلوپ رم و مشهور در سازمان ملل متحد می‌نویسد، «آنان که آرزومند وصول به نظم بدیع جهانی هستند وظیفه دارند که پیام صلح جامعه بهائی را لبیک گویند.»^{۱۲۹} مرحوم دکتر محمد معین در فرهنگ خود ذیل لغت بهایی می‌نویسد: «... مؤسس آئین، بهاء‌الله و جانشینان اویند. نظم بهائی بر دو پایه استوار است: مبادی و احکام. مبادی نیز به تعالیم روحانی و اجتماعی و اصول یا نظم اداری تقسیم می‌شود. تعالیم روحانی و اجتماعی عبارت است از: ترك تقلید و تحری حقیقت، اعتقاد به الوهیت، احتیاج به فیض الهی، ضرورت دین، وحدت ادیان، صلح عمومی، تساوی حقوق زن و مرد، مبادی اداری عبارت است از اصول تشکیلات محافل روحانی، شورای بین المللی و بیت عدل اعظم.» و عالی‌ترین مجمع قانون‌گذاری کشور برزیل، یعنی مجلس نمایندگان، در ۲۸ می ۱۹۹۲؛ به مناسبت صدمین سال صعود حضرت بهاء‌الله جلسه‌ای مخصوص برای

تجلیل از حضرت بهاء‌الله و جامعه بهائی و خدماتش به بشریت، برگزار کرد و نمایندگان جمیع احزاب به پا خاستند و یکی بعد از دیگری حضرت بهاء‌الله را در بیانات خویش ستودند و حضرتش را آفریننده «عظیم‌ترین مجموعه آثار دینی که تا کنون از قلم شخصی واحد صادر شده»، خواندند و پیام مبارکشان را پیامی «برای جمیع نوع بشر، و رای تفاوت های بی اهمیت نژادی، مذهبی و ملی» توصیف نمودند.^{۱۳۰} و استاد دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی نیز منصفانه نوشت پیام مزبور در ایران «تا کنون هرگز به درستی، بی طرفانه، انگیزه کاوانه، و جامعه شناسانه مورد بررسی عمیق قرار نگرفته است.»^{۱۳۱}

اینک با آنچه ذکر شد، وقت آن است که تا دیرتر از این نشده، ایرانیان عزیز دو قدم بزرگ بردارند. اولین قدم چنان که قبلاً اشاره شد این که بر بطلان تقلید و سنن پوسیده ای که بعضی علمای غافلِ ظالم، بر اسلام عزیز بسته اند و نیز بر خیانت و دروغ و تهمت هایی که همان ها علیه دین و جامعه بهائی گفته و نوشته اند آگاه شوند. چه که حضرت بهاء‌الله می فرمایند: «تا بر کذبِ قبل آگاهی نیابی، بر صدق این یوم بدیع گواهی ندهی.»^{۱۳۲} و دومین قدم آن که خود بدون تقلید از این و آن، به دعوت حضرت بهاء‌الله که در صفحات قبل مذکور شد توجه فرمایند و منصفانه و فقط به چشم خود کتب و آثار بهائی را بخوانند تا از حقیقت آن آگاه گردند و خود قضاوت فرمایند، و مصداق آیه شریفه ۱۰۰ سوره آل عمران قرآن مجید گردند که می فرماید: «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (و باید باشند از شما (مسلمانان) جمعی که بخوانند به سوی خوبی و امر کنند به نیکی و نهی کنند از بدی و آن گروه رستگاران و نجات یافتگانند.)^{۱۳۳}

نمونه هایی از رشد و توسعه دین جدید از آغاز تا

امروز

اینک نگاهی مختصر و گذرا نیز به کم و کیف توسعهٔ ادیان پی در پی بابی و بهائی که در اصل یکی به حساب می‌آیند، از سال ۱۸۴۴م تا حال می‌افکنیم. در بشارات کتب آسمانی است که با آمدن دو موعود آخر الزمان کور آدم، عالم بشری از دورهٔ طفولیت وارد دوران بلوغ خود می‌شود و از جمیع جهات مادی و فکری و انسانی و معنوی، در بُعدی جهانی به رشد و توسعه ای بی سابقه دست می‌یابد^{۱۳۴}، به طوری که اگر از آغاز، دورهٔ پانصد هزار ساله ای را برای تکامل انسانی فرض کنیم و طبق تمثیلی از لووی (Lowie)، این دوره را تشبیه به عمر انسانی صد ساله نماییم، باید گفت جامعه بشری مدت ۸۵ سال در کودکتان ماند و ده سال در دیستان عمر گذراند و سپس در قرون اخیر با خیزشی از مراحل دبیرستانی و دانشگاهی گذشت.^{۱۳۵} این حقیقت در احادیث اسلامی نیز مذکور است. به عنوان نمونه در جلد ۱۳ بحار الانوار از امام جعفر صادق نقل است که علم ۲۷ حرف است؛ همهٔ آن چه رُسل قبل آورده اند دو حرف بوده است و مردم تا حال جز این دو حرف را نشناخته اند، پس از آنکه قائم مایم کند ۲۵ حرف بقیه را خارج می‌سازد و با دو حرف قبلی بین مردم نشر می‌دهد.^{۱۳۶} و نیز:

برای هر علمی هفتاد وجه وجود دارد و بین مردم جز یک وجه موجود نیست، و

زمانی که قائم قیام کند باقی وجوه را بین مردم رواج خواهد داد.^{۱۳۷}

در متون یهودی و مسیحی و زرتشتی و... نیز مشابه بشارات مزبور ذکر گشته است؛ چنان که فی المثل در کتاب اشعای نبی باب ۱۱ می‌فرماید: «در روز موعود جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد؛ مثل آب هایی که دریا را می‌پوشاند.^{۱۳۸} به همین جهت در دو قرن اخیر مشاهده می‌شود که یک رشته تغییرات و انقلابات و پیشرفت های عظیم انسانی در زمینه های فرهنگی، اجتماعی و مدنی، سیاسی، علمی و فنی، مادی و اقتصادی، ... همراه انقلاب جدید معنوی دو ظهور بابی و بهائی به وجود آمد که کل

حاکمی از خروج جامعه بشری از دوران طفولیت و ورود او به دوران بلوغ موعود می باشد. حضرت عبدالبهاء در رشته انقلابات مزبور را در لوحی^{۱۳۹}، «دو ندای فلاح و نجاج» که «از اوج سعادت عالم انسانی بلند است» توصیف می فرماید، که یکی نماد اراده بشر و دیگری نشانه اراده خداست، و رشد و پیشرفت و تعامل و هماهنگی هر دو را برای سعادت و رفاه مادی و انسانی و معنوی بشر و رسیدن به «وحدت عالم انسانی» و «صلح جهانی» و ایجاد مدنیت مادی و معنوی، ضروری می دانند.

در آثار بهائی برای رشد و توسعه هر یک از دو جریان بشری و الهی فوق مراحل ذکر شده است که در نهایت هر دو آن ها باید به یک نقطه برسند و اراده بشری با اراده الله هماهنگ و منطبق شود. حضرت عبدالبهاء در تقسیم، سیر جریان بشری را به سوی تحقق کامل وحدت عالم انسانی، عبور از مراحل هفت گانه وحدت سیاسی، وحدت آراء در امور عظیمه، وحدت آزادی، وحدت دینی، وحدت وطنی، وحدت جنسی و وحدت زبان بیان می دارد که قطعی الحصول است.^{۱۴۰} و در کنار آن حضرت شوقی ربانی به هفت مرحله برای توسعه جامعه بهائی در جهت رسیدن به وحدت عالم انسانی اشاره می فرماید؛ شامل مراحل: مجهولیت، مظلومیت یا مقهوریت، انفصال دین بهائی از ادیان گذشته، استقلال و مساوات با سایر ادیان در سطح ملی، رسمیت آن و شناسایی آن به عنوان دین رسمی کشوری، ادغام سازمان کشوری با نظام بهائی، و نهایتاً استقرار سلطنت جهانی و جلوه سیطره و استقلال ظاهری و روحانی امر بهائی در سطح جهانی و تاسیس صلح اعظم و وحدت عالم و آغاز «عصر ذهبی الهی» در عالم^{۱۴۱} و ایجاد وحدتهای مزبور و هماهنگی اراده بشر با اراده خدا.

در آثار بهائی تأکید شده است که جریان بشری مزبور اگر بدون کمک گرفتن از جریان الهی پیش رود، نه تنها به وحدت های هفت گانه مزبور دست نخواهد یافت، بلکه اسیر فساد و اختلافات و مشکلات جانکاه و جنگ های بیشتر خواهد شد و در خوشبینانه ترین حالت، جز وحدت سیاسی ظاهری اجباری و غیر حقیقی نتیجه دیگری نخواهد داشت.^{۱۴۲} همانطور که قبلاً بحث شد، متأسفانه تا کنون جامعه بشری توجه کافی به جریان الهی مزبور که در ظهور بهائی متجلی است نکرده و به همین دلیل به انواع بلا یا گرفتار شده است.^{۱۴۳} پیشتر در مورد این بی توجهی بحث شد، در آخرین مقال لازم است

برای آشنایی خوانندگان عزیز و هموطنان محبوب، مختصری نیز به کم و کیف رشد و توسعه جریان الهی مزبور پردازیم تا آن عزیزان نیز مستحضر گردند که چگونه جامعه بهائی و تشکیلات نظم اداری آن در بحبوحه بلایا و مشکلات و زجر و حبس و شهادت، تحت راهنمایی ها و تعالیم جدید و ملکوتی حضرت باب و حضرت بهاء الله که به وسیله حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله و بیت العدل اعظم تشریح گردیده و به جریان افتاده، سعی در پیش بردن آن جریان نموده است.

در نگاهی کلی، در دوره حضرت باب، ندای امر الهی در دو کشور ایران و عراق بلند شد، این ندا در دوره حضرت بهاء الله در ده کشور دیگر شرقی نیز مرتفع گشت؛ و در دوره حضرت عبدالبهاء بیست اقلیم دیگر در شرق و غرب به مناطق مزبور اضافه شد، و اینک در همه کشورهای دنیا این ندا منتشر است. تعداد بایبان در سال ۱۸۴۸، به یکصد هزار نفر بالغ می شده و به علت قتل عام و آزار و سرکوب جامعه بابی پس از شهادت حضرت اعلی (باب)، در اواسط سال های ۱۸۵۰م به نصف آن تعداد رسیده؛ ولی سپس در دوره حضرت بهاء الله، در سال ۱۸۸۰م مجدداً تعداد بایبانی که قریب به اتفاق آن ها بهائی شده بودند به یکصد هزار تن فقط در ایران بالغ گردیده که با توجه به جمعیت ۵ تا ۸ میلیونی آن روز ایران می توان گفت، یک تا دو درصد کل جمعیت ایران آن روز بهائی بوده اند.^{۱۴۴} و این در حالی است که این مقدار رشد در زیر فشار آزار و ظلم و حبس و تبعید و شهادت به دست آمده بود. تا سال ۱۹۶۳، تعداد بهائیان ۴۰۰/۰۰۰ تن در کل جهان بوده و در ۱۹۸۵ به ۳/۵۰۰/۰۰۰ و در سال ۱۹۹۱ به ۵/۴۰۰/۰۰۰ تن و در سال ۲۰۰۱، به ۶/۰۰۰/۰۰۰، و اینک به حدود ۷/۶۶۶/۰۰۰ تن بالغ شده است.^{۱۴۵} با احتساب جمعیت کل دنیا در آغاز ظهور جدید که ۱/۱ میلیارد نفر بوده و جمعیت فعلی دنیا که شش برابر آن زمان شده، مشاهده می شود که نسبت رشد کمی جامعه بهائی به جمعیت دنیا، حدوداً ۱۱ برابر است. برخلاف آن که مخالفان امر بهائی در ایران آمارهای ارائه شده را دروغین قلمداد می کنند، ولی امروزه به واسطه توسعه انفجاری ارتباطات، دیگر نمی توان همانند رديه نویسان، حقایق را مخفی کرد؛ چنان که غیر بهائیان نیز بر رشد کمی و کیفی امر بهائی معترفند؛ از جمله به تصریح سالنامه دائرة المعارف بریتانیکا، وسعت انتشار امر بهائی بعد از مسیحیت از لحاظ جغرافیایی بیشتر

از سایر ادیان بوده است، و میشل مالرب در کتاب «انسان و ادیان، نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی» در صص ۴۰۹-۴۰۸، به «گسترش تُند» دیانت بهائی اشاره می‌کند. اهمیت این آمارها در مقایسه با آمارهای مشابه ادیان دیگر این است که به علت نبودن فرقه‌های منشعب از دیانت بهائی، آمار مزبور تماماً مربوط به یک جامعه منحصر به فرد است، حال آن‌که آمارهای مشابه هر یک از ادیان دیگر گویای شمار مجموعی از فرقه‌های مختلف و متباین است.

اما از جنبه تعداد نفرات و پراکندگی جغرافیایی که بگذریم، از آن جا که جامعه بهائی طبق تشریح و تبیین حضرت بهاء الله و حضرت عبداله‌بهاء، در زمان حضرت ولی امرالله به بعد توسط نظمی بدیع و شورایی که الگوی اولیه آن را «نظم اداری» می‌نامند اداره می‌شود، معمولاً آمار مربوط به این نظام و سیستم و اجزاء آن، در کنار آمار فوق به عنوان شاخص‌های رشد امر بهائی و جامعه آن تلقی می‌شود. در این سیستم سه سطح محلی، ملی و بین‌المللی از تشکیلات شورایی قرار دارد که به آن‌ها به ترتیب محفل روحانی محلی، محفل روحانی ملی، و بیت العدل اعظم اطلاق می‌گردد که افرادی نیز به عنوان معاونین و مشاورین در خدمت این شوراها هستند. نگاهی به آمار ذیل نیز از این جنبه، اثبات‌کننده آمارهای ارائه شده در فوق و گویای عملکرد و رشد هماهنگ اجزاء سیستم نظم الهی بهائی است که همه این‌ها با هم، نشانه سلامت چنین سیستمی است که در عین نوپایی و در عین محاط بودن به بلایا و فشارهای ممتد وارد بر آن^{۱۴۶}، نه تنها محفوظ مانده، بلکه به پیشرفت خود نیز ادامه داده و همین امر از جمله نشانه‌های حقایق آن است؛ چه که در قرآن مجید سوره اسرا آیه ۸۳ می‌فرماید: «زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا.» در آغاز انقلاب ۱۳۵۷ ایران، کل نقاط بهائی نشین در جهان، ۸۳۰۰۰ بوده که در سال ۲۰۰۱، به ۱۲۷۳۸۱ رسیده است؛ تعداد گروه‌های قومی، نژادها و قبایل بومی که پذیرای امر بهائی شدند ۱۶۴۰ بوده، که به ۲۱۱۲ مورد بالغ شده است؛ تعداد زبان‌هایی که کتب بابی و بهائی به آن ترجمه شده از ۶۸۵ به ۸۰۲ زبان رسیده است؛ تعداد محافل روحانی ملی از ۱۳۰ به ۱۸۲؛ تعداد معاونین از ۶۷۵ نفر به ۹۹۰ و در سال ۲۰۰۶ به ۱۰۰۰ نفر بالغ شده است؛ تعداد مشاورین قاره‌ای ۶۴ نفر بوده، که ۸۱ نفر شده و...^{۱۴۷}

هم چنین از اجزای نظم بدیع بهائی، مکان های عبادتی است که حضرت بهاء الله آن را «مشرق الاذکار» (محل اشراق و درخشش ذکر و دعا) نامیده اند. اولین و دومین مشرق الاذکار در سطح قاره ای در عالم بهائی در زمان حضرت عبدالبهاء در شوروی سابق (عشق آباد)، و امریکا (شییکاگو) ساخته شد و اینک شش مشرق الاذکار قاره ای دیگر، در سیدنی استرالیا، فرانکفورت آلمان، پاناما، ساموآ، اوگاندا، و دهلی نودر هندوستان به آن ها اضافه شده، و آخرین مورد از این معابد قاره ای به زودی در سانتیاگو (پایتخت شیلی) ساخته خواهد شد. افزون بر این، مشارق اذکار بشمار دیگری در سطوح ملی و محلی نیز ساخته خواهد شد که هم اکنون ده ها قطعه زمین مخصوص در سراسر دنیا برای احداث آن ها در آینده، خریداری شده است. هم اکنون ۳۳ مؤسسه مطبوعات آثار بهائی در عالم فعال است و بهائیان در ۱۹۰ کشور مستقل و ۴۶ سرزمین غیر مستقل و بخش های ماوراء بحار ساکن هستند، و هم چنین ده ها سایت و فرستنده اینترنتی و رادیویی و تلویزیونی بهائی^{۱۴۸} ایجاد شده که به معرفی امر بهائی مشغولند و این به غیر از سایت ها و فرستنده های غیر بهائی است که به مناسبت هایی، امر بهائی را معرفی می کنند.

علاوه بر اقدامات فوق که بیشتر مربوط به استقرار و توسعه خود سیستم نظم اداری بهائی است، باید به اقداماتی که توسط جامعه بهائی برای دیگر جوامع و مؤسسات بشری صورت گرفته و می گیرد نیز اشاره کرد. این قبیل اقدامات و خدمات، از همان اوایل ظهور جدید آغاز شد و نمونه های عملی آن در زمان حضرت بهاء الله و به خصوص حضرت عبدالبهاء به بعد آشکار گردید. راهنما و منشور این اقدامات، آثار و کتب وحیانی و الهامی بشمار از حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء است که در آن ها اصول و فروع اقدامات و خدمات اهل بهاء - و البته اهل عالم در دور بهائی - را تشریح فرموده اند. جنبه های اصلی و معنوی و روحانی و اخلاقی اقدامات مزبور از همان زمان حضرت بهاء الله در گفتار و اعمال خالصانه و حسنه ای چون امانت، راستگویی، تقوا، حیا، عدالت و انصاف، کرم، بخشش، محبت، عفو، ادب و احترام، وفا، ایثار و ... جلوه نمود و سبب تحسین اهل بهاء، توسط هموطنان منصف و همکاران و همسایگان و دوستان غیر بهائی گردید، به طوری که سبب ایجاد ارتباطی عمیق بین آن عزیزان از ادیان و ملل مختلف با بهائیان

شد.^{۱۴۹} اما به غیر از این جنبه اساسی، اقدامات فرعی دیگری نیز به خصوص از زمان حضرت عبدالبهاء در ایران و فلسطین و غرب شروع شد که در سراسر جهان تا حال ادامه داشته است.

در ایران برای اصلاح امور معنوی و فرهنگی و اجتماعی و تعلیم و تربیت و نظام سیاسی کشور، از جمله کارهایی که صورت گرفته نزول الواحی توسط حضرت بهاء الله و عبدالبهاء ولی امرالله، چون لوح سلطان ایران، لوح دنیا، رساله سیاسی، رساله مدنی و بعضی توقیعات و امثال آن بوده که اگرچه به طور کلی خطاب به عالم انسانی است، در همه آن ها توجه اصلی به ایران عزیز است. اهل بها در عملی کردن مفاد آن، چه قبل از انقلاب مشروطه و چه بعد از آن، بدون آن که آلوده به روش های نادرست و خصمانه سیاسی شوند، تلاش های فوق العاده ای در زمینه تعلیم و تربیت اخلاقی و پیشرفت عملی و فرهنگی و هنری و اجتماعی و اداری و اقتصادی و بهداشتی و... نمودند و به موفقیت های بدیعی دست یافتند؛ ولی متأسفانه به علت جهل و تعصبات بعضی علمای مذهبی و بی تدبیری و خیانت بعضی سیاسیون و احزاب که با وارد کردن اتهامات دینی و اخلاقی و سیاسی، سعی داشتند ملت عزیز ایران را نسبت به جامعه بهائی بد بین کنند، نگذاشتند اقدامات بهائیان نمودار شود.

حال وقت آن رسیده که هموطنان بهتر از جان، بیش از یک قرن و نیم، یعنی از آغاز دو ظهور بابی و بهائی، به عقب برگردند و بررسی فرمایند که اقدامات مزبور تا حال چه بوده، و علما و سیاسیون و بعضی مردم فریب خورده از حیلها و آکاذیب آن ها، در برابر آن اقدامات چه عکس العمل هایی نشان داده اند و چه مقدار بر مظلومین جفا نموده اند! ۱۵۰ نکته قابل ذکر آن که اگرچه جامعه بهائی صمیمانه و مشتاقانه آرزوی ایمان همه جهانیان و از جمله هموطنان عزیزشان را به ظهور جدید دارد، اما ابد آن می خواهد و نه می تواند ایشان را به تحمیل و زور بهائی سازد، زیرا ترك يك عقیده و ایمان به عقیده ای دیگر در دست دیگران نیست، بلکه فقط و فقط در اختیار هر فرد اراده خداست،^{۱۵۱} چه که مالک قلب ها خداست و لذا ایمان حقیقی، اجباری نیست. اما جامعه بهائی با اشتیاقی الهی و اراده ای مصمم، تنها و تنها می خواهد هموطنان عزیز با اصل و سرچشمه تعلیم و آثار بهائی و سیستم «نظم اداری» آن که با توجه به سه جنبه مادی و انسانی و

معنوی شخصیت انسان برای اداره جامعه ای سالم ایجاد شده، آشنا شوند و حتی اگر مایل باشند آن سیستم و نظام را، که تار و پودش تعالیم و احکام و اصول بهائی است، بدون این که بهائی شوند، آزمایش نمایند. جامعه بهائی به هموطنان عزیز و محبوب خود می گوید که شما نظام های مختلف حکومت را تجربه کردید و ملاحظه فرمودید که هیچ يك مفید واقع نشد. حال چرا سیستم بهائی را امتحان نمی کنید؟ بیت العدل اعظم در پیام ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳ خطاب به بهائیان ایران همین نکته را بیان می فرماید. آیا وقت آن نرسیده که هموطنان عزیز حداقل به این توجه فرمایند که «حل بحران مدنیت ایران، نه در تقلید کورکورانه از فرهنگ سقیم (بیمار) غرب است و نه در بازگشت به جاهلیت قرون وسطی.» بلکه در تعالیمی است که فرزند همین آب و خاک، حضرت بهاءالله، که امروز جز در موطن مقدس خویش در جمیع قارات عالم مورد تعظیم و تکریم است^{۱۰۲}، بیان فرموده است. چه خوش گفته شاعر که «دوست در خانه و ما گرد جهان می گردیم.» (در ادامه مطلب ملاحظه خواهید فرمود که جهانیان در خارج از ایران، چگونه با آغوش باز، در حال استقبال و حتی آزمایش تعالیم معنوی و نیز اجتماعی و اداری حضرت بهاءالله، پیامبر ایرانی ای هستند که از آب و خاک شما عزیزان ظاهر شده است.)

علاوه بر ایران در سراسر جهان، خدمات مشابهی در سطح وسیع تر، چه در بعد اصلی دینی و معنوی و اخلاقی، و چه در ابعاد فرهنگی و اجتماعی و غیره، با الهام از آثار طلعات مقدسه امر بهائی همچون الواح ملوک، کتاب مستطاب اقدس و متمدنات آن از قبیل اشراقات، بشارات، طرازات، تجلیات، کلمات فردوسی، لوح اقدس، لوح دنیا، لوح مقصود... از حضرت بهاءالله، الواح وصایا و کتابهای خطابات و مکاتیب از حضرت عبدالبهاء و توقیعات حضرت شوقی ربانی، و هدایات و پیام های بیت العدل اعظم، اول توسط خود حضرت عبدالبهاء به عنوان قافله سالار این خدمات، در ایام حیاتشان آغاز و بعداً توسط بهائیان جهان به پیروی از مولایشان، تا حال ادامه یافته است. از مهم ترین خدمات مزبور که زیربنای محکم خدمات بعدی اهل بهاء شد، سفرهای حضرت عبدالبهاء به مصر و اروپا و امریکا، پس از آزادی نسبی از حبس عثمانی است. حضرتشان در این اسفار که قبل از جنگ جهانی اول انجام شد، ضمن ملاقات های خصوصی و عمومی با مردم و دانشمندان و روشنفکران و نویسندگان و سردبیران جرائد و علمای

مذهبی و شخصیت های سیاسی و رهبران نهضت های اصلاح طلب از گروه ها و مذاهب و احزاب و کشور های گوناگون، در کنیسه های یهودیان، کلیساهای مسیحیان، مساجد مسلمانان، مجامع مادیون، جمع کمونیست ها، مجامع تئوسفی ها، دانشگاه ها و... طی خطابات و سخنرانی هایی، اهداف و مقاصد و تعالیم اساسی بهایی را تشریح فرمودند که روز نامه های آن روز مصر و امریکا و کشورهای اروپایی، اخبار آن و بعضاً متن سخنرانی ها را نیز منتشر ساختند.^{۱۵۳} در این سخنرانی ها به خصوص با تأکید بر لزوم وحدت و صلح، پیش بینی جنگ جهانی را نیز فرمودند. آن آیات و آثار الهی و این نطق ها و خطابات، نیرویی را در جامعه بشری آزاد ساخته است که در میقات خود اراده بشر را با اراده الهی هماهنگ خواهد ساخت. حضرت عبدالبهاء پس از آن اسفار تا سال صعودشان در ۱۹۲۱ میلادی نیز، در تکمیل هدایاتشان در اسفار غرب و مصر، نامه ها و الواحی برای شخصیت ها و مؤسسات علمی و دینی و سیاسی جهان ارسال فرمودند که از جمله آن ها لوحی خطاب به جمعیت لاهه، برای صلح عمومی است.^{۱۵۴} اما در این میان آن چه دستورالعمل بهائیان در خدمات جهانیان تا استقرار وحدت عالم انسانی و صلح اعظم شد، صدور ۱۴ لوح به عنوان نقشه یا «فرامین تبلیغی» عبدالبهاء است^{۱۵۵} که بعد ها حضرت ولی امرالله و بیت العدل اعظم، اجرای آن فرامین را طی نقشه هایی ملی و جهانی آغاز کردند و ادامه دادند.^{۱۵۶}

با اجرای «فرامین تبلیغی» و نقشه های فوق، امر بهائی علاوه بر رشد کمی و کیفی درونی جامعه و نیز سیستم نظم اداری خود، از طریق جذب نفوس زیادی در جهان به امر بهائی،^{۱۵۷} توانست در سطحی وسیع تر و آزادانه تر نسبت به خدمات مشابه خود در ایران، انواع اقدامات و خدمات منظم و سیستماتیک دینی و معنوی و فرهنگی و اجتماعی و علمی و سواد آموزی و اقتصادی و کشاورزی و بهداشتی و حقوق بشر و حقوق زنان و کودکان و امثال آن را در سراسر جهان اجرا نماید. این خدمات که نشانه جهان نگری و مترقی بودن جامعه بین المللی بهائی است، چنان مشهود و مشهور است که مورد تحسین بزرگان عالم از جمله سازمان ملل متحد و مؤسسات وابسته به آن و همچنین دولت ها و مجامع فرهنگی و دانشگاهی و سازمان های NGO و امثال آن ها واقع گردیده، به طوری که از جمله در سال ۱۹۴۸ «جامعه بین المللی بهائی»، به عنوان يك سازمان غیر دولتی

بین المللی در سازمان ملل متحد شناخته و پذیرفته شد و بعدها نیز عضویت های دیگری را در شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (ecosoc) در ۱۹۷۰ م، برنامه محیط زیست ملل متحد (unep) در سال ۱۹۷۴، یونیسف در سال ۱۹۷۶ حائز گردید و همواره در کنفرانس های جهانی سازمان ملل، به عنوان عضو مؤثر، و از جمله در هیات رئیسه بعضی کنفرانس ها شرکت جست و بیانیه هایی نیز صادر کرده است.^{۱۵۸} دولت ها نیز همچون سازمان های جهانی از اقدامات جامعه بهائی استقبال نموده اند، به طوری که امروز صدها طرح اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، سوادآموزی و غیره توسط اهل بهاء در کشورهای آن ها اجرا می شود، و حتی بعضی دولت ها از بیت العدل اعظم و جامعه بهائی خواسته اند که مثلاً قسمت آموزش های اخلاقی سیستم آموزش و پرورششان را طراحی و اجرا نماید. همچنین دویا سه کشور افریقایی و برخی دیگر از کشورها، بدون آن که بهائی باشند از جامعه بهائی خواسته اند که روش انتخابات منحصر به فرد و سالم بهائی را به ایشان ارائه دهند تا در انتخابات و مشورت در امور مملکتی خود از آن الگو بگیرند. مجموعه این پیشرفت ها، مدت ها قبل موجب تاسیس «دفتر توسعه و عمران اجتماعی و اقتصادی بهائی» و «دفتر اطلاعات عمومی» و تاسیسات لازمه دیگر توسط بیت العدل اعظم شد تا جامعه جهانی بهائی بتواند اقدامات و خدمات محلی و ملی و بین المللی مزبور را راه اندازی و هماهنگ سازد و پاسخگوی نیازهای ملل و دولتی که به آن مراجعه می کنند باشد. بعضی مدارس دولتی نیز مطالبی درباره معرفی صحیح امر بهائی در دروس رسمی خود گذاشته اند^{۱۵۹}، بعضی دانشگاه ها نیز کرسی خاص بهائی ایجاد کرده اند و از جمله خواستار رفع ممنوعیت ورود بهائیان به دانشگاه ها در ایران شده اند. این دستاورد های گوناگون در سراسر جهان، گویای حقیقت این بیان حضرت بهاء الله در «لوح دنیا» است که می فرمایند،

این ندا و این ذکر، مخصوص مملکتی و یا مدینه ای نبوده و نیست. باید اهل عالم طراً (همگی) به آن چه نازل شده و ظاهر گشته تمسک نمایند تا به آزادی حقیقی فائز شوند.

اینک در پایان این مقال باید گفت تمام دست آوردهای فوق و پیشرفت های حاصله، چه در درون خود جامعه بهائی و چه در اقدامات و خدمات ارائه شده توسط بهائیان به بیرون جامعه خود، پس از اراده الهی و فیض و عنایت او، مدیون استقامت بهائیان است که به خصوص در زادگاه دینشان، ایران عزیز، بیش از یک قرن ونیم است هر بلا و آزار و شکنجه و محرومیت و حبس و کشتار و شهادتی را، به پیروی از بلایا و مصائب حضرت باب، حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی ربانی، به رسم وفا، به جان و دل تحمل نموده اند. به برکت این بلایا، این جریان اراده الهی که در امر بهائی و جامعه آن جلوه نموده، «مرحله مجهولیت»، یعنی اولین مرحله از سیر خود را به سمت صلح اعظم و وحدت امم، سپری نموده است و در حالی که جهانیان با آن آشنا شده اند، وارد دومین مرحله رشد خود که «دوره مظلومیت و مقهوریت» در سطح جهانی است شده، تا علاوه بر تحمل مظالم همیشگی در ایران، منتظر قیام دیگران از دیگر قارات جهان و دیگر ادیان عالم نیز بر علیه خود باشد^{۱۶۰} تا آن که سرانجام طبق وعود کتب آسمانی، کل در برابر حقانیت اراده الهی سر تسلیم فرود آورند و این جریان الهی، باقی مراحل رشد خود را نیز طی کند و با فدا کردن دار و ندار خود، اراده جامعه جهانی و جریان مدنیت مادی بشر امروز را با جریان عظیم اراده الهی هماهنگ سازد و جهانیان را از جنگ ها و اختلافات و تقالید و خرافات شش هزار ساله برهاند و به صلح و وحدت برساند. قافله سالاران این جریان الهی، یعنی حضرت بهاء الله به نمایندگی از همه مریبان آسمانی کور آدم و شهدای آن کور، و حضرت باب و شهدای بابی و بهائی، در حتمی بودن غلبه نور الهی و اهورایی بر ظلمت شیطانی و اهریمنی شش هزار ساله بت های دروغین^{۱۶۱} می فرمایند: «لَوْ يَسْتُرُونَ الثُّورَ فِي الْبَرَاءَةِ يَظْهَرُ مِنْ قُطْبِ الْبَحْرِ وَيُثْبَلُ: اِنِّي مُحِبِّي الْعَالَمِينَ» (اگر نور را در صحرا مخفی کنید همانا از وسط دریا آشکار می گردد و می گوید: به درستی که من زنده کننده جهانیان هستم). و نیز آرزو می نمایند: «جَسَدِي يَشْتاقُ الصَّلِيبَ وَرَأْسِي يَنْتَظِرُ اللِّسَانَ فِي سَبِيلِ الرَّحْمَنِ لِيُطَهَّرَ الْعَالَمَ عَنِ الْعِصْيَانِ»^{۱۶۲} (جسد من مشتاق صلیب است و سرم منتظر نیزه ها در راه خدای رحمن تا عالم را از گناه پاک سازد). و در خطاب به اولین مخالفین و منکرین همه فرستادگان الهی در گذشته و حال، یعنی بعضی از علمای کاذب مذهبی در طول تاریخ، چنین می فرمایند:

به علما از قول بهاء (حضرت بهاء الله) بگو ما به زعم شما مقصریم، از نقطه اولی (حضرت باب) رُوح ما سِوَاهُ فِدَاهُ چه تقصیری ظاهر که هدف رصاصش (گلوله سربی) نمودید! نقطه اولی مقصر، از خاتم النبیین رُوح العالمین لَهُ الْفِدَا چه تقصیری باهر که برقتلش مجلس شوری ترتیب دادید! خاتم النبیین مقصر، از حضرت مسیح چه تقصیر و افترا هویدا که صلایش زدید! حضرت مسیح به زعم باطل شما کاذب، از حضرت کلیم (موسی) چه کذبی و افترای آشکار که بر کذبش گواهی دادید! حضرت کلیم به زعم باطل شما کاذب و مقصر، از حضرت خلیل (ابراهیم) چه تقصیری هویدا که در آتشش انداختید! اگر بگوئید ما آن نفوس نیستیم، می گوئیم اقوال شما همان اقوال و افعال شما همان افعال! ۱۶۳

مژده باد، مژده باد هموطنان عزیز و هموعان نازنین در سراسر جهان را که:

إِهْرَاقِ دِمَاءِ مَطْهَرَةٍ (ریخته شدن خون پاک) شهیدان ایران است که در این قرن نورانی و عصر گوهرا افشان اَعَزَّ ابْهَائِي، روی زمین را بهشت برین نماید و سرایرده وحدت عالم انسانی را کَمَا نُزِّلَ فِي الْأَلْوَاحِ (همانطور که در الواح و آثار بهائی نازل شده) در قطب آفاق مرتفع سازد و وحدت اصلیه را جلوه دهد و صلح اعظم را تاسیس فرماید. ۱۶۴

وچنین خواهد شد زیرا:

مشیت حیّ قدیر بر این تعلق گرفته و حکمت بالغه الهیه چنین اقتضاء نموده که خَاصَّانِ حَقِّ دَرْ كَشُورِ مَقْدَسِ اِیْرَانِ، مال و منال حتی دَمِ مَطْهَرِ (خون پاک) خویش را ایثار نمایند تا شجره امید، سقایت گردد و به برگ و میوه های گوناگون مزین شود و به مرور ایام، اقوام و قبائل و ملل متنوعه متباغضه اروپ و امریک و تاجیک و افریک را در ظِلِّ ظَلِيلِش (سایه گسترده اش) در آورد و تألیف (دوستی و الفت) دهد. ۱۶۵

و آن شهدای دلداده و عاشق، به خط عشق و محبت، شعار «وحدت عالم انسانی» را چنان بر سقف آسمان به خون خود نوشته اند که همه آن را خواندند و دیدند و بر صداقت و صمیمیتشان شهادت داده و می دهند، چنان که پروفیسور و دانشمند جامعه شناس غیر بهائی، وارن واکار، مثل بسیاری منصفین دیگر^{۱۶۶} چنین می گوید: «از بین همه مذاهب و ادیان معاصر، این تنها آئین بهائی است که بلا شبهه (بدون شك) و بدون هیچگونه ابهامی، با قطعیت تمام همه هم خود را وقف مسئله وحدت عالم انسانی نموده است.»^{۱۶۷}

حال ای عزیزان، بیایید از درگاه «دوست یکتا»^{۱۶۸}، از زبان حضرت عبدالبهاء، چنین بخواهیم و دعا نماییم که:

ای یزدان مهربان، جمیع بشر را از یک سلاله، خلق فرمودی تا اعضاء يك خاندان گردند و بندگان حضرت توشوند؛ در ظل سرادق فضلت مأوی بخشیدی و بر خوان نعمت مجتمع کردی و از اشراقات انوار عنایت، منور ساختی. ای خدا، تویی مهربان، تویی ملجاء و پناه و بخشنده فیض حیات. تاج انسانی را زینت هر سری فرمودی و خلعت موهبت را زیور کل بشر، تا غریق دریای رحمت شوند. ای مولای مهربان، کل را متحد فرما و مظاهر مختلفه را به یکدیگر، الفت بخش، جمیع ملل را ملت واحده کن تا اجزاء يك خانمان گردند و روی زمین را يك وطن دانند و به نهایت اتحاد، الفت جویند. ای خدا، رایت وحدت عالم انسانی را بلند فرما، صلح اعظم را مستقر کن، قلوب را به یکدیگر التیام ده. ای خدا، ای پدر مهربان، قلوبمان را از نفاتح محبت شادمان کن و دیده ها را به نور هدایت روشن نما و گوش ها را از نغمات جانپور متلذذ فرما و در صون عنایت، ملجاء و پناه بخش. انك انت القوى القدير يا ستار العيوب و يا غفار الذنوب.

ضمیمه ۱: مراحل ده گانه رشد درخت ظهور الهی از عهد آدم تا وحدت عالم

کور ۶۰۰۰ ساله آدم

کور ۵۰۰۰۰۰ ساله بهائی

رشد دانه ظهور الهی، کاشته شده در عهد حضرت آدم، و ظهور شاخ و برگ و شکوفه و گل آن در عهد حضرت نوح، موسی، زرتشت، بودا، مسیح، محدودسایر انبیای عظام در اثر تعالیم آسمانی ایشان و استقامت و شهادت پیروان آنان. (مرحله ۱)

دور حداقل ۱۰۰۰ ساله بهائی

دور ۲

دور ۳

دور ...

ادوار ادیان الهی که بعد از امر بهائی ظاهر

عصر رسولی، از ۱۸۴۴ تا ۱۹۲۱ (۷۷ سال)

عصر تکوین یا انتقال، از ۱۹۲۱ تا ؟

عصر ذهبی و تحقق وحدت عالم انسانی

- عهد حضرت باب (۹ سال از ۱۸۴۴ تا ۱۸۵۲ - ۱۸۵۲): حصول میوه در ۱۸۴۴ (مرحله ۲)
 - فشرده شدن آن میوه و ظهور روغن آن در اثر بلايا و شهادت حضرت باب در ۱۸۵۰ (مرحله ۳)
- عهد حضرت بهاء الله (۲۹ سال از ۱۸۵۲ تا ۱۸۹۲)، شامل مراحل:
 - اشتعال آن روغن و آغاز تابش آن در زندان سیاه چال طهران با اظهار امر خفی و سیری حضرت بهاء الله در ۱۸۵۲ (مرحله ۴)
 - اشتعال بیشتر آن نور در بغداد به واسطه اظهار امر علنی حضرت بهاء الله در ۱۸۶۳ (مرحله ۵)
 - اشتعال عمومی آن نور در استانبول و ادرنه و عکا در اثر اظهار عمومی تا ۱۸۹۲ (مرحله ۶)
- عهد حضرت عبدالبهاء (۲۹ سال از ۱۸۹۲ تا ۱۹۲۱)، سطوع آن نور در نقاط بیشتری از دنیا به واسطه حضرتشان تا ۱۹۲۱ (مرحله ۷)
- عهد اول: از ۱۹۲۱ تا ۱۹۴۴/۴۶
- عهد دوم: از ۱۹۴۴ تا ۱۹۶۳
- از ۱۹۲۱ تا ۱۹۵۳: دوره حضرت شوقی ربانی ولی امر بهائی (مرحله ۸)
- از ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳: انتشار بیشتر آن نور در دوره حضرت ولی امر الله و ادامه آن در اولین نقشه ده ساله برای توسعه امر بهائی تا سال ۱۹۶۳ (مرحله ۹)
- عهد سوم: از ۱۹۶۳ که بیت العدل اعظم تشکیل شد تا سال ۱۹۸۶
- عهد چهارم: از ۱۹۸۶ تا سال ۲۰۰۱
- عهد پنجم: از ۲۰۰۱ تا سال؟
- عهد بعدی تا تحقق وحدت عالم انسانی
- از عهد سوم (۱۹۶۳) به بعد مرحله نهائی جریان عظیم رشد درخت ظهور الهی، و هماهنگی اراده بشری اراده خدا و سرایت نور هدایت به کل کره زمین و استقرار کامل نظم بدیع حضرت بهاء الله و حصول وحدت عالم انسانی و بلوغ عالم و صلح عمومی و آغاز سیر کمال بی پایان انسان به دنیا مرحله بلوغ (مرحله ۱۰)

مآخذ و یادداشت ها

۱ در کتب آسمانی مکرراً آمده است که آن چه سختی و بلا و مشکلات و عذاب برای مردم حاصل می شود به علت اعمال بد خود ایشان است. به عنوان نمونه نگاه کنید به: تورات؛ سفر پیدایش، باب ۴ آیه ۷ و سفر لاویان؛ باب ۱۸ و سفر تثبیه باب ۳۱؛ کتاب ارمیا نبی باب ۳۱؛ انجیل مرقس باب ۷؛ قرآن مجید سوره آل عمران و سوره دوم آیه ۴۰ و قصص آیه ۵۹ و نساء آیات ۶۵ و ۸۱.

۲ مائده آسمانی، ج ۸، ص ۱۱۷.

۳ رجوع شود به آثار بهائی، از جمله کتاب «مفاوضات» از حضرت عبدالبهاء جانشین حضرت بهاءالله؛ انوار هدایت، بند ۱۶۵۸؛ ...

۴ حضرت بهاءالله می فرماید: «از اول خلق علی ما هو علیه احدی اطلاع نداشته جز علم حق جل جلاله که محیط است بر کل شیء و قَبْل وجوده و بَعْد وجوده و اول و آخر خلق محدود نشده و سر آن بر احدی پدیدار نگشته. لَمْ یَزَلْ علمش نزد مخازن علم الهی مکنون و مخزون بوده و هست... و آن چه از اولیت و آخریت و یا فوق آن استنباط نموده اند از انبیاء و اصفیاء و سفرای حق اخذ کرده اند.» (مائده ۷-صص ۱۶۸-۱۶۹).

نیز رجوع شود به «رشحات حکمت» ج ۳-ص ۸۶. در کتاب کلیات فلسفه پاپکین و استرول، ص ۱۱۱ می نویسد: «پیش ترین آگاهی ای که ما درباره بشریت ابتدایی داریم فقط پس از آن است که آدمیان به مرتبه ای نسبتاً عالی از سازمان اجتماعی رسیده اند، و این که زندگی پیش از آن که اجتماعات صورت پذیرفته اند چگونه بوده، هیچ کس نمی داند.» در کتاب کلیات تاریخ ج ۲، ص ۱۵۰۵، هربرت جرج ولز با این فرض که از زمانی که انسان ها در پی اختراعات رفتند، ۲۵۰ هزار سال گذشته باشد، می نویسد، «هر ساعت از دوازده ساعت ما برابر می شود با بیست هزار سال و هر دقیقه از آن با سی صد و سی سال. تا یازده و نیم، هیچ واقعه ای نوشته نشده و تاریخ آغاز نگشته است و از هیچ کس و هیچ واقعه ای خبر نداریم جز آن که می دانیم مردمی به واسطه ابزارهای سنگی و پاره ای سفال و تصویرهای ماموت و گاو وحشی که از کاوش ها به دست ما رسیده، بر روی زمین می زیسته اند.»

۵ علاوه بر یادداشت ۴، مراجعه شود به کتاب بیان فارسی از حضرت باب، باب ۱۳ از واحد ۳؛ کتاب اقتدارات از حضرت بهاءالله، صص ۷۸-۷۴؛ مفاوضات، ص ۱۲۱.

۶ تاریخ ۱۲۶۰ ه ق صریحاً در کتب آسمانی قبل پیش بینی شده است. از جمله در: کتاب دانیال نبی از کتب دیانت یهودی؛ انجیل های متی و لوقا و مرقس، و مکاشفات یوحنا، از کتب دیانت مسیحی؛ کتاب دینکرد از کتب دیانت زرتشتی؛ قرآن مجید، ردیه مفتاح باب الابواب، صص ۲۴-۲۵. برای دیدن جزئیات آن به کتب بهائی، از جمله «مفاوضات» و «برهان واضح» و منابع مذکور در یادداشت های ۶۳ و ۶۴ مراجعه فرمائید. در این منابع از جمله واضحاً آمده است که دوره دیانت مقدس اسلام و آجَلِ اَمّتِ اسلامی ۱۰۰۰ سال است که چون آن را به دوره اشاعه علنی و وحی و الهام به حضرت محمد تا وفات امام یازدهم

در سال ۲۶۰ ه ق اضافه کنیم، سال ۱۲۶۰ ه ق که سال ظهور موعودادیان آسمانی و اسلام است بدست می آید.

۷ برای توضیح به آثار بهائی از جمله توقیع مورخ رضوان ۱۰۵ بدیع (۱۹۴۸م) از حضرت شوقی ربانی ولی امر بهائی و جانشین رسمی حضرت عبدالبهاء که در مجموعه «توقیعات مبارکه» ۱۰۹-۱۰۲ بدیع صص ۱۸۸-۹۹ مندرج است، و نیز کتاب «حال و آینده جهان» و انوار هدایت بند ۱۵۶۱، و ... مراجعه فرمائید.

۸ سؤالات ابدی مزبور در ذات و فطرت انسان قرار دارد و از آن ها گریز و گزیری نیست. انسان به عنوان مخلوق در طول تاریخ خود پاسخ هایی به آن ها داده و می دهد که در کتب فلسفی و غیره مذکور است. اما چون بحث ارتباط انسان با خدا در میان است، باید از خود خدا به عنوان خالق پرسید (در این مورد از جمله رجوع شود به: کتاب «پیام ملکوت»، صص ۳۳۲-۲۹۳؛ کتاب «دیانت بهائی آئین فراگیر جهانی» از ویلیام هاچرو داگلاس مارتین، صص: ۱۶۸-۱۲۵؛ و کتاب «فراسوی اختلاف مذاهب»، از اودو شفر).

۹ کتاب دریای دانش، ص ۱۳۶.

۱۰ همان ص ۲۱، و در کلمات مکنونه خطاب به انسان می فرماید: «أَحْبَبْتُ خَلْقَكَ فَخَلَقْتُكَ» (آفرینش تو را دوست داشتم پس تو را آفریدم).

۱۱ حقایقی چند درباره امر بهائی، نشر ۱۲۸ بدیع، ص ۶۲.

۱۲ «مجموعه الواح مبارکه» حضرت بهاء الله چاپ مصر، صص: ۳۱۵-۳۰۷؛ جزوه «درباره مسئله الوهیت» از دکتر نادر سعیدی.

۱۳ همان منابع و همان صفحات.

۱۴ دریای دانش، ص ۲۹.

۱۵ مائده آسمانی، ج ۸، ص ۱۰۷ معنی به فارسی: همانا خدا بندگان را آفرید و راه های هدایت و راهنمایی خود و راه های امر خود را به ایشان شناسانید و در ایشان قدرتی را آفرید که با آن بتوانند راه های حق را ببمایند. هر که در راهی که مولا پیش خواست سالک شد، همانا نجات و امنیت و اطمینان یافت، و کسی که از آن دوری گزید و رو برگردانید، همانا به خداوند قادر و بی نیاز کفر ورزید.

۱۶ دریای دانش، ص ۱۳۷.

۱۷ مجموعه مناجات های حضرت عبدالبهاء، چاپ آلمان، ص ۳۵۰.

۱۸ پیام رضوان ۱۳۹ بدیع.

۱۹ این بیت شعر مفهوم آیه مبارکه قرآن مجید، سوره ق آیه ۱۵ می باشد.

۲۰ کلمات مکنونه از حضرت بهاء الله.

۲۱ مائده آسمانی ۸ ص ۱۱۷.

۲۲ کلمات مکنونه.

۲۳ همان.

- ۲۴ امر و خلق، جلد ۳، ص ۴۳۱.
- ۲۵ برای نمونه به فهرستی از اعمال ناپسند مذکور در انجیل مرقس باب ۷ مراجعه شود. و نیز در قرآن مجید درجای جای آن تأکید فرموده است که خدا ظالمین، بد کاران، کافرین، مکذبین، مفسدین، بی تقویان،... را هدایت نمی کند.
- ۲۶ در این مورد به آثار حضرت شوقی ربانی، از جمله منتخباتی از آثار ایشان با عنوان «نظم جهانی بهائی»، ترجمه و اقتباس هوشمند فتح اعظم و توفیق «قَدْ ظَهَرَ يَوْمَ الْمِيعَادِ» مراجعه شود.
- ۲۷ در قرآن مجید سوره حشر آیه ۱۹ است که پیامد فراموش کردن خدا، فراموش کردن خود نیز می باشد. نیز رجوع شود به کتاب «جامعه سالم» از اریک فروم، ص ۳۷۶.
- ۲۸ در این مورد از جمله مراجعه شود به منبع مذکور در یادداشت ۲۶، و نیز بیانیه وعده صلح جهانی مورخ ۱۹۸۵، صادره از «بیت العدل اعظم» و کتاب گوهر یکتا، صص ۲۹۶-۳۰۲ و کتاب جامعه سالم اریک فروم صص ۳۶۸-۳۵۸. اریک فروم در همان جا چه خوب می نویسد که، «اعتراض و حمله ملحدین به وجود خدا خطاست، آنان باید مؤمنین را به دین خود فرا خوانند».
- ۲۹ لوح اشراقات از حضرت بهاء الله. اندیشمندان منصف عالم نیز بر آن چه حضرت بهاء الله تأکید ورزیده اند معترفند. از جمله آن ها، مورخ و جامعه شناس بزرگ آرنولد تویبینی (Arnold Toynbee) است که دین را قوه ای سرشته شده در طبیعت بشری داند که تأثیر کلی در نظم و اخلاق جامعه انسانی دارد.
- ۳۰ پیام ملکوت صص ۲۸۵-۲۸۴.
- ۳۱ همان، ص ۱۵۷. برای توضیح بیشتر درباره نص مزبور رجوع شود به رساله سیاسی از حضرت عبدالبهاء.
- ۳۲ همان، ص ۱۹۰.
- ۳۳ همان، ص ۲۸۱.
- ۳۴ همان، ص ۷۹ و نیز ص ۲۰۲ و ۳۶۲.
- ۳۵ همان، صص ۲۸۷-۲۸۶.
- ۳۶ مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱ ص ۳۱۹.
- ۳۷ مقاضات عبدالبهاء، صص ۵-۹.
- ۳۸ پیام ملکوت ص ۱۹۱ - در مورد لزوم دین، هم چنین به رساله مدینه از حضرت عبدالبهاء و بیانیه «وعده صلح جهانی» از بیت العدل اعظم و بیانیه «رفاه عالم انسانی» از جامعه بین المللی بهائی مراجعه شود.
- ۳۹ امر و خلق، جلد ۳ صص ۳۲۴-۳۲۱.
- ۴۰ کلمات مکنونه.

۴۱ سراسر کتب آسمانی حاکی از این حقیقت است. از جمله رجوع شود به: انجیل لوقا باب ۱۱؛ قرآن مجید؛ کتب تفاسیر اسلامی چون «اربعین»، «عوامل»، «کافی»، «بحار الانوار»؛... به عنوان نمونه رجوع شود به یادداشت ۵۶.

۴۲ علاوه بر منابع یادداشت ۴۱، رجوع شود به کتاب مستطاب ایقان از حضرت بهاء‌الله؛ آثار قلم اعلیٰ، ج ۷، صص ۱۳۰-۱۲۴؛ مفاوضات، ص ۱۰۳؛ امرو خلق ۳ صص ۳۲۰-۳۰۸، قد ظهر یوم المیعاد ...

۴۳ توقیع رضوان ۱۰۵ به قلم حضرت شوقی ربانی. برای توضیح مفصل درباره دو گروه مزبور رجوع شود به توقیع «قد ظهر یوم المیعاد» از حضرت شوقی ربانی.

۴۴ مائده آسمانی، ج ۳، ص ۴۷.

۴۵ امرو خلق ۳، صص ۳۱۴-۳۱۳. و نیز رجوع شود به کتاب ایقان صص ۱۳-۱۲ و ۸۲-۸۱.

۴۶ امرو خلق ۴، صص ۴۶۲-۴۶۱.

۴۷ همان، ص ۴۳۸.

۴۸ همان ص ۴۶۲. برای ملاحظه بعضی بیانات دیگر در همین مورد از جمله رجوع شود به لوح مقصود؛ مائده ۴ ص ۹۰، مائده ۷ ص ۱۲۴، امرو خلق ۴ ص ۴۶۲، نظم جهانی بهائی صص: ۴۶ و ۱۶۲ و ...؛ حال و آینده جهان؛ قد ظهر یوم المیعاد، و یادداشت ۵۳. این روند در همه کتب آسمانی به عنوان سنتی الهی مشهود است، چنان که در قرآن مجید نیز ضمن داستان های مکرر انبیای گذشته توضیح می فرماید که در اواخر دوره هر دین، مؤمنین و علمای آن، روح حقیقی و اصل دین خود را فراموش کرده، دچار غفلت و خرافات می شوند. در چنین وقتی خداوند فرستاده جدیدی را می فرستد تا آن روح حقیقی را تجدید فرماید، ولی مدعیان دین قبل نسخه فرستاده جدید الهی را که طیب حقیقی است رد می کنند و به این خاطر خداوند آن ها را در عذاب پیامدهای غفلت و اعمال باطله خود ایشان، گرفتار می سازد تا متنبه شوند و به سوی آن طیب الهی روی آورند. این حقیقت را از جمله در آیه ۶ سوره اسراء چنین می فرمایند: «ما كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا» (ما عذاب دهنده نیستیم مگر آن که اول رسولی می فرستیم). همین مضمون در تورات و انجیل نیز مشهود و مذکور است. (به یادداشت شماره ۱ مراجعه شود). همین حقیقت پاسخ این سوال نیز هست که اگر موعود ظاهر شده، پس چرا «عدل» دنیا را نگرفته است. بلی در احادیث است که قبل از ظهور موعود، دنیا را فساد و ظلم می گیرد، ولی آن چه در این جا نادیده انگاشته می شود نحوه رفع ظلم و استقرار عدالت است. در همان احادیث است که موعود، کره زمین را پراز عدل می کند؛ همانطور که از ظلم پر شد (بحار الانوار، کافی، ...)؛ می فرماید «همانطور» که از ظلم پر شد و بدیهی است که ظلم به تدریج عالم را فرا گرفته و رفع آن نیز در بستر زمان و در جامعه بشری، به تدریج باید صورت گیرد. و از نکات مهم آن که، چنان که در ادامه، ضمن شرح مختصر تاریخ حضرت باب خواهد آمد، در احادیث پیش بینی شده که قائم موعود و اصحابش مورد ظلم و بلا و حبس و شهادت نیز واقع خواهند

شد، که این خود روشنگر غلط بودن این برداشت اشتباه از غلبه فوری قائم بر دشمنان می باشد. به این ترتیب دو فساد و عذاب قبل و بعد از قائم موعود وجود خواهد داشت: یکی قبل از ظهورشان که محصول معلول فراموشی اسلام حقیقی و به وجود آمدن ضیق معارف معنوی است (کتاب ایقان مستطاب ص ۲۶-۲۳)، و دیگری عذاب حاصل از اعراض و انکار قائم موعود است که در فوق اشاره شد.

۴۹ ظهور عدل الهی، ص ۵۸.

۵۰ مکاتب ج ۴ ص ۳۷.

۵۱ خاطرات حبیب ج ۱ ص ۴۰۵.

۵۲ رجوع شود به «حال و آینده جهان» و پیام رضوان ۱۵۶ بدیع بیت العدل اعظم.

۵۳ مرکز جهانی بهائی، بیت العدل اعظم در پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰، پس از سقوط کمونیسم شوروی می فرماید: «نظام های دیگر که در قالب مدنیت مادی هنوز برجا و دائرمدار عالم انسان در این زمان است، چون از نشأت روح القدس محروم است و از قوه نافذه خلاقه الهیه ممنوع نیز سرنوشتی بهتر از آن نخواهند داشت و چنان به مشکلات لا ینحل اجتماعی و اقتصادی و اخلاقی گرفتار گردد که ناچار شکست پذیرد و از پای بست ویران شود.» نیز رجوع شود به پیام های شهرالعهزۃ ۱۳۵ بدیع، ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰، رضوان ۱۹۹۲، و شهرالعهزۃ ۱۴۴ بیت العدل اعظم. از یک فروم نیز در کتاب جامعه سالم، به انتقاد از کاپیتالیسم و کمونیسم پرداخته و هر دو را مادی و ناقص و دارای عیوب دانسته است (ص ۳۷۷)؛ و هم چنین دیگر اندیشمندان...

۵۴ بیانیه قرن انوار ص ۷۷. این بیانیه در تحلیل و روند تغییرات جهان و نیز روند سیر جامعه بهایی به موازات آن در قرن ۲۰، تحت نظریت العدل اعظم در نوروز ۱۵۸ بدیع (۲۰۰۱ م) تهیه شده است (ترجمه آن به فارسی در ۱۲۸ صفحه منتشر شده است).

۵۵ به نقل از ترجمه پیام رضوان ۱۶۳ بدیع (۲۰۰۶ م) بیت العدل اعظم.

۵۶ برای دیدن توصیف هر سه گروه مزبور، من جمله رجوع شود به بحارالانوار جلد ۱۳ و سایر کتب تفسیر درباره قائم موعود. به عنوان نمونه در بحارالانوار درباره علمای فاسد زمان ظهور موعود می فرماید: «فُقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمانِ شَرُّ فُقَهَاءِ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْهُمْ خَرَجَتِ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَعُودُ» یعنی فقهای آن زمان بدترین علما زیر آسمان ها هستند. هر فتنه ای از آن ها ظاهر می شود و به خود آن ها بر می گردد. در همین بحارالانوار در علائم ظهور است که سلاطین و امرای وقت نیز ستمکار خواهند بود، «لا یری فیہ الا سلطاناً جائراً» و «یجلبُ بِأُمَّتِی فی آخِرِ الزَّمانِ بَلَاءٌ شَدِیدٌ ... من سُلطانِهِمْ» و ... نیز به یادداشت شماره ۴۱ و ۴۲.

۵۷ در خود کتب آسمانی قبل و اسلام عزیز نیز به حقیقت مزبور اشاره شده است، چنان که حضرت محمد(ص) درباره ظهور موعود می فرماید: «یَأْتِی عَلَی أُمَّتِی بَزَمَنٍ لَا یَبْقِی مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَلَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ، فَحَیْثُمَا یَأْذُنُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَهُ بِالْخُرُوجِ فِیْظُهِرُ اللَّهُ الْإِسْلَامَ بِهِ وَ یُجَدِّدُهُ» یعنی زمانی می آید که در میان امت من باقی نمی ماند از اسلام جز اسمی و از قرآن جز خطوط و رسمی. در چنین وقتی

خدای تبارک و تعالی مهدی موعود را به اظهار امر مأمور خواهد فرمود و به سبب او دین اسلام- که دین سلامتی و تسلیم در برابر اراده الهی است (به یادداشت شماره ۶۳ مراجعه شود)- ظاهر می شود و آئین الهی تجدید می گردد (برای دیدن مآخذ اسلامی آن به کتاب «فرائد» از جناب ابوالفضائل گلپایگانی، و رساله جناب صدرالصدور مراجعه فرمائید).

۵۸ ترجمه به نقل از «فراسوی اختلاف مذاهب» ص ۱۰۵.

۵۹ آثار قلم اعلی، ج ۶، ص ۲۶۴ منظور از مطالع ظنون و اوهام، رهبران و علمای غافل است که در متن ذکرشان رفت.

۶۰ در جامعه شناسی نیز پدیده ای مطرح است تحت عنوان «قوم مداری» که طبق آن يك قوم خود را بالنسبه به بقیه مدار عالم و برگزیده امم می داند (به «زمینه جامعه شناسی» ترجمه آریا نپور و سایرکتب مربوط مراجعه شود).

۶۱ از جناب نعیم شاعر معروف بهائی.

۶۲ در این مورد علامه مرحوم فیض کاشانی در تفسیر صافی در ذیل آیه قرآن، «اِفْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْتَشَقَّ الْقَمَرُ»، می نویسد: «الْقَمَى قَالَ اِقْتَرَبَتِ الْقِيَامَةُ فَلَا يَكُونُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا الْقِيَامَةُ وَقَدْ انْقَضَتِ النَّبُوَّةُ وَ الرَّسَالَةُ. قَالَ وَرَوَى اِيضًا قَالَ خُرُوجُ الْقَائِمِ» (به نقل از قاموس ایقان، ج ۱، ص ۵۶، برای معنی حقیقی قیامت به یادداشت شماره ۶۷ مراجعه شود).

۶۳ برای توضیح مفصل دعاوی خاتمیت و انحصار حقانیت يك دین توسط علمای هریک از ادیان در کور آدم و معنی حقیقی آن و این که هر دین و امت آن دوره و اجل و پایانی دارد، به کتب کثیره بهائی مراجعه شود. از جمله: «ایقان»، «جواهر الاسرار»، «لوح شیخ نجفی»، «سوره ایوب»، «آثار قلم اعلی»، ج ۷، صص ۲۳۳-۲۲۷؛ «مائده آسمانی»، ج ۷، ص ۶۹ (همه این ها از آثار حضرت بهاءالله)؛ فرائد؛ قاموس ایقان، ج ۱، صص ۳۲۰-۲۶۱؛ جزوه خاتمیت تالیف روحی روشنی؛ اسرارالآثار، ج ۳، ذیل لغت خاتم؛ دلائل العرفان... و برای دیدن منظور از کامل بودن هر دین و از جمله اسلام، که منظور از آن کامل شدن رسالت و ماموریت هر پیامبر در دور خود می باشد، علاوه بر رجوع به منابع مذکور، مراجعه فرمائید به ترجمه کتاب اصول کافی از مرحوم کلینی، چاپ تهران، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۲۸۴، ج ۲، ص ۴۹. و برای ملاحظه معنی و منظور از آیات ۱۹ آل عمران، «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»، و همان سوره آیه ۷۹، «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ»، که در آن منظور از اسلام، مفهوم عام آن به عنوان دین کلی «تسلیم در برابر اراده خدا» که حقیقت دین همه ادیان کور آدم است، می باشد و نه اسلام خاص محمدی، علاوه بر همان منابع فوق مراجعه فرمائید به کتاب «قرآن در اسلام» از استاد علامه سید محمد حسین طباطبائی چاپ دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، صص ۱۲-۱۱. شایان ذکر است در بین پیروان و علمای ادیان دیگر نیز همین شبهه خاتمیت و کامل بودن مطرح است. به عنوان نمونه مراجعه فرمائید به: سفر خروج تورات، باب ۲۷ آیه ۲۱، و باب ۳۱، آیه ۱۶؛ مزامیر داوود، ۱۱۹، آیه ۴۴،

و مزمور ۱۹ آیات ۷-۸ (در یهودیت)؛ انجیل متی، باب ۵ آیات ۱۸-۱۷؛ انجیل لوقا، باب ۱۶، آیات ۱۷-۱۶ و باب ۲۱، آیه ۳۳؛ انجیل متی، باب ۲۴، آیه ۳۵؛ انجیل مرقس، باب ۱۴، آیه ۳۱ (در مسیحیت).

۶۴ برای دیدن توضیحات مفصل در این مورد به آثار بابی و بهائی و از جمله کتب مذکور در یادداشت ۶۳، و نیز کتاب «بیان فارسی» از حضرت باب؛ تفسیر سوره «والشمس» از حضرت بهاءالله؛ مفاوضات؛ برهان واضح؛ رساله استدلالیه صدرالصدور؛ محاضرات؛ استدلالیه منثور و استدلالیه منظوم نعیم؛ فصل الخطاب؛ استدلالیه افشار؛ چهار جلد قاموس ایقان، دلائل العرفان؛ بهجت الصدور؛ انوار هدایت؛ گلشن حقایق، «استدلالیه اهل حق، از صحیح فروش» و سایر کتب استدلالی بهایی مراجعه شود. شایان ذکر است که کلمات و حیاتی دارای معانی باطنی و ظاهری زیادی است که باید با توجه به مقام آن تشخیص داد کدام وجه از معنی آن مورد نظر است. حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب ایقان و نیز تفسیر سوره «وَالشَّمْسُ» قرآن مجید، مندرج در مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر، ص ۱۷-۲، این حقیقت را توضیح فرموده اند.

۶۵ به منابع یادداشت ۶۴ مراجعه شود.

۶۶ کتاب امر و خلق جلد یک و دو در یک مجلد، ص ۴۰۶. برای اصل تطابق علم و دین، رجوع شود به کتاب پیام ملکوت، صص ۹۵-۷۴،...؛ دیانت بهائی آیین فراگیر جهانی، صص ۱۲۳-۱۲۰؛ مجلدات خطابات و مکاتیب حضرت عبداله‌بهاء.

۶۷ به عنوان نمونه یکی از چند معنی قیامت، قیام موعود یک دین است، چنان که در انجیل یوحنا باب ۱۱، آیه ۲۴ تا ۲۶ می نویسد: «... به وی گفت می دانم که (برادرم) در قیامت روز باز پسین خواهد برخاست. عیسی بدو گفت من قیامت و حیات هستم؛ هر که به من ایمان آورد اگر مرده باشد زنده گردد و هر که زنده بود و به من ایمان آورد تا به ابد نخواهد مرد...» و از همین بیان روشن است که منظور از زنده شدن مردگان نیز زنده شدن به حیات ایمانی است. عین همین مفهوم درباره موعود اسلام در آثار اسلامی ذکر شده است، چنان که در تفسیر صافی و بحارالانوار معنی آیه ۱۶ سوره حدید «إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» از حضرت باقر روایت شده، «يَحْيِيهَا اللَّهُ تَعَالَى بِالْقَائِمِ بَعْدَ مَوْتِهَا، يَعْنِي كُفْرَ أَهْلِهَا وَ الْكَافِرِ مَيْتٍ» (خدا زمین را زنده می گرداند به قائم بعد از مردن آن؛ یعنی کافر شدن اهل آن و کافر مرده است). و در ترجمه بحارالانوار، ج ۱۳ طبع ۱۳۳۲ ه ق، ص ۲۸۰، در تفسیر آیه ۶۹ سوره زمر، «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»، از حضرت صادق روایت شده، «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» (روزی که قائم ما قیام فرماید زمین به نور پروردگارش روشن گردد). و نیز فرموده است، «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، قَامَتِ الْقِيَامَةُ» (هنگامی که قائم قیام کند، قیامت بر پامی شود). و همین معنی را مولانا جلال الدین رومی (مولوی) در مثنوی خود تکرار نموده است:

هین که اسرافیل وقتند اولیا / مرده را زیشان حیات است و نما

جانهای مرده اندرگورتن / بر جهد زاوآزشان اندر بدن... الخ.

وچنین بوده است که صاحب «کتاب مرآت الانوار» احادیث مربوط به تاویل آیات متشابهات را مورد بحث قرار داده و پس از مشاهده اخبار واحادیث ائمه اطهار (ع) درباره معنی «قیامت» اعتراف نموده است که کلیه آیات قرآن درباره قیامت کبری، تاویل به «قیام قائم موعود» شده است. (دراین مورد همچنین مراجعه شود به قاموس ایقان، ج ۱، صص ۵۷-۵۲، وجلد‌های دیگر آن ذیل لغت قیامت، ونیز کتب مذکور در یادداشت ۶۴).

۶۸ برای توضیح نامحدودبودن «کمالات» مراجعه شود به مفاوضات، ص ۱۷۹-۱۷۴.

۶۹ رجوع شود به یادداشت ۵۲ ونیز «ظهور عدل الهی»؛ با نظم جهانی بهائی؛ بیانیه وعده صلح جهانی.

۷۰ پیام ملکوت، صص ۱۹۶-۱۹۵.

۷۱ همان، ص ۱۹۷.

۷۲ همان، صص ۱۶۶-۱۶۵.

۷۳ طبق آماری، تاریخ ۶۰۰۰ ساله بشر، فقط ۲۰۰ سال، اگر متوالی حساب شود، خالی از جنگ

بوده (حکایت دل، علی اکبر فروتن، ص ۳۰۹).

۷۴ پیام ملکوت، صص ۱۶۹-۱۶۷.

۷۵ همان، ص ۱۷۱.

۷۶ همان، ص ۱۷۵.

۷۷ همان، ص ۱۷۶.

۷۸ همان، صص ۱۷۹-۱۷۸.

۷۹ همان، صص ۱۸۲-۱۸۱.

۸۰ ترجمه نظم جهانی بهائی، ص ۱۰۳.

۸۱ جزوه دیانت بهائی يك آئين جهانی.

۸۲ برای بحث مفصل حقایق مزبور، از جمله مراجعه شود به: لوح مقصود؛ آثار قلم اعلی، جلد ۷،

صص ۱۲۸-۱۲۵، لوح حضرت بهاءالله خطاب به ملکه ویکتوریا (انگلستان)، خطابات عبدالبهاء ج ۲،

ص ۷۴ و ۲۶۷ به بعد و ۳۲۱ به بعد و ۲۵۵ به بعد، و ص ۶۰ به بعد، و ص ۴۳؛ پیام ملکوت، صص ۹۹،

۵۹۴، ۱۲، ۱۲۵، ۲۶۰، ۲۷۸، ۴۳، ۲۷۴؛ ۴۲-۷۴، ۱۰۱-۹۶، ۲۷۸-۲۴۴، رساله مدنیه

ص ۷۲ و ۷۱؛ مائده آسمانی، ج ۵، ص ۴۱؛ ...، امروخلق ج ۳، ص ۲۰۱ و ۲۵۸؛ مکاتیب عبدالبهاء

جلد ۱ ص ۴۰۴؛ امروخلق ج ۴، ص ۴۶۸، ...، خطابات ۱ ص ۴۴ و ۴۵ و ۵۹ و ۲۱۷؛ ...؛ مکاتیب ج ۳

ص ۱۰۷ (لوح لاهای) و ۱۰۹، ...، قد ظهر یوم المیعاد، نظم جهانی بهائی، حال و آینده جهان، بیانیه وعده

صلح جهانی، پیام ۹ شهرالعزه ۱۳۵، زمینه جامعه شناسی ترجمه آریانپور صص ۳۸۶-۳۸۵ و ۴۰۰-۳۹۹ و

فصل ۱۹، و ۳۹۳-۳۹۲؛ مبانی سیاست، عبدالحمید ابوالحمد، ج ۱ ص ۸۷؛ کتاب «کلیات فلسفه» پاپکین

واسترو صص ۱۸۵-۱۸۶، ۱۳۷-۱۴۲؛ شناسایی وهستی، ترجمه دکتر داودی فصل ۱۰ و صص ۱۳۲؛ جامعه سالم، اریک فروم صص ۲۸۱-۲۶۴ و ۸۷-۸۶؛ مکاتب سیاسی معاصر از ویلیام اینشتاین و ادوین فاکلمان؛ روانشناسی اجتماعی، الیوت ارونسون، فصل ۶؛ دانشنامه سیاسی آشوری ذیل لغت جنگ؛ سیمای نظام اقتصاد بهائی، جناب بخت آور صص ۲۴-۲۷...

۸۳ آثار قلم اعلیٰ ص ۱۳۰-۱۲۴.

۸۴ برای دیدن بشارات مزبور علاوه بر منابع مذکور در یادداشت های ۶ و ۶۲ تا ۶۷ و ۶۴، رجوع شود به الواح ملوک از حضرت بهاء الله و چهار جلد کتاب «قرن بدیع» از حضرت ولی امرالله و کتیری دیگر از آثار بابی و بهائی.

۸۵ لزوم آشکار شدن ادیان آسمانی و توجه به جنبه های روحانی حیات بشری در بحرانی ترین شرایط جامعه انسانی، مورد تاکید متفکرین جهان نیز می باشد؛ متفکرینی چون تولستوی، آرنولد توین بی، سوروکی، اریک فروم، فریتجوف کاپرا، الوین تافلر، مارلین فرگوسن، جان نایزبت، اروین لازلو،... در مورد ایشان و نظراتشان از جمله رجوع شود به کتاب دیانت بهائی آئین فراگیر جهانی، صص ۲۶۸-۲۶۶؛ مجله آهنگ بدیع، شماره ۳۴۵، سال ۳۲، مقاله آراء و اندیشه ها درباره بحران کنونی جهان؛ ایران زادگاه آئین بهائی، از ج فناپیان؛ کتاب دوران دگرگونی در علم، «جامعه و فرهنگ جهانی»، از فریتجوف کاپرا؛ «باغبانان بهشت خدا»؛ فراسوی اختلاف مذاهب؛ «جامعه سالم»؛ جهان در آستانه قرن ۲۱، از هوارد پرلموتر؛... به عنوان نمونه اریک فروم در جامعه سالم صص ۳۶۸-۳۵۸ می نویسد: «آیا بدون توجه به دین می توان از تحول روحانی و معنوی جامعه سخنی به میان آورد؟ ... نایجا نیست اگر عقیده داشته باشیم دین جدیدی که در چند صد سال آینده گسترش خواهد یافت، دینی که مربوط به رشد انسان است، دارای شمول و خصوصیت جهانی بوده، انسانها را بهم متحد گردانده، کلیه دستورات انسانی ادیان شرق و غرب را در برداشته، دکتین آن مخالف بصیرت منطقی انسان امروز نبوده و تاکید بر زندگی خواهد داشت... البته نمی توان دین را اختراع کرد، بلکه معلم بزرگی آن را عرضه می کند، همانطور که در قرن های گذشته به موقع به ظهور رسیده است.»

۸۶ مورد مشابه نزدیکی دوظهور پی در پی، مربوط به ظهور حضرت یحیی بن زکریا، یا یوحنا تعمید دهنده است که در عین این که مبشر و مژده دهنده به ظهور حضرت مسیح بودند، خود نیز نبی مستقل و صاحب احکام و امت بودند. حضرت مسیح در ایام دعوت حضرت یحیی، به دست وی تعمید یافتند، در حالی که مقامشان از یحیی بالاتر بود (کتاب بدیع، صص ۱۶۳-۱۶۰؛ انجیل یوحنا، باب ۱). حضرت یحیی به فرمان هرود (آنتیپاس) به شهادت رسیدند. شباهت های زیادی بین دوظهور پی در پی حضرت یحیی و مسیح، با دوظهور حضرت باب و بهاء الله وجود دارد که در کتب بهائی به آن اشاره شده است.

۸۷ رجوع شود به یادداشت ۶ و ۸۴. طبق بند ۱۴ از رساله یهودا از متون مسیحی، حتی از خنوخ که هفتمین پشت حضرت آدم بوده است. (تورات سفر پیدایش باب ۵ آیه ۱۹) نیز درباره دوطهور جدید خبر داده شده است.

۸۸ به منابع مذکور در یادداشت ۶۴ مراجعه شود.

۸۹ شایان ذکر است که هندوها نیز معتقدند کریشنا باز خواهد گشت و نیز بودائیان معتقد به ظهور موعود خود به نام میترا که بودای پنجم و بودای محبت و اخوت و صلح جهانی است، می باشند که در یوم آخر قیام خواهد کرد و جهانیان را به صلح و وحدت دعوت خواهد نمود (قرن بدیع جلد ۲ صص ۲۰-۱۶؛ تاریخ آئین مزدیسنی، آئین هندو، آئین بودا و کنفوسیوس، از محمد علی فیضی، چاپ کیهان، ۱۴/۶/۴۷، ص ۱۰۷).

۹۰ در این مورد که علت ایمان یا عدم ایمان به یک ظهور جدید، اعمال و رفتار خوب و بد خود مردم است به اوایل بحث «لرزم دین و ضرورت تجدید و استمرار ادیان» در همین متن و یادداشت های ۲۶-۲۲ رجوع فرمائید.

۹۱ همان.

۹۲ برای توضیح مفصل به منابع مذکور در یادداشت های ۶۴ و ۶۷... مراجعه شود.

۹۳ به یادداشت ۶ مراجعه شود.

۹۴ حتی مدت زمان مراحل تدریجی ظهور حضرت باب نیز در قرآن مجید و احادیث اسلامی ذکر شده است، چنان که در بحار الانوار جلد ۱۳، مدت ظهور قائم را ۵ سال، ۷ سال، ۹ سال ذکر نموده است و سال ۱۹ از ظهورشان را نیز نهایت مدت آئینشان مقرر فرموده است؛ به این ترتیب که تا قبل از سنه ۵، ادعای بابت و قائمیت فرمودند، تا قبل از سنه ۷ مظهریت و استقلال آئین خود را علنی فرمودند، و در سنه ۹ نیز که دوره بابی تمام و دوره موعود حضرتشان، یعنی حضرت بهاء الله آغاز گردید. در همین جا باید اشاره شود که امور مربوط به موعود ادیان در کتب قبل ذکر شده است. (از جمله برای دیدن حدیث مربوط به سنه ۵ و ۷ و ۹ و ۱۹ رجوع شود به ردیه مفتاح باب الابواب، ص ۴۳ و کتاب بحار الانوار، جلد ۱۳).

۹۵ منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی، نشر ۱۳۴ صص ۸۵-۸۴.

۹۶ دلایل السبعه از حضرت باب. در احادیث اسلامی نیز آمده است که از اعلامت های قائم موعود تقیه و مخفی نمودن مقامشان می باشد. (ایقان، ص ۱۹۷؛ بحار الانوار ج ۱۳) شاید همین روش تقیه بوده است که بعدها ردیه نویسان علیه امر بابی نوشتند حضرت باب توبه کرده اند و برای اثبات آن جعلیات و اکاذیبی ترتیب دادند، حال آن که ایشان ابداً توبه نکردند و رسالتشان را به پایان رساندند و در راه امرشان تا آخر زندگی تحمل بلایا کردند و شهید هم شدند. چنان که بر عدم توبه ایشان حتی دشمنان ایشان نیز گواهی دادند (مثل کریم خان کرمانی شیخی؛ و زعیم الدوله در کتاب مفتاح باب الابواب). برای بحث مفصل در این مورد رجوع فرمائید به کتاب «بیان حقایق» که نویسنده آن جناب سید عباس علوی خود قبل از ایمان به ظهور بابی و بهائی از علمای مذهبی شیعه و مدرسین حوزه علمیه مشهد و صاحب مقام و منبر بوده است.

سایر انبیاء نیز به علل مشابه ادعای خود را تدریجی آشکار می فرمودند، چنان که حضرت محمد نیز حداقل ۳ سال مخفیانه دعوت به رسالت خود می فرمودند. حضرت مسیح نیز چنین کردند (رجوع شود به متی ۱۷ آیه ۲۰؛ لوقا ۹ آیه ۲۱، و ۲۳ آیه ۴-۳؛ انجیل یوحنا ۱۶، آیه ۳۱-۲۵).

۹۷ رجوع شود به ایقان؛ فصل الخطاب؛ رساله استدلالیه صدرالصدور؛ بحارالانوار، ج ۱۳؛ اصول کافی؛ ...

۹۸ در این مورد برای دیدن اسامی بعضی از آن ها مراجعه شود به ایقان ص ۱۷۹-۱۷۲.

۹۹ در این مورد به توضیحات بی نظیر حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب ایقان، صص ۱۷۲-۱۵۵ مراجعه فرمائید. سرعت قلم و حیاتی ایشان فقط بین مؤمنان معروف نبوده؛ بلکه حتی دشمنان ایشان نیز در کتب ردیه شان، به آن شهادت داده اند (به عنوان نمونه کتاب «تحقیق در تاریخ و عقاید شیخی گری، بابی گری، بهائی گری، ... و کسروی گرایی» از دکتر یوسف فضائی، با تجدید چاپ در سال ۱۳۶۳ ه ش، ص ۱۳۸). «به شهادت خودشان در هر ۵ ساعت ۱۰۰۰ بیت نازل می فرمودند و در دوشبانه روز معادل تمام قرآن مجید از قلمشان نازل به طوری که فقط در ۳ سال اول ظهورشان (یعنی تا سجن ماکو) بیش از ۵۰۰۰۰۰ بیت نازل فرمودند (نیم میلیون بیت در سه سال) در مقایسه با حدود ۶۰۰۰ آیه قرآن در ۲۳ سال.» (سلطان رسل حضرت رب اعلی، ص ۵۰).

۱۰۰ در حدیثی می فرماید: «يَهْدِيْكُمْ مَا كَانَتْ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ أُمَّرَ الْجَاهِلِيَّةِ» (ازین می برد آن چه را که قبل از او بود همانطور که حضرت محمد جاهلیت را منهدم فرمود). و نیز: «تمام ادیان و مذاهب را از میان برمی دارد تا جز دین خالص، دینی و مذهبی در عالم باقی نماند... پس بدعتی را نمی گذارد مگر آن که آن را زائل و باطل می کند.» و منظور از جاهلیت مزبور و مذاهب ناخالص، همان تعصبات و تقلید و بدعت هایی است که علما و مجتهدین فاسد به ادیان الهی بسته اند. چنان که در حدیث می فرماید: «... در زمان وی جز دین خالص از رای و نظر باقی نخواهد ماند، در غالب احکامش با آراء علما مخالفت می کند. به این جهت آنان از آن آقا ملول می شوند، زیرا خواهند دانست که بساط اجتهاد آنان درهم پیچیده می شود.» و به دلیل آوردن همین دین خالص و کتاب و احکام جدید است که اکثر دشمنان ایشان نیز از علمای مذهبی بودند، چنان که باز در حدیث می فرماید: «ظاهر می شود از بنی هاشم جوانی صاحب کتاب و احکام جدید... و بیشتر دشمنان او علما هستند.» (برای همه این احادیث رجوع شود به: ایقان؛ بحارالانوار ج ۱۳؛ وردیه مفتاح باب الابواب از زعیم الدوله، ترجمه حسن فرید گلپایگانی؛ صص ۳۰-۴۳ و ...)

۱۰۱ کتاب بدیع، ص ۱۴۶؛ منتخب آیات از آثار حضرت نقطه اولی؛ نشر ۱۳۴ بدیع.

۱۰۲ برای دیدن نمونه هایی از آن ها رجوع شود به «منتخب آیات از آثار نقطه اولی»؛ کتاب نقطه اولی از محمد علی فیضی؛ و ...

۱۰۳ برای دیدن نمونه هایی از این پیشگویی ها رجوع شود به کتب «دلایل العرفان»؛ «فرائد»؛ «فصل الخطاب»؛ «استدلالیه منثور و منظوم نعیم»؛ «استدلالیه صدرالصدور»؛ «گلشن حقایق»؛ «استدلالیه اهل حق»؛

...پیش گویی هایی از این قبیل: نام و نسب و سال و محل ظهور و مدت دوره دینشان، کتاب و تعالیم جدیدشان، بلا و شهادت خود و اصحابشان، دو غیبت صغری و کبرایشان برخلاف مفهوم وهم آلود غیبتی که بیش از ۱۰۰۰ سال تصور شده است و صفات خود و اصحابشان، دشمنان ایشان که اکثر از علمای مذهبی بودند و حتی زمان و محل قیام آن ها علیه قائم، و... که تماماً واقع شد.

۱۰۴ برای ازین بردن تقلید و اوام و تعصبات مزبور است که حضرت باب در کتاب بیان فارسی عمداً قوانین و احکام شدیدی تشریح فرمودند. چنان که با بررسی مختصری روشن می گردد که بسیاری از احکام بیان فقط برای منظور فوق تشریح شده و نه به عنوان دستوراتی که برای مدتی کوتاه یا طولانی قابل اجرا باشد. (قرن بدیع ج ۱؛ انوار هدایت بند ۱۵۴۵).

۱۰۵ سلطان رسل، حضرت رب اعلی، ص ۶۹، نیز رجوع شونده یادداشت ۱۰۸.

۱۰۶ بیان فارسی، باب ۱۴ از واحد ۶؛ مائده آسمانی، ج ۷، ص ۴۰؛ کتاب بدیع.

۱۰۷ مائده آسمانی، جلد ۷، ص ۳۰۹.

108 منتخبات آیات از آثار نقطه اولی، ص ۷۳.

109 بیان فارسی. اشارات و بشارات حضرت باب درباره ظهور موعودشان، حضرت بهاء الله زیاد است، و از جمله اشارات صریحی که فرموده اند تعیین دو تاریخ حداقل و حداکثر ۱۲۶۹ (سنه ۹ از ظهورشان) و ۱۲۷۹ (۱۹ سال پس از ظهورشان) برای وقوع مراحل تدریجی سری و علنی ظهور حضرت بهاء الله می باشد (در این مورد از جمله رجوع شونده سلطان رسل حضرت رب اعلی، ص ۶۹-۶۱) و چنان که در یادداشت ۹۴ ذکر شد در بحار الانوار نیز در حدیثی، سنه ۹ از ظهور حضرت باب، پایان دوره امرایشان ذکر شده است که مصادف با آغاز ظهور بهائی می شود.

۱۱۰ تورات، سفر پیدایش، باب ۲۵. اشعیا فصل ۱۱ آیات ۱ تا ۱۰؛ مفاوضات، ص ۴۸ به بعد.

۱۱۱ پدر حضرت داود. کتاب اول سموئیل، باب ۱۶، آیه ۱۸.

۱۱۲ قرن بدیع، ج ۲، ص ۱۸-۱۷. رسائل و وقائم، ص ۴۷-۴۱.

۱۱۳ به یادداشت شماره ۸۶ مراجعه شود.

۱۱۴ این واقعه علاوه بر تواریخ بهائی، در تواریخ دیگر نیز ذکر شده است. از جمله روزنامه وقایع اتفاقیه که روزنامه رسمی آن موقع بوده است. (قاموس ایقان، ج ۲، ص ۸۴۰-۸۲۵). این واقعه نیز در احادیث مربوط به ظهور قائم، از جمله در روضه کافی از حضرت صادق ذکر شده و در آن آمده است که ۸۰ نفر عالی مقام در ری (طهران) به دست اولاد عجم یعنی ایرانیان کشته می شوند (ایقان ص ۱۹۱) و در جائی دیگر است که کبار اصحاب کشته می شوند جز یکی از آن ها (حضرت بهاء الله) که باقی می ماند و به عکا می رود و اهل زمین را متحد می فرماید. (شرح استدلالیه منظوم نعیم، تالیف اشراق خاوری، ج ۱، ص ۴۶۳).

۱۱۵ حضرت باب می فرماید: «وفی سنه التسع انتم کُلَّ خیر تُدرکون» و در جای دیگر: «وفی سنه التسع انتم یلقاء الله تُرزقون». (یعنی در سنه ۹ شما همه خیر را درک خواهید کرد و به لقای خدا مرزوق خواهید شد).

قابل توجه است که در فرهنگ کتب آسمانی منظور از دیدار خدا، ایمان به دو موعود کل ادیان آسمانی است که در آخر زمان کورآدم ظاهر می شوند. در این مورد به منابع یاد شده در یادداشت های ۶۴ و ۱۰۹ مراجعه شود.

۱۱۶ به یادداشت های ۶۴ و ۱۰۹ مراجعه شود.

۱۱۷ همانطور که در یادداشت ۹۹ درباره سرعت قلم حضرت باب آمد، قلم و حیاتی حضرت بهاء الله نیز بسی سریع تر از آن بود؛ به طوری که در یک شبانه روز معادل کل قرآن از قلمشان نازل می شد، و به شهادت خودشان، در یک ساعت معادل هزار بیت؛ یعنی چیزی حدود ۵ برابر سرعت قلم حضرت باب (قرن بدیع، ج ۲، صص ۱۴۵ و ۲۴۶).

۱۱۸ ادعیه حضرت محبوب، ص ۳۹۳.

۱۱۹ مجموعه اشراقات، ص ۱۳۴-۱۳۳.

۱۲۰ آثار قلم اعلی، ج ۷، ص ۱۳۰-۱۲۴.

۱۲۱ دیانت بهائی یک آئین جهانی، ص ۶.

۱۲۲ این روند حدود ۱۵۰ سال است که آغاز شده و هنوز ادامه دارد و خواهد داشت تا وقتی که درمان پزشک الهی زمان، حضرت بهاء الله، مورد توجه جهانیان قرار گیرد (قد ظهر یوم المیعاد؛ حال و آینده جهان؛ ...). خطاب ها و الواح به ملوک و رؤسای ادیان چندین دهه است که چاپ شده و در دسترس است. هموطنان و خوانندگان عزیز به آن ها مراجعه فرمایند. در این مورد نمونه هایی از آثار بهائی قبلاً ذکر شد. این نمونه ها در متن مربوط به یادداشت های ۴۸ تا ۵۷ مندرج است حتماً مراجعه شود.

۱۲۳ از نکات حیرت انگیز، آن که در کتب آسمانی و متون دینی کورآدم، اشارات و بشاراتی است که منطبق با جانشینی حضرت عید البهاء و حضرت ولی امر الله و نیز تشکیل بیت العدل اعظم است (۴ جلد قرن بدیع؛ رسائل و رقاظم جناب ابوالفضائل، ص ۱۵۰؛ انوار هدایت؛ ارکان نظم بدیع؛ ...)

۱۲۴ مشابه با حضرت باب شوون مربوط به ظهور حضرت بهاء الله نیز در متون دینی قبل پیش بینی و بشارت داده شده. از جمله نام و نسب و محل و سال ظهور و مدت رسالت و اعظمت مقام ایشان نسبت به رسل سابق، حالات اصحابشان و هجرتشان به اراضی مقدسه و عکا و نسخ حکم جهاد و... (در این مورد مراجعه شود به همان منابعی که درباره بشارت راجع به حضرت باب در یادداشت های قبلی. از جمله شماره ۱۰۳ ذکر شد). به عنوان نمونه در احادیث اسلامی درباره رجعت حسینی که ظهور حضرت بهاء الله است، دوره رسالت ۴۰ ساله ایشان و این که مهدی را امام حسین دفن می نماید (بحار الانوار، ج ۱۳؛ استدلالیه منظوم نعیم) و عیسی (حضرت بهاء الله) رجعت می نماید (منظور رجعت صفاتی است، نه ذاتی) و پیرو مهدی (حضرت باب) می شود و پشت سر او نماز می گذارد، آمده است که تماماً چنین نیز شد و طبق دستور حضرت بهاء الله بقایای جسد حضرت باب را حضرت عبدالبهاء در حیفنا دفن کردند، و نیز حضرت بهاء الله قبل از اظهار امر خودشان، بابتی بودند و پیرو حضرت باب.

۱۲۵ برای ملاحظه عاقبت ظالمین مزبور از جمله مراجعه شود به: قد ظهر یوم المیعاد؛ حال و آینه جهان؛ چهار جلد قرن بدیع؛ توقیع نوروز ۱۰۱ بدیع؛ ...

۱۲۶ از جمله آن عبارتند از: ملکه ماری از رومانی؛ نوفل افندی طرابلسی؛ شیخ محمد عبده، عبدالرزاق الحسنی نویسنده عرب؛ اقبال لاهوری، گاندی، چیکاگوف و جیساوا، ادوارد بنش و مازاریک هردو از رؤسای اسبق جمهوری چکسلواکی؛ مادام ایزابل گرنزواسکی، هلن کلر، مارکوس باخ، ادوارد مونته، گوینو، ادوارد برون، بعضی روسای جمهور آمریکا چون ویدرو و ویلسون و فرانکلین روزولت، دیونی سیوس اس دیواریس یونانی، پروفیسور هربرت میلر، پروفیسور توماس کلی چین، چارلز بودین، پروفیسور آرمینیوس وامبری، پروفیسور بنیامین جوت، آندره کارنگی، آدمیرال پری کاشف امریکایی قطب شمال، الکساندر گراهام بل، دیوید استار، آگوست فورل، هنری برگسون، تولستوی، اروین لازلو متفکر فرانسوی، پروفیسور وارن واکار، سید محمد علی جمال زاده، دکتر عباس اقبال آشتیانی، استاد مجتبی مینوی، استاد ناصرالدین صاحب الزمانی، دلارام مشهوری در کتاب رگ تانک، گروه آریا در سایت اوهام زدایی؛ احمد اشرف؛ بعضی شخصیت های جهانی در سازمان ملل؛ ... برای دیدن نظرات بی نظیر آنان از جمله مراجعه شود به دو جلد بدایع الآثار؛ خطابات عبدالهء؛ ۴ جلد قرن بدیع، دیانت بهائی یک آئین جهانی، «اظهارات و شهادت مستشرقین و نویسندگان و بزرگان ممالک غرب» از ذکر الله خادم؛ دیانت بهائی آئین فراگیر جهانی؛ بیانیه قرن انوار، مورخ نوروز ۱۵۸؛ ایران زادگاه آئین بهائی؛ مجلدات کتاب «عالم بهائی»؛ «اقداح الفلاح»؛ «باغبانان بهشت خدا»؛ «ایران آینده» از جمشید فنائیان؛ برهان واضح؛ مجلدات پیام بهائی؛ دایره المعارف بریتانیکا؛ رگ تانک؛ سایت های اینترنتی جامعه بهائی در سراسر دنیا مثل:

www.persian-bahai.org, news.persian-bahai.org, reference.persian-bahai.org,

www.aenebahai20.info, www.noghtenazar2.info, www.negah28.info,

www.velvehdarshahr31.info, www.ohamzodai.com, www.bahairadio.org

و روزنامه های مشهوری چون لوموند، تایمز، فرانکفورتر آلگمانه، زایتونگ، ...؛ و فرهنگ معین، ج ۵،

ص ۳۶۳، و یادداشت شماره ۱۳۳، ...

۱۲۷ ایران زادگاه آئین بهائی ص ۶۴.

۱۲۸ دیانت بهائی آئین فراگیر جهانی، ص ۵. همانطور که از متن مشهود است دو دین بابی و بهائی فرقه هائی از اسلام یا ادیان دیگر نیستند، بلکه ادیانی مستقلند («فرائد»؛ بیانیه محفل روحانی ملی ایران تحت عنوان: «دین است و فرقه نیست»؛ کتاب دیانت بهائی آئین فراگیر جهانی).

۱۲۹ نشریه مؤسسه معارف عالی امر در ایران.

۱۳۰ پیام ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳ بیت العدل اعظم به بهائیان ایران؛ بیانیه قرن انوار.

۱۳۱ کتاب خط سوم، ص ۳۸۰ به بعد.

۱۳۲ آثار قلم اعلی، ج ۶، ص ۲۴۴.

۱۳۳ مژده باد ایرانیان عزیز را که این «مُقَلِّحون» خیلی خیلی بیش از پیش در حال ظهور و بروزند، و امروزه ملاحظه می شود که چگونه بعضی از ایشان به گفتار و کردار و قلم، بی تفاوتی و سکوت دیرینه راشکسته اند و خود با مراجعه و تحقیق در آثار و کتب بهائی، مشغول نوشتن حقایق و حتی دفاع از آن در برابر تهمت ها و دروغ های بیش از یک قرن و نیمه مخالفین و منکرین ظالم، شده اند. اینک، حداقل با وجود اینترنت، یافتن این هموطنان شجاع سکوت شکن منصف، کاری دشوار نیست. (به عنوان نمونه مراجعه شود به یادداشت شماره ۱۲۶ و نیز سایت اینترنتی www.ohamzodai.com).

۱۳۴ برای دیدن این بشارت به منابع مذکور در یادداشت های ۶۳ و ۶۴ و ۱۲۶ و...مراجعه شود.

۱۳۵ زمینه جامعه شناسی، ص ۱۲۵.

۱۳۶ ایقان، ص ۱۸۹؛ قاموس ایقان، ج ۲، ص ۱۱۰۸-۱۱۰۶. برای توضیح معنی عام آن رجوع شود به مائده ۸، ص ۱۸۹؛ مائده ۴، ص ۱۶۹؛ اشراقات، صص ۱۵۴ و ۲۱۶؛ مائده ۵، ص ۹۸-۹۷؛ مائده ۲، صص ۸-۹؛ مکاتیب ج ۳ ص ۴۳۷؛ مذاوضات ص ۵۱؛ توقیعات ج ۱، ص ۲۲۸؛ مجله پیام بهائی شماره ۱۶۲، ص ۳-۴؛ برنامه ضیافت نوزده روزه مورخ ۱۳۵۷/۶/۱۶ و ۱۳۷۴/۹/۲۰؛ جزوه درسی:

Physics, p110, Energy& technology,

ص ۱۲۰، دانشگاه ایندیانا.

۱۳۷ ایقان، ص ۱۹۸.

۱۳۸ برای تشریح آن رجوع شود به مذاوضات صص ۵۲-۴۴. به عنوان نمونه طبق آماری کمی از آثار بانی و بهائی باید ذکر کرد تا حال ۱۰۰ جلد آثار از حضرت بهاء الله شامل ۲۶۰۰ مکتوب یا رساله یا کتاب، ۶۰۰۰ لوح از حضرت عبدالهء، ۲۳۰۰ اثر از حضرت ولی امر الله، و ده ها اثر از حضرت باب، در حدود ۴۰۰ موضوع، در مرکز جهانی بهائی جمع آوری شده (ایران زادگاه آئین بهائی صص ۵-۶).

۱۳۹ مکاتیب ج ۱ صص ۳۲۴-۳۰۷.

۱۴۰ «هدف نظم بدیع جهانی».

۱۴۱ برای توضیح بیشتر، رجوع شود به مجله پیام بهائی شماره ۱۵۲ صص ۳۱-۲۷ و نیز به یادداشت شماره ۱۵۶. در تقسیم دیگری، حضرتشان، ضمن تشبیه آن جریان الهی به رشد يك دانه، مراحل ده گانه ای برای آن توصیف می فرمایند که خلاصه آن را می توان به شکل ضمیمه ۱ ملاحظه نمود. تقسیم مزبور از حضرت شوقی ربانی ولی ملهم امر بهائی است که در پیام چهارم می ۱۹۵۳ حضرتشان ارائه شده است. برای دیدن عین بیان مبارک مراجعه شود به مجله اخبار امری، سال چهل و سوم، مورخ ۱۳۴۳ هجری شمسی. همچنین برای توضیح بیشتر مراجعه شود به توقیع رضوان ۱۰۵ بدیع از حضرتشان. برای دیدن نمودار «مراحل ده گانه رشد درخت ظهور الهی از عهد آدم تا وحدت عالم» به ضمیمه ۱ مراجعه کنید.

۱۴۲ در قسمت های قبل نمونه هایی از آثار بهائی در مورد این حقیقت آورده شد (از جمله بیان حضرت شوقی ربانی مربوط به یادداشت شماره ۵۵).

۱۴۳ در قسمت های قبل از آثار بهائی، در مورد غفلت بشر از دین و پرستش بت های خود ساخته بشری و عذاب حاصله از چنین غفلتی آورده شد (رجوع شود به متن مربوط به یادداشت های ۲۶ تا ۵۵).

۱۴۴ پیام بهائی، شماره ۲۵۲، ص ۴۱.

۱۴۵ سایت <http://adherents.com>

۱۴۶ در این مورد به «قرن بدیع»، ج ۴، فصل ۲۳ و صص ۲۹۰-۲۸۸؛ تویع رضوان ۱۰۵؛ تویع نوروز ۱۱۳ بدیع؛ بیانیه قرن انوار؛ جزوه سطوت ميثاق، شماره ۲۱ و ۲، مراجعه شود. شایان ذکر است که طبق پیش بینی های حضرت بهاء الله، عبدالبهاء و ولی امر الله، اقدامات شدیدی علیه امر بهائی در آینده، به مراتب بیشتر از قبل، انجام خواهد شد؛ ولی طبق پیش بینی همان طلعات مقدسه، امر بهائی و نظم بدیع و اداری آن بر جمیع مشکلات غالب خواهد شد و بالاخره سبب اصلی تحقق صلح جهانی و وحدت عالم انسانی خواهد بود (رجوع شود به: امروخلق، ج ۴؛ پیام های ۹ شهر العزّة ۱۳۵ بدیع (۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸) بیت العدل اعظم و رضوان ۲۰۰۶، و...).

۱۴۷ آمار سال ۲۰۰۱ از سایت <http://adherents.com> گرفته شده است.

۱۴۸ به عنوان نمونه رجوع شود به سایت های مذکور در یادداشت ۱۲۶. تعداد ایستگاه های رادیو بهائی در سال ۱۹۹۲، هفت مورد بوده است.

۱۴۹ روابط صمیمانه و محبت آمیز اهل بهاد و دوستان غیر بهائیشان چه در ایران و چه سایر نقاط، خود داستان شورانگیز جداگانه ای دارد که در این جا مجال پرداختن به آن نیست. فقط می توان گفت «جانمان فدای آن دوستان غیر بهائی باد.» (رجوع شود به متن مربوط به یادداشت ۱۳۳). همچنین از آن چه در متن سه در این جا و چه در قبل و بعد از آن گفته شد منظور این نیست که اهل بها خود راهتر و برتر از دیگران می دانند، بلکه ایشان نیز مانند همه عاشقان خدا و حقیقت، که ارواح و دلهایشان متحد است، آرزو دارند و می کوشند که به صفات و اخلاق حسنه ای که مریبان آسمانی توصیه و دستور فرموده اند، بیش از پیش آراسته گردند؛ زیرا مزین شدن به این صفات و اخلاق معنوی را اصلی ترین عامل برای رسیدن به وحدت عالم انسانی و صلح جهانی می دانند.

۱۵۰ برای جمع آوری فهرستی از آن اقدامات و تاثیر مثبت آن ها در فرهنگ ایران، از جمله رجوع شود به منابع بهائی و غیر بهائی مذکور در یادداشت شماره ۱۲۶. در آن منابع نقش جامعه بهائی از جمله در زمینه های بهداشت عمومی (پزشکی و پرستاری، تاسیس حمام های بهداشتی، ...)، تعلیم و تربیت (از جمله ایجاد مدارس بهائی در سراسر ایران حتی بعضی از دهات، با شاگردان از همه ادیان و مذاهب برای دختران و پسران هردو در زمان حضرت عبدالبهاء که بعدها در زمان حضرت ولی امر الله و سلطنت رضاشاه پهلوی به حکم وی بسته شدند)؛ علم و صنعت و تجارت و کشاورزی و هنر (از جمله معماری، ادبیات، موسیقی، خط، ... و ارتباط با مؤسسات علمی دنیا)؛ توسعه آزادی حقیقی معتدل و حقوق بشر - نه تنها در ایران بلکه در جهان - از طریق عملی تحمل زجر و حبس و شهادت و محرومیت های گوناگون و کمک به ترك تعصبات و تقالید، و ایجاد

عملی و نشان دادن نه تنها مدارای مذهبی و عقیدتی بلکه عشق به دگراندیشان که خود موجب ایمان گروهی از هموطنان عزیز از اقلیت های مذهبی زرتشتی و یهودی و سنی - علاوه بر خیل عظیم شیعیان نسبت به آن ها - به امر بهائی گردید، و ترویج حقوق زنان و کودکان به خصوص دختران؛ و بسیاری موارد دیگر، بیان شده است. (ملت ایران اینک مستحضر خواهند شد که بلایابی که جامعه بهائی تا حال تحمل نموده علیرغم سکوت و بی تفاوتی و بی اعتنائی بعضی از روشنفکران این مرزوبوم با آن سابقه درخشان در تمدن بشری، چقدر در رشد و توسعه آزادی افکار و عقاید در ایران - و جهان - مؤثر بوده است (نیز رجوع شود به یادداشت شماره ۱۵۸).

۱۵۱ شایان ذکر است که حضرت محمد (ص) مایل بودند همه مسلمان شوند، آیه مبارکه ۵۶ از سوره قصص نازل شد که، «أَنْتَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ». یعنی ای محمد تو هدایت نمی کنی آن را که دوست داری ولیکن خدا هدایت می کند هر که را بخواهد. حال وقتی پیغمبر خدا نمی تواند دیگران را هدایت کند مگر این که خدا بخواهد، پس بهائیان که خاک پای آن حضرت نیز نیستند، چگونه می توانند هموطنان عزیز یا دیگران را بهائی سازند. بهائیان فقط می توانند پیام الهی دین بهائی را به طالبان برسانند و پس، از آن پس، تصمیم با خود هموطنان عزیز و فهمیم است.

۱۵۲ رجوع شود به یادداشت شماره ۱۲۶.

۱۵۳ دو جلد کتاب «بدایع الآثار» یا «سفرنامه» تألیف محمود زرقانی از همراهان حضرت عبدالبهاء در شرح سفرهای حضرتشان منتشر شده است و صورت نطق های ایشان نیز در چند جلد «خطابات» چاپ شده است که از هموطنان عزیز تمنا می شود آن ها را ملاحظه فرمایند چه که هم سبب افتخار ایران و ایرانی است و هم متضمن راه حل های رفع بحران های امروز و فردای جامعه بشری و رسیدن به صلح و وحدت و سعادت حقیقی بشریت است.

۱۵۴ مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، صص: ۱۲۱-۱۰۰ و ۴۴۸-۴۴۷.

۱۵۵ این الواح در مکاتیب ج ۳ مندرج است.

۱۵۶ این نقشه ها که در عصر تکوین دور بهائی، در زمان حضرت ولی امر الله شروع شده است و ادامه دارد به شرح زیر می باشد (برای ملاحظه تقسیمات دور بهائی به یادداشت ۱۴۱ و ضمیمه آ آن مراجعه فرمائید): دوازده مورد نقشه های ملی که همه تا سال ۱۹۵۳ میلادی پایان یافتند (به کتاب اسرار ربانی، ج ۳، صص ۲۲۷ مراجعه شود). اولین نقشه جهانی که حضرت شوقی ربانی آن را طراحی و راه اندازی فرمودند، نقشه ده ساله بود (۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳) که پایان آن به تشکیل بیت العدل اعظم در سال ۱۹۶۳، صدمین سال اظهار امر علی حضرت بهاء الله، آراسته و مزین گردید. از آن زمان به بعد نقشه های متعدد جهانی در ادامه «فرامین تبلیغی» حضرت عبدالبهاء، توسط بیت العدل اعظم طراحی و هدایت و اجرایی شده و می شود؛ به این شرح: نقشه های ۹: ساله (۱۹۷۳-۱۹۶۴)؛ ۵: ساله (۱۹۷۴ تا ۱۹۷۹)؛ ۷: ساله (۱۹۸۶-۱۹۷۹)؛ ۶: ساله (۱۹۹۲-۱۹۸۶)؛ در سال ۱۹۹۲ به مناسبت صدمین سال صعود حضرت بهاء الله نقشه ای طرح نشد و

اهل بهاء به تحکیم دستاوردهای نقشه های قبلی وشکرانه آن ونیز تجلیل ازمقام حضرت بهاءالله وتجدید عهد وميثاق با آن حضرت پرداختند و در هفتمین سال دومین کنگره عظیم جهانی را که از شبکه های ماهواره ای به سمع ونظر میلیون ها انسان در جهان رسید، در تجلیل وشکرانه به آستان محبوب ابهائشان- که با انتصاب کتبی حضرت عبدالهء به عنوان جانشین حضرتشان در کتاب مستطاب اقدس و کتاب عهدی که وصیت نامه شان است، جامعه وامر بهائی را از اختلاف وتفرقه حفظ نمودند که موجب یاس وشکست تفرقه جویان شد- برگزار نمودند؛ ۳ ساله (۱۹۹۶-۱۹۹۳)؛ ۴ ساله (۲۰۰۰-۱۹۹۶)؛ دوازده ماهه (۲۰۰۱-۲۰۰۰)؛ ۵ ساله (۲۰۰۶-۲۰۰۱)؛ ۵ ساله (۲۰۱۱-۲۰۰۶)؛... فرایندی که تا تحقق وحدت عالم انسانی وصلح عمومی ادامه خواهد داشت.

۱۵۷ آمار آن قبلاً آورده شد.

۱۵۸ از جمله کنفرانس آموزش و پرورش برای همه در تایلند (۱۹۹۰)؛ کنفرانس سران درباره کودکان در نیویورک (۱۹۹۰)؛ کنفرانس محیط زیست سازمان ملل در ریودو ژانیرو (۱۹۹۲)؛ کنفرانس حقوق بشر در وین (۱۹۹۳)؛ کنفرانس بین المللی جمعیت در قاهره (۱۹۹۴)؛ کنفرانس سران جهان در باره پیشرفت اجتماعی در کپنهاگ (۱۹۹۵)؛ کنفرانس زنان در پکن (۱۹۹۵)؛ سه کنفرانس NGO و سران ادیان و سران و رؤسای سیاسی جهان در جشن هزاره در سال ۲۰۰۰. اعتماد و احترام اعضای سازمان های غیر دولتی به جامعه جهانی بهائی چنان بوده که نمایندگان آن به کرات دعوت شده اند در بسیاری از کنفرانس ها به جای آن که فقط اعلامیه بیابانیه ای تسلیم کنند، به نطق و خطابه برخیزند و چنین امتیازی که همه شرکت کنندگان خواستار شده اند همواره نصیب نمایندگان بهائی شده است (رجوع شود به پیام رضوان ۲۰۰۶ بیت العدل اعظم، و بیانیه قرن انوار، صص: ۱۰۵-۱۰۴). از جمله بیانیه های مذکور این هاست: اعلامیه بهائی در زمینه حقوق وتکالیف بشر (۱۹۴۷)؛ اعلامیه جهانی درباره حقوق زنان (۱۹۴۷)؛ اقدامات بهائی برای پیشرفت حقوق بشر (۱۹۴۸)؛ نامه ای درباره نظریه بهائی در مورد عبادت به سازمان ملل (۱۹۴۹)؛ پیشنهادهایی برای تجدید نظر در منشور سازمان ملل (۱۹۵۵)؛ بیانیه وعده صلح جهانی (۱۹۸۵)؛ بیانیه رفاه عالم انسانی (۱۹۹۵)؛ بیانیه چه کسی آینده را رقم می زند؟ (۱۹۹۹)؛ بیانیه جامعه بهائی در مورد تعلیم وترتیب وآزادی عقیده (۲۰۰۱)؛ بیانیه جامعه بهائی در مورد برابری نژادی (۲۰۰۱)؛ بیانیه جامعه بین المللی بهائی در مورد مبارزه با نژاد پرستی؛ بیانیه جامعه بهائی انگلستان درباره منع خشونت در خانواده (۲۰۰۱)؛ بیانیه خطاب به رؤسای ادیان (۲۰۰۲)؛ بیانیه در مورد آزادی دین وعقیده (۲۰۰۵)؛...

شاید برای هموطنان عزیز این نیز جالب باشد که بدانند جامعه بهائی مستقیم یا غیر مستقیم به شهادت حتی غیر بهائیان (۱۲۶ یادداشت) در توسعه و بلوغ نهادهای ملی و بین المللی بشر نقش قابل توجه داشته است. از جمله آن که پرونده مظالم و بلاای سده دهه اخیر وارده بر بهائیان ایران به عنوان پرونده استثنایی دهه های آخر قرن بیستم در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، به همراه پرونده های دیگر مظلومین غیر بهائی جهان امروز، موجب رشد کمی و کیفی نهادهای حقوق بشر در جهان شد؛ به طوری که کمیسیون حقوق بشر با

بیش از ۲۰ سال سابقه محکومیت همه ساله و لاینقطع مظالم وارده بر بهائیان ایران، اخیراً از حالت کمسیون صرف و بدون قدرت اجرایی، به شورای حقوق بشر با اختیارات بیشتر تبدیل شد که می تواند بیشتر و مؤثرتر به دفاع از حقوق همه مظلومین جهان بپردازد.

همچنین باید اضافه کرد که کنفرانس های فوق الذکر که در سطح سران جهان در آخرین دهه قرن بیستم تشکیل شد، به فرموده بیت العدل اعظم، مصادیقی از وحدت آراء در امور عظیمه، که از مراحل هفتگانه پیش بینی شده توسط حضرت عبدالها است (یادداشت ۱۴۰)، می باشد.

۱۵۹ درست برعکس کتب درسی مدارس و دبیرستان های ایران در رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی که تا حال با ذکری از دیانت جهانی بهائی و بزرگترین اقلیت مذهبی در ایران با بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر پیرو نکرده اند، ویا اگر کرده اند جز کذب و تهمت های مذهبی و سیاسی نوشته اند!

۱۶۰ به یادداشت ۱۴۶ مراجعه شود.

۱۶۱ در قرآن مجید به شکلی نمادین این حقیقت بیان شده است که شیطان نفس که در دوران کودکی بنی آدم موفق برگمراه کردن غافلین می شد، در یوم قیامت که ظهور موعود همه ادیان و آغاز دوره بلوغ بنی آدم و پایان مهلت داده شده به ابلیس از طرف خداوند است (سوره اعراف، آیات ۱۰ تا ۲۸؛ ...)، دیگر همچون دوران طفولیت کور آدم، نخواهد توانست انسان ها را بفریبد و غلبه نسبی یابد و بین بشر اختلاف و جنگ اندازد. به این جهت است که طبق وعود همه ادیان و طبق تعالیم حضرت بهاء الله موعود کل انبیاء، جامعه بشری وارد دوره ای می شود که به تدریج با قبول و اجرای تعالیم بهائی خواهد توانست برعکس کور آدم بر نیروهای شیطانی تقلید و تعصبات و خرافات و جنگ و جدال غالب آید و به صلح و وحدت و آشتی دست یابد. آن چه امروز مشاهده می شود زوال تدریجی نیروهای شیطانی ماده پرستی افراطی و خدایان دروغین از یک طرف، و تولد تدریجی نیروهای معنوی از طرف دیگر می باشد (برای بحث بیشتر به بیانیه قرن انوار و منابع مذکور در یادداشت ۶۳ و ۶۴ مراجعه شود).

۱۶۲ از لوح مبارک خطاب به پاپ پی نهم.

۱۶۳ آیات الهی، جلد ۱، ص ۳۴۰. از این بیان مبارک معنی رجعت مذکور در کتب آسمانی نیز آشکار است که عبارت است از رجعت صفاتی، نه رجعت ذاتی (برای تعمق در معنی این حقیقت مهم رجوع شود به کتاب مستطاب ایقان و نیز منابع مذکور در یادداشت ۶۳ و ۶۴ و ۹۶).

۱۶۴ به نقل از پیام ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰ بیت العدل اعظم.

۱۶۵ توقیعات، ج ۱، ص ۳۱۰. در مورد مقام بلا و شهادت از جمله رجوع شود به: اشراقات، ص ۲۱۶؛ مائده آسمانی، ج ۴، صص ۱۲۳ و ۱۶۹-۱۶۸ و ۳۴۸؛ مائده آسمانی، ج ۸، ص ۱۸۹؛ تسبیح و تهلیل، صص ۳۴-۳۳ و ۶۲؛ آثار قلم اعلی، ج ۶، ص ۷۰؛ مائده آسمانی، ج ۵، ص ۱۶۵؛ منتخبات الواح و آثار مبارکه مخصوص محافل تذکر، نشر ۱۳۰، صص ۲۴۴، ۲۱۳، ۱۳۴؛ امر و خلق، ج ۳، صص ۲۱-۱۴؛

۱۶۶ برای دیدن نظرات مشابه، به یادداشت ۱۲۶ مراجعه شود.

۱۶۷ دیانت بهائی آئین فراگیر جهانی، ص ۱۷۶.
۱۶۸ به بیان حضرت بهاء‌الله در اول همین مقال مراجعه شود.

جزوه حاضرکه پیشکش به خوانندگان گرامی و علی الخصوص
هموطنان عزیز ایرانی می گردد، به ضرورت ارتباط همیشگی
بشربا خدا از طریق ادیان حقیقی واستمرارچنین ارتباطی بخصوص
در این عصربحرانی، می پردازد.

دیانت بهائی که به وسیله حضرت بهاءالله آورده شده وجدیدترین
حلقه ارتباطی انسان با خدای مهربان است، علاوه برارائه بینشی
بدیع نسبت به تاریخ گذشته زندگی بشر، راه آینده اورانیزروشن می
سازد.

نویسنده سعی نموده حول محوراصلی، تاریخچه مختصری ازآئین
بهائی وموقف وموقعیت فعلی آن درجهان را تقدیم خوانندگان
عزیزنمایند وضمن آن به ارائه بعضی دلایل واطلاعات
وامارنیزدراثبات حقانیت آن پردازد. امید که این مختصرآغازی
باشد برای تحقیقات بیشترخوانندگان عزیز دراین خصوص.